
ژوندون
اطلاعات او کلتور
شماره ۳۴
سال - ۲۷
نجشنبه ۲۲ عقرب ۱۳۵٤
۹- ذیقعده ۱۳۹۵
۱۳- نومبر ۱۹۷۵
قیمت یک شماره -۱۳- افغانی



ښاغلی محمد داؤد رئیس دو لت‌وصدراعظم هنگامیکه ښاغلی محمد یونس نمایندهٔ‌خاص میرمن‌اندراگاندی‌صدر اعظم هند را در قصر ریاست جمهوری پذیرفتند

ښاغلی رئیس دولت وصدر اعظم پنجاه و هشتمین سالگرد انقلاب اکتوبر را به زعما، حکومت و مردم اتحاد شوروی تبریک گفتند

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه خبر داد که ښاغلی محمدداؤد رئیس دو لت وصدراعظم طی تیلگرامی عنوانی ښاغلو لیونیدبریژنیف سرمنشی حزب کمونست، نیکولای پودگورنی صدر هیأت رئیسه شورای عالی والکسی‌کاسیگین‌صدراعظم اتحاد جماهیر شوروی پنجاه و هشتمین سالگره انقلاب‌اکتوبر را به زعما ، حکومت ومردم اتحاد شوروی تبریك گفته اظهار داشته اند :

« مایه مسرت است که علایق‌دوستی و همجواری وتفاهم همکاری نزدیك و مثمر موجوده بین دوکشور بیشتر تقویت واستحکام می‌یابد .»

ښاغلی محمد داؤد باياد آوری خاطرات ونتایج خوش مسافرت شان به اتحاد شوروی برای تقویه‌روز افزون روابط دوستانه و همکاریهای همه جانبه دو کشور به‌نفع مردمان افغانستان واتحادشوروی و دیتانت و صلح جهانی وهمچنان برای صحت و سعادت‌زعما ومردم کشور همسایه و دوست‌اظهار آرزو مندی کرده اند .

اختصار وقایع مهم هفته

در کشور

ښاغلی محمد داؤد رئیس دو لت‌و صدراعظم ساعت ۱۱ قبل از ظهر روز چهار شنبه ښاغلی محمدیونس نماینده خاص میرمن اندرا گاندی صدر اعظم هند را در قصر ریاست جمهوری پذیرفتند .

ریاست دفتر جمهوری اطلاع داد که طی این ملاقات ښاغلی محمدیونس پیام میرمن اندرا گاندی رابه ښاغلی رئیس دو لت و صدر اعظم تقدیم نمود .

دراین وقت ښاغلی وحید عبدالله معین سیاسی وزارت امور خارجه و ښاغلی سنگهـ سفیر کبیر هند مقیم کابل نیز حاضر بودند .

* * *

اضافه از دوازده هزار و هشتصد تن پخته دانه دار از شروع کمپاین تا ۱۵ عقرب امسال توسط نمایندگی های سپین زر شرکت ازپخته کاران ولایات کندز، تخار وبغلان خریداری گردیده است .

* * *

ترمیم رواق مزار خواجه‌عبدالله انصاری در چوکات پروژه‌ترمیم آبدات وزارت اطلاعات و کلتور شروع گردید .

* * *

يك پایه ماشین جغل و تخم‌پاکی بایك سیت سامان ملحقه آن از طرف اداره پروگرام های‌انکشافی ملل متحد در کابل‌به وزارت زراعت اهدا گردید .

* * *

قرار داد ساختمان نصب ماشین ها و تدویر مسلخ هرات‌شام روز۹عقرب بین ریاست انکشاف مالداری هرات و کمپنی کرچفلید جمهوریت اتحادی المان در کابل‌عقد گردید.

درخارج

وزرای دفاع ده کشور عضو اروپای غربی در هاگ راجع به تهیه مقدمات فروش مشترك اسلحه اروپایی به‌امریکا مذاکره نمودند . این مطلب‌راوزیر دفاع جمهوریت اتحادی المان‌اظهار داشت.

دولت هسپانیه موسسه ملل متحد رابخاطر کوتاهی از باز داشتن مغربی ها از وروددرصحرای هسپانوی مورد نکوهش قرارداد، درحالیکه تلاش های دیپلوماتیك داکتر کورت والدهایم سر منشی ملل متحد برای جلوگیری‌از جنگ درشمال غرب افریقا ادامه داشت.

* * *

انگلستان‌آماده است فروش اسلحه خودرابجمهوریت عربی مصر افزایش بخشد .

درکشور

عیدی امین رئیس جمهور یوگندا گفت سه نهضت آزادی خواه انگولا موافقه کرده اند که‌يك حکومت اتحاد ملی تشکیل داده و اسیران جنگی را مبادله نمایند.

* * *

روز نامه های انگلیسی زبان چاپ دهلی جدید بطور عموم ازفیصله ستره محکمه هند مبنی بر برائت میرمن اندرا گاندی صدراعظم آنکشور از فیصله يك محکمه اله آباد با خوشی استقبال کردند .

* *

اوضاع در بنگله دیش رو به بهبوداست ابو سادات‌محمدصایم رئیس جمهور جدید بنگله‌دیش‌گفت درماه نوامبر ۱۹۷۷ در آنکشور ـ انتخابات پار لمانی انجام خواهد شد.

* * *

دانیل صوی نیهان نماینده ـ امریکا در موسسه ملل متحد گفت که هرگاه مجمع عمومی موسسه ملل متحد فیصله نامه رادر باره این‌موضوع صادر کند که صیهونیزم با تبعیض طلبی دريك صف قرار دارد ، این امر رویهٔ امریکا رادر مقابل موسسه ملل متحد متاثر خواهد ساخت.

* * *

پیک ژوندون

دولت جمهوری افغانستان اصلاحات ارضی‌رابرای منافع اکثریت مردم افغانستان یکی از اقدامات عمده در پروگرام اصلاحات بنیادی‌خویش در نظر خواهد گرفت .

(ازبیانات بناغلی رئیس دولت وصدراعظم)

خریداری پخته‌اززارعان

پنجشنبه۲۲ عقرب۱۳۵٤ـ ۹ ذیقعدةالحرام ۱۳۹۵ـ۱۳ نوامبر ۱۹۷۵

بمنظور کمك به زارعین پخته کار وفراهم آوری تسهیلات برای آنها دولت ۲۷۲۵ ملیون افغانی را برای خریداری پخته منظور نموده است.

سلسله خریداری پخته از چندی باین طرف در ولایات کندز ، تخار، بغلان ، هرات، بادغیس، فـراه و شیبندند جریان دارد ، که پخته‌کاران طی همین مدت عوض پخته تحویل دادگی شان پول نقد از کریدت‌دولت اخذ نموده اند .

در گذشته ها مؤ سسات‌نساجی، پخته را از زارعین طوری خریداری میکردند که برای‌یك‌مدت پول نقد به دهقان پخته کار تحویل‌داده نمی شد. بهمین ترتیب‌پخته سورت شده‌توسط این مؤسسات به نازلترین قیمت خریداری میشدکه‌به نفع‌زارعین پخته نبود. درحالیکه اکنون‌دولت سورت های مختلف پخته را به قیمت های معینه هرسورت خریداری مینماید ، تا در زمینه برای زارعین پخته‌کمك نموده و حاصلات پخته توسعه وگسترش بیشتر یابد .

بهمین ترتیب برای‌حمل‌ونقل پخته از مناطق مختلف و سایل حمل و نقـل تو سط دو لـت فـرا هم میگردد که این موضوع نیز به نفع زارع بوده و تاثیر مستقیم در و ضع مالی دهقان و بلند رفتن سطح تولید پخته دارد .

هدف ازین کمك به پخته کاران اینست که در آینده مؤسسات‌نساجی انکشاف یابد. چه بمقدار زیاد تری پخته در داخل کشور ضرورت‌خواهد بود .

فعلا مصرف نساجی های‌بلخمری، گلبهار، بگرامی و سایر مؤ سسا ت بافندگی به ۱۲ هزار تن میرسد ،که با تاسیس فابریکات جدید نسا جی هرات ، قند هار و توسعه نساجی بلخ و بگرامی مصرف پخته در داخل کشور به ۲۵ هزار تن بالا خواهد رفت .

چون پنبه یکی از حاصلات عمده را در کشور ما تشکیل میدهد ،توجه به توسعه و گسترش حاصلات پخته گذشته از اینکه ضرورت نساجی ها ومؤ سسات بافندگی را مرفـوع میسازد ، در ازدیاد صا درات پخته بخارج و بلند رفتن سطح عوایدازین ناحیه نیز نقش بسیاری دارد . روی همین ملاحظه است که دو لت به این اقدام مفید وپر ثمر دست زد تا اهداف که در آینده در قسمت توسعه و ازدیاد تو لیدات نسا جی دارد . بر آورده گردد .

بهمین اساس چندی قبل درپهلوی سایر اقدامات جهت از دیادحاصلات پخته وکمك به زارعان ، یکتعـداد مؤسسات نساجی در ولایات‌به‌منظور بلند رفتن سطح تو لیدات نساجی ملی اعلام گردید .

خبر هفته

قانون سیاحت بـعد از تصویب مجلس عالی وزراء ومنظوری بناغلی رئیس دو لت و صدر اعظم درشماره سیزدهم جریدهٔ رسمی نشر و نافذ گردید .

بموجب این قـانون ریـا ست گرځندوی علاوه بر فراهم آوری یك سلسله تسهیلات در امر تـو ریزم پلانهای انکشافی طویل المـدت و قصیر المدت توریزم را در چوکات پلا نهای انکشافی دو لت تر تیب وبعد از منظوری مقا مات‌صلاحیتدار درمعرض تطبیق قرار خواهد داد .

قانون سیاحت‌بداخل هشت‌فصل و۲۲ ماده تدوین شده است .

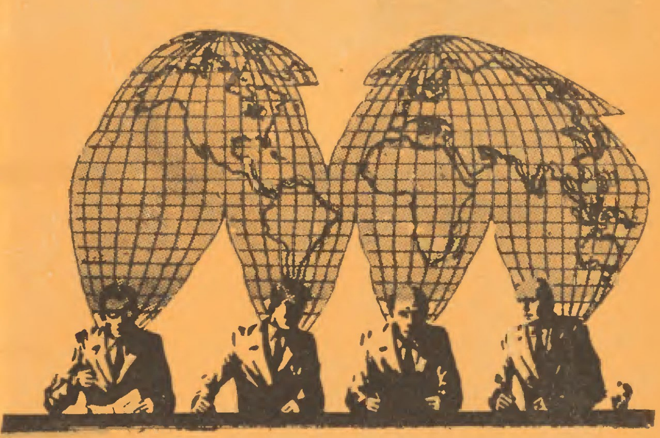
• • •

باساس مشی دو لت جمهو ر ی برای یـکصدو شصت و هشت‌ـ خانواده بی ز مین در پروژه آبیاری کیله‌گی روز ۱۷عقرب توسط بناغلی محمد آصف پاس یو سفی وا لـی بغلان ز مین تو زیع گردید .

یك منبع آنو لایت گفت د ر این پروژه یکهزار و یکصدوهفتادوشش جریب ز مین برای یکصدو شصت‌و هشت خانواده ایکه قبلا ا ستحـقاق شان تثبیت گر دیده بود تـو زیع شد .

منبع اضافه کرد پروژه آ بیا ری کیله گی در و لسوالی‌دوشی‌موقعیت دارد وتاکنون برای دوصدو شانزده خانواده یکهزار و پنجصد و بیست وشش جریب ز مین تو زیع گردیده است .

پروژه کیله گی از دریای‌بلخمری آبیاری می‌شود .



وقایع مهم سیاسی هفته

از شفیع راحل

مارش بزرگ صحرای غربی

فرستادن بیش از دو صد هزار افراد ملکی غیر مسلح به صحرای غربی برای حل کردن یك معضله سیاسی توسط ملك حسن پاد شاه مراکش در هفته گذشته یکی از اقدامات بی نذیر تاریخ بشمارمیرود.

تاحال در تاریخ دیده نشده بودکه چنین بحری از انسان بر یکی از مستعمرات که قوای استعماری بحالت تیار سی و بصورت کاملامسلح نشسته سرازیر گردد . همچنان دیده نشده بود که رئیس یك دولت چنین امری را که در حقیقت یك سفر بری عظیم ملکی است برای مقابله بایك قوای مسلح دشمن‌صادر نماید . اطاعت به امر، توسط چنین یك کتله بزرگ با در نظر داشت حرارت و ریگ شد ید صحرا و خطر مرگ ازتشنگی وگرسنگی‌نیز بر اهمیت مارش به صحرا که برای بیش از دو صد سال تحت استعمار هسپانیه بود یك امر قابل تمجید است .

برای (۲۵ر۰۰۰) قوای مسلح هسپانیا وکشتی های‌جنگی آن‌مملکت که از صحرای غربی محافظت میکنند جلو گیری از ورود دوصد هزارمهمان ناخوانده کار بعید بنظر میرسید ، استعمال اسلحه کار غلط ونا درست مینمود زیرا چون موضوع جنگ در میان نبود قتل و قتال ملکیان‌نامسلح فاجعه بزرگ و فراموش نا شدنی را بار می آورد .

هرگاه مها تما گاندهی زنده‌میبود از این مارش به معنی وسیع اجتماعی وسیاسی آن اشد لذت را میبرد زیرا وی موسسی تیوری (ستیاگر) یاعدم اطاعت از تعدی استعمار و عدم همکاری اجتماعی توسط ملکی ها بود .

توقف .

بعد از آنکه از (تانایا) و چند نقطه دیگر در سرحد صحرای غربی، ملکی ها که بدسته های هشت هزار نفری تقسیم شده بودند به مار ش آغاز کردند این خطر هر لحظه دیده میشد که ماین های نهفته شده را زیر پا نماید، قوای هسپانیه موقتا بداخل خاك مستعمره عقب نشینی کردند و به این ترتیب یك ساحه (نو منزلند) یا سرزمین خالی زاخلق کردند تا مارش کنند گان بتوانند با فراغ خاطر به پیشروی ادامه دهند.

موقعیت ماین ها نیز طوریکه بعدا معلوم گردید هفت کیلو متر بداخل خاك صحرای غر بی قرار داشت . هم حکومت هسپانیه و هم حکومت مراکش هراس داشتند که مبادا انفجار ماین ها شروع گردیده وباعث تلف شدن مارش کنند گا ن گردد .

با این هراس وهم خوف اینکه مبا دا الجزایر و موریتانیا مداخله نظامی نمایند مراکش و هسپانیه عاجلانه به موافقه رسیدند که مطابق آن ملك حسن دریك بیانیه رادیویی امر داد تا مارش کنند گان فورا به نقاط تجمع واقع سر حدات بر گردند باینترتیب یك مارش بزرگ خاتمه یافت .

موافقه .

متن موافقه نامه که مرا کش و هسپانیه در آن به توافق رسیده اند هنوز افشا نگردیده اما در حلقه های سیاسی حدس زده میشود که تفا هم موجوده روی چند پرنسیب ذیل استوار است .

اول ـ یك ریفرندم از(۷۵ر۰۰۰) باشنده این مستعمره که از لحاظ ذخایر (فاسفیت) خیلی غنی میباشد اخذ شود .

دوم ـ در این ریفرندم طوری‌زمینه سازی خواهد شد که اکثریت رای دهند گان از تقسیم مستعمره بدو قسمت (مراکش و موریتانیا) رأی دهند .

سوم ـ بعد از اخذ ریفرندم و تقسیم ساحه بدو قسمت و تسلیمی هر حصه به مملکت مربوط قوای هسپانیه کا ملا تخلیه خواهد گردید .

چهارم ـ مراکش و موریتانیا چهار صد ملیون دالر قیمت سرمایه گذاری فابریکات فاسفیت را به هسپانیه خواهند پرداخت .

پنجم ـ این ریفرندم که به اساس حق تعیین سر نوشت صورت‌میگیرد والجزایر خواستار آنست قناعت الجزایر و زعمای آن مملکت را نیز فراهم خواهد ساخت .

نکته اخیر الذکر قابل تا مل‌است زیرا امر واضح است که قناعت الجزایر از یك ریفرندم ساختگی که ماهیت تظاهر و روی وریای سیاسی را دارد بر آورده نخواهد شد و به کمك خود به نهضت آزادی خوا هی صحرای غربی ادامه خواهد داد .

فرانکو .

جار و جنجال صحرای غربی وقتی آغاز شد که جنرال فرانکو رئیس جمهور هسپانیه در بستر مریضی افتاده بود و(یوان کارلوس) جانشین وی به مجرد بدست گرفتن زمام امور مجبور بود فیصله ای در مو ضوع بنماید . سفرنابهنگام وی به صحرای غربی نشانه جدی بودن وی‌درموضوع صحرای غربی و توجه‌وی‌به امور تازه بدست گرفته شده‌یی دو لتی بود.

تاثیر تصمیم وی در موضوع‌صحرا یك نمونه از پالیسی و طرز کاریوان کارلوس است. هسپانیه همین حالا آمادگی میگیرد تا با دوره بعد از فرانکو سازش کند و خط السیر آینده آن مملکت بصورت درست تثبیت گردد .

آنچه در موضوع صحرای غربی حقیقتا تاثیر آور بودهما نابی مبالاتی کامل پارتی های ذیعلاقه از تصا میم شورای امنیت در مورد عدم‌فرستادن مارش کنند گان به آن مستعمره بود .

پیام بخوانندگان

جهت کشف وتثبیت ذخایر معادنیکه بخصوص معادنیکه استخراج آن دارای اهمیت تجارتی میباشد مطالعات به شدت صورت گرفت . تفحصات درساحهٔ معادن طلا ، سیماب، مس کرومیت وابرك ادامه یافته وپروگرام تفحصات درساحهٔ معادن مس لوگر که آیندهٔ خوبی را نوید میدهد، تشدید گردید. نقشه جیالوجی افغانستان به مقیاس یك بر ٥٠٠٠٠٠ تکمیل گردید. اموراکتشافی طلای سمتی خاتمه یافت واقدامات جدی جهت استخراج آن رویدست گرفته شد .

پروگرام تفحصات نفت وگازبه منظورتثبیت ذخایر بیشتر آن ادامه وتوسعه یافت وبه اندازه تقریبا دوهزار متر برمه‌کاری اکتشافی واستخراجی مازادبرپلان پیشبینی شده صورت گرفت. باافزایش درذخیره گاز سلفردار به اندازه (١٥) ملیاردمترمکعب واستفاده ازذخیره سابقه قرارداد پروژه سازی فابریکه تجرید سلفر ازگاز امضاء وکار آن عنقریب آغاز میگردد. همچنان باکشف ذخیره جدید نفت وتوسعه فعالیت دربن ساحه پروژه سازی فابریکه تصفیه نفت که درگذشته به ظرفیت ١٠٠ هزار تن درنظر گرفته شده بود بظرفیت بیشتر درساحه تطبیق گذاشته خواهد شد .

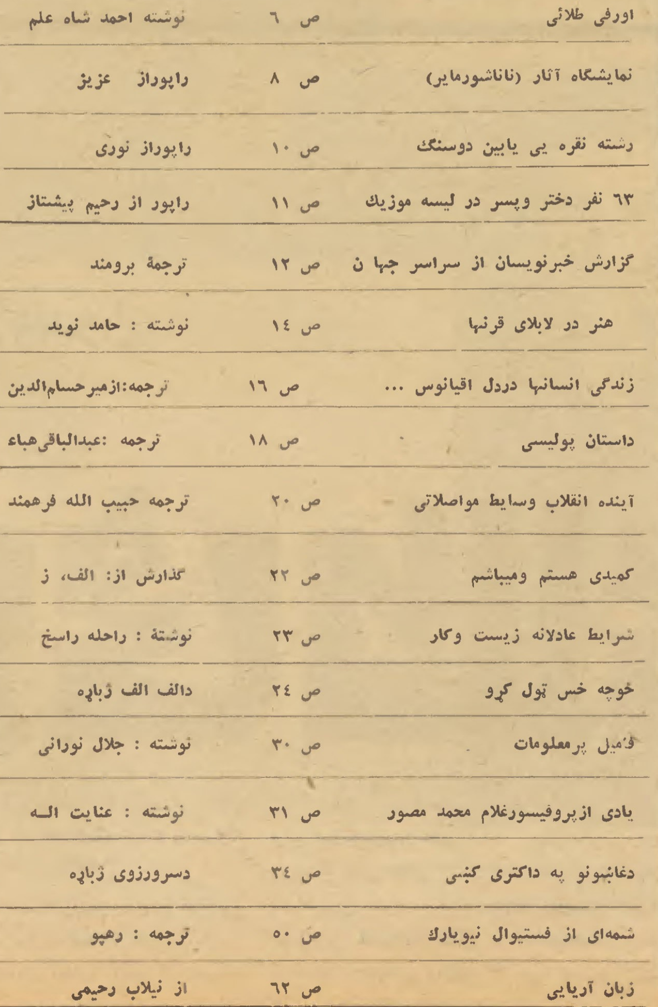
پایپ لاین هوایی‌گاز بطول ششصدوونه‌صت متربالای دریای آمو تکمیل وافتتاح گردید، ازمعدن بیرایت که درماه اخیر سال ١٣٥٢ افتتاح گردید به اندازه بیشتر از هفت هزار تن بیرایت استخراج گردید .

در ساحه صنایع درنتیجه افزایش مواد زراعتی بخصوص‌پخته‌واستفاده اعظمی ازظرفیت تاسیسات صنعتی موجوده وتثبیت ساعات کار وحداقل مزدکارگران درمیزان تولیدات صنعتی بمقایسه سال ١٣٥١ افزایش قابل ملاحظه نمود .

جهت رفع قسمت بیشترحوایج عامه‌درساحه منسوجات نخی تجویزگرفته شدکه فابریکه‌های نساجی افغان، بلخ وبگرامی بجای دوشفت درسه شفت فعالیت نمایند. این امر طوریکه گفته شدنه تنها دررفع نیازمندی مردم بصورت قابل ملاحظه کمك خواهدنمود بلکه زمینهٔ استخدام رابرای بیشتر ازیك هزار نفر کارگر مهیا خواهد ساخت .

فابریکه کودوبرق حرارتی بعدازتکمیل امور ساختمانی وتولید دورهٔ امتحانی اخیرا افتتاح گردید .

تاسیس بانك صنعتی افغانستان از طرف حکومت جمهوری افغانستان به سرمایه مجوزه ٢٤٠ ملیون افغانی تائید گردید . پروگرام مرحله‌اول پارك صنعتی بشمول‌تامین تسهیلات مشترك ازقبیل ورکشاپ ها وغیره بیشتر از شصت فیصد تکمیل گردید .



درین شماره

عکس روی جلد: یکتعداد از دختران افغان‌بالباس های ملی .









نویسنده: احمد شاه علم

عکس هایی تمام هنر مندانیکه همراه‌باین راپورتاژ به‌نشر رسیده است توسط خودشان برای مجلهٔ ژوندون امضاء شده است.

راپورتاژ اختصاصی ژوندون

اوروفی طلائی

دهمین سالگرد فستیوال اورفی طلایی قرار معمول همه ساله در ساحل آفتابی بحر سیاه (واقع دربلغاریا) مجلل تر، برازنده تر وبا شکوه تراز سالهای دیگر برگذار گردید.

دراین فستیوال بزرگ خوانندگان برازنده ۲۳مملکت پهلو به پهلوی هم با هم رقابت هنری دارند وبرای ربودن مدال اورفی طلائی هنرنمایی می نمایند. هیات قضات و مردم منتظر افتتاح فستیوال اند.

رئیس هیات راسرزیسوررادیووتلویزیون بلغاریا آقای خچوبویجیف بر عهده دارد. کامپوزیتور نامدار بلغاریا ویلی کازاسیان ریاست هیات مدیره موسیقی دانان بلغاریاو مرتب موزیك اورفی طلائی است. دیکورعالی وپردبدبه اورفی طلائی انسان رادر عالم رویا های شیرین میبرد. آرکستر بزرگ رادیو تلویزیونی بلغاریاکه مشتمل بر ٦٠ نفراست خوانندگان بلغاریایی وخارجی را همراهی می‌کنند.

ژورنالیست ها وعکاسان از همه اکناف جهان برای تهیه راپورتاژ ازاین فستیوال بزرگ درساحل آفتابی بحرسیاه جمع شده‌اند تاباخوانندگان ، موزیك دایرکتر هاومسوولین فستیوال مصاحبه نموده وآنرا در اختیاراخبار،



رادیو وتلویزیون ممالك خود بگذارند .

نماینده، بی‌بی‌سی لوژ مخصوصی را برای خود قروغ کرده است .

لوحه دیگری درلوژدوم از تلویزیون آلمان شرق به چشم می خورد ، بطرف راست لوژ دوم لوحه‌ای به چشم می خوردکه نمایندگی

ازکانال دوم تلویزیون آلمان غر ب می کند (زید . دی . اف) .

کارتخنیکی مکروفون وضبط صوت راکمپانی سمپر ینی ایطا لیا یی به عهده دارند. پسران پرانرژی وچالاك ایطالیایی به سرعت کارمی کنند .

تلویزیون بلغاریا مخصوصااستودیوی نمره ٦ که به تلویزیون رنگه تخصیص دارد باچهار کمره و۲۰۰ کارگر فنی ومسلکی خود وارد ساحل آفتابی شده است ودر اختیار فستیوال قرار دارد .

این کانسرت وفستیوال نامدار تو سط تلویزیون ملی بلغاریا به تما م مما لـک سوسیالیستی ـ فرانسه، انگلستان، هالیند، آلمان غرب وبعضی ممالك دیگر اروپای غرب ریلی می گردد .

همه روزه برتعداد توریستها وعلاقه مندان

بقیه در صفحه ۱۳



چهره افغان هادر تابلو ها مایـر بسیار عالی تجلی کرده است .



این پرتریت باستایل مخصوص بخود ناناشور مایر باظرا فت‌خاصی کشیده شده است.

از: عزیز- بلیکا.

نمایشگاه آثار (ناناشور مایر)

در گویته انستیتوت

درآثار ناناشور مایر که درگوته‌انستیتوت بمعر ض نمایش قـرار گرفت نمایا نگر سبک خا صی از نقاشی مدرن است .نقا شیکه بنابه گفته خودش آمیزه ازسبک هـای مختلف نقاشی است.



ناناشور مایر ـ ویرنگ باعلاقمندی خاصی درمورد تابلو هایش صحبت‌می‌کند

روز ۱٤ عقرب نمایشگاهی از آثار میرمن ناناشورمایر رسام جوان آلمانی در گویتـه انستیتوت افتتاح شد .

درین نمایشگاه که بیشتر ازچهل پورتریت به نمایش گذاشته شده بود مورد علاقهٔ همه دوستداران هنرکه درآن محفل اشتراك ورزیده بودند واقع گردید .

این هنرمندکه هنوزسی وپنج بهار زندگی راسپری کرده آثارش چنان به پختگی رسیده که انسان دراولین برخورد تصور میکند باآثار هنرمند اقلا پنجاه ساله برخورده. اوکه‌درنقش آفرینی چهره هادست پرقدرتی دارد باسایل جدید خطوط وشیارهارا بامهارت بسیارمیکشد که بانخستین نگاه ترسیمی ازیك واقعیت رادر دست میدهد واقعیت که پای زمان و حقیقـت های زندگی رادر خود دارد .

قبل ازآنکه این هنرمند راملاقات کنم نظر بعضی ازنقاشان خبره مانند (سیمون شکـور ولی)، (کهزاد) ، (طرزی) رادرمورد نمایشگاه این هنرمند وپورترت هایش بدست آوردم .

بناغلی طرزی پیرامون نقاشی های ایـن هنرمندگفت: وقتی میشود به هنراین نقا ش چیره دست پی بریم‌که خوب درآن منهمـك شویم وببینیم‌که باچه ظرافت خطوط را بهـم وصل کرده وازآن‌چهره راکه‌نمایانگرواقعی‌یك محل ومردم آن را ترسیم نـموده است‌بـه عقیدهٔ من این هنرمند یك سبك آزاد راکـه خاصهٔ بسیاری ازهنرمندان عصر ماست تعقیب مینماید وازجانبی میتوان اوراپیکر ومکتـب سوریالیزم درنقاشی دانست .

وقتی باکهزاد صحبت کردم اول ازهمه اوبه باریکی کار وانتخاب رنگ هاتوسط این‌هنرمند اشاره کرد وگفت: دقت نظر ومراعات باریکی هادر نقاشی (شورمایر) چنان است که بیننده دراولین دیدار تصور میکند این تابلو هـای رسامی نیستند بلکه عکس هایست که ازتابلو هایش برداشته شده . بعدتر حقیقت غیر از آنچه هست‌که درظاهر انعکاس مییابد یعنـی بیننده دربرابر یك واقعیت قرارمی گیرد. این هنرمند درانتخاب رنگ هاخیلی موفق اسـت زیرا بارنگ ها ئیکه او نقش کشیده‌بیانگر ژرف نگری خـاص اوست. مثلا در تـابلـو های‌که ازجهان غرب کشیده همه اش بارنگ (سرد) وتابلو هائیراکه ازشرق ترسیم نموده درهمه اش ازرنگ‌های گرم استفاده‌کرده‌است که این خود وارد بودنش راباهمه واقعیت‌های شرق وغرب میرساند .

کهزاد مکتب میرمن (شورمایر) را میـان سوریالیزم واکسپرسیونیزم میگوید ولی اورا بیشتر باریالیزم وسوریالیزم نزدیك میداند .

میرمن شکور ولی آثاراین هنرمندراآبخورده ازهنرشرق‌میداندکه‌اثرات هنر، هنرمندان‌اصیل هند رادر خود نهفته دارد .

میرمن ولی ازخطوط اساسی‌که دربرجستگی های چهره هادربسیاری از پورتریت هـا ی شورمایر دیده‌میشود خیلی به‌توصیف‌یادآوری کرد وبیان داشت‌که هنراین هنرمند با ایجاد خطوط وبکاربردن رنگها ارزش بسیار به‌آثار خود بخشیده است .

میرمن شکوروولی عقیده داردکه این هنرمند درتزئین دادن طبیعت درتابلو هاخیلی پرقدرت است .

واما درمورد شور مایر:

این هنرمند راازنزدیك دیدم زنیست جوان وباطراوت نام مکملش (ناناشورمایر- ویرنگ) است وزادگاهش شهر (هام) جمـهو ریـت فدرالی آلمان اوابتدا در رشته باغبانی‌تحصیل کرده وبعد شامل مکتب هنری دور تموندشده ومود وپارچه بافی گرافیك ونقاشی راآموخته ودر رشته دیزاین نساجی امتـحان دولتـی راگذشتانده است .

موصوف به‌کارهای آزاد مشغولیت داشتـه وازسال ۱۹۷٤ بدینطرف دروصف رضاکـاران آلمانی درافغانستان ایفای وظیفه میدارد .

نمایشگاهای متعددی ازوی در شهر هـای مختلف جمهوریت اتحادی آلمان برگزارگردیده ولی این نخستین باریست که نمایشگاهی از آثارش رادریکی ازکشور های خارجی بر پـا کرده است . اوپورتریت های رابمعرض‌نمایش







گذاشته که اکثریتش رادر ایام اقامت خویش درافغانستان بوجود آورده است .

درحالیکه ازسبک نقاشی ریالیسم خوشش می آیدولی کارهایش سبک سوریالیزم است ومعتقد است‌که سوریالیزم پندار هاوواقعیت هاراهمراه باجهان بینی ووسعت نظرهنرمندانه بهم آمیخته واثری بوجود می آورد که زادهٔ تصورات وبرداشت اواز حقیقت است .

(ناناشور مایر) درحالیکه جامی‌را ازروی میز بلند می‌کرد سور یالیسم را چنین تعریف کرد که همه می‌بینیم وهرکس میتواند اورابیبند که این ریالیزم است وقتی من این جام رامی بینم باافقی‌که دیگران آنرامی‌بینند این سوریالیزم است یعنی چشم دید من باافق نظرم سوریالیزم را میسازد .

شورمایر معتقد است که همه آثارش‌متاثر ازهنرهند است ولی اورامطلق شرقی‌نمیداند.

وقتی از (نانا) پرسیدم‌که آیا آثارهنرمندان افغانی را دیده ونظرش درمورد نقاشان افغانی چیست ؟ بجواب گفت: من آثارهنرمندان فعلی رادیده ام که بسیاری ازآنها خیلی‌پخته بوده وهم هستند آنهائیکه به تلاش وپشت کار زیادی ضرورت دارند تاآن پختگی راکه لازم هنرشان است آورند .

وقتی درمورد هنر اصیل افغانستان(میناتوری هرات) ازاو پرسیدم به پاسخم گفت:که بدبختانه تاحال موفق نشده‌ام ازآن استفاده کنم زیرا کتبی که در ینباره موجود است تا حال بدستم نیفتاده اما میناتوری راکه کم وبیش‌درپورتریت هایم می بینید تاثیر کتابی است که‌درموردهنراصیل‌هندکه درآن‌ازمیناتوری هم‌بحثی فیته‌ومن سالها قبل‌آنرامطالعه‌کرده‌ام.

وقتی ازطرزکار وسبك رسامی پورتریت هایش پرسیدم، گفت: بازهم میگویم که ریالیزم وسوریالیزم مکتب اساسی است که من آنرا تعقیب مینمایم ولی شما میتوانید کوبیزم وبعضا عناصر رااز مکتب کلاسیك درپورتریت هایم بیابیدکه این نمایندگی از آزادی هنرم میکند اماسبك کارم چنین است که اولا پلان کارخویش رادر ذهنم ترسیم وبدنبال آن کار راآغاز میکنم که‌گاهی ممکن است روزها هفته هاوحتی ماه ها نتوانم پلانی راکه طر ح آن آرزویم است پی ریزی نمایم ودرین مدت ممکن است یك دو وحتی بیشتر پورتریت هارا بوجود آورم ولی بطرح آن یکی بوفق نکردم ، وهم ممکن است طرحی رابریزم ولی آنچه درمخیله ام است با آ ن تطابق ننماید بازهم به آینده موکول میکنم وآن حد انتظارش رامیکشم تاآنچه میخواهم بروی تابلویم نقش یابد .

ناناشورمایر که بیشتر از یکنیم سال از عمرخویش رادرافغانستان گذشتانده زندگی وچهره های واقعی مردم مارا ازنزدیك دیده

بقیه در صفحه ۴۷

رشته نقره یی یا بین دوسنگ

نمایشی بمناسبت سال بین المللی زن
از: گک ، تماشاچی

بافیصله سازمان جهانی ملل متحد، سال بین‌المللی زن درهمه کشورها وازجملهٔدرکشور ماتجلیل میشود. همه موسسات فرهنگی درین راه تلاش هایی می‌کنند وپروگرام هایی خاص ترتیب می‌نمایند .

نمایش درام (رشته‌نقره‌یی یامیان دوسنگ) درادیتوریم مرکزفرهنگی امریکا نیز ازهمین پروگرام هاست، پروگرام هایی برای ز ن ، بران نمایاندن موقف زن درگذشته وحال و برای تامین حقوق زن وتثبیت حس ابتکار ، دانش وتعقل زن ...



نمایشنامه رشته نقره یی اثر (سدنی‌هوارد) نویسندهٔ معروف‌امریکایی‌است، این اثردرست پنجاه سال قبل ازامروز نوشته شده است ، ولی دایرکتر، درپیاده کردن آن بروی صحنه این فاصله زمانی راازبین برده است، او (گذشته) را، درین نمایشنامه به (حال)تبدیل کرده دیکور.دیکور۵۰سال قبل‌نیست‌لباسهامود پنجاه سال قبل رانمایش نمیدهند ودیالوك ها ازهیاهوی جهان امروز یادآوری می کنند ، نه ازدیروز واین برداشتن مرز زمانی‌کاربجایی است، چه زن امروز هم زیست میکند، همان پرابلم هاامروز هم وجود دارند، ستیز کهنه ونو، خرافات پسندی وتجدد طلبی امروز هم به‌حد اعلای خود رسیده است.

درین درام پروین صنعتگر، مقدس نگاه، زرغونه رفا، پروین هوساوستار جفایی حصه دارند، این چهره ها، قسما درتیاتر ماشناخته شده‌اند، چهره های ازهنرمندان خوب تیاترما وهنر ما....



درام گوشه یی ازیك زندگی امریکایی را نمایش میدهد، نیمرخی ازچندزن امریکایی با مفکوره های گونه‌گون، ولی باادامه آن مرز ها محومی‌شوند، درآن، تصویرجامعه‌غربی وشرقی باهم دیده میشوند، آسیا، اروپا امریکا وهر گوشه دیگرجهان، مشکلات خودرادرآن‌میبینند، چه زن درهمه جاهست ... مادر درهمه جا هست، همسر درهمه جا هست وجدال یك جدال عاطفی است.

زنی بیوه وثروتمندباتکیه به دارایی خود، می خواهد دوفرزند خودرا- دوفرزندی که آنها رابزرگ کرده وبه دانش رساند- بخود نگهدارد، به محیط کوچك ومحدود دهکدهٔ خود محصور سازد و برفراز فرزندانش نیز همان زندگی اشرافی را، که دوراز هیاهوی جهان امروزی است، تدارك‌کند. دوجوانی‌که تحصیل کرده‌اند وبامشغله شهرهای امروز انس‌دارند. درمیان تردید برجای مانده‌اند ودوزن، دو عروس، درسوی دیگر، درکفه دیگر ترازو ، نقش هایی دارند، آن هاجدال گران دیگراین معرکه اند، آن‌زندگی باهیاهو، باکاربا هیجان می خواهند وبرثروت وگوشه نشینی هیچ علاقه یی ندارند... مادر درتلاش است تا فرزندان رانگهدارد وعروس هادر تلاش اند تابه نیویارك ، به شهر هیاهو بر گردند ... کارکنند وخودزندگی بسازند ...

نام (درمیان دو سنگ) که دایرکتر، براین نمایشنامه گزارده است ودرحقیقت نام دوم اثراست، با مسماتر می نماید ، چه ازلحاظ عاطفی دو جوان درمیان دوسنگ تا پایان نمایش، خردمی شوند، می افتندوبرمیخیزند.

آنها ازیکسوبه زنجیر سخت ومقدس‌مادری بسته‌اند وازسوی دیگر، رشته انس‌واحساس پیوند شان راباهمسران شان محکم‌کرده‌است، دوگروه به دوسوی می روند، دوقطب آشتی ناپذیر ودرین میان دوجوان به هردوسو کشیده میشوند ...

درین نمایشنامه ، همه نقش های اصلی رادارند، نگاه وجفایی ، پروین وزرغونه ... پروین صنعتگر که بازبروی ستیژ برگشته، باز درتیاتر می درخشد ....

ترجمه این اثرکه تو سط (روح الله شیشه‌گر) شده، برگشته یی از انگلیسی‌به فارسی است، بر گشتی خوب ...

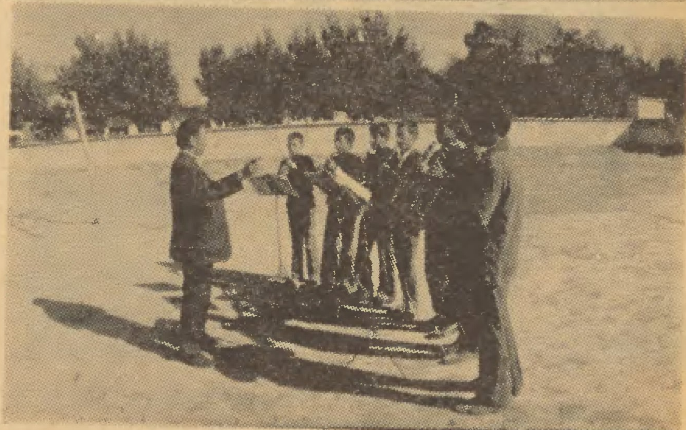
دایرکت آنرا جفایی کرده است، او تاحال ۹درام را دایرکت کرده ودرکابل ننداری‌و مرکز فرهنگی امریکا نمایش داده است . جفایی ازده سال به اینسو، در پهنای تیاتر دیده‌شده، اوگاهی بازیگر تیاتربوده وزمانی ازپشت پرده برنمایشنامه حکمروایی کرده

ستارجفایی دردایرکت این درام نیزموفق است وهنر مندان انگشت شما ر نمایشنامه‌و بازی بصورت یك تیم، برین موفقیتش کمك کرده است...



ازبالا به‌پایین :
پروین صنعتگر باز بروی پرده می آید...
جدال، جدالی بین دومفکوره، بین کهنه‌ونودرین نمایشنامه دیده میشود.
«بین دوسنگ» نام بامسما تری است‌براین درام





مکتب موزیک باسیستم نوتیشن شاگردان رادر قسمت موسیقی تربیه می نماید

راپور از :
رحیم پیشتاز

۶۳ نفر دختر و پسر در لیسه موزیک مشغول فرا گرفتن موسیقی هستند

• • •

دو صد پارچه موسیقی اصیل افغانی بصورت تیپ شده در آرشیف این لیسه موجود است

موسیقی در پرورش روح انسا ن رول مهمی را بازی نموده جهت تداوی مریضان روحی امروز از موسیقی استفاده میشود . امروزهمه در اندیشه موسیقی است. موسیقی نوازان همیشه مورد استقبال بی نظیر علاقمندان شان قرار گرفته اند ، امروز جوانه های این هنر شادی آفرین در قلب جوانان جان گرفته و بر تعداد هوا خواهان آن افزوده است .

ښاغلی غلام نبی و هاب مدیر لیسه مسلکی موزیک گفت :

تدریس (۵۸) پسر و پنج دختر صنوف هفتم و هشتم این لیسه در دو وقت یعنی قبل از ظهر و بعد از ظهر صورت می گیرد، که شاگردان از طرف قبل از ظهر مضا مین متداوله مکاتب معارف را از قبیل علوم دینی ، لسان، ریا ضیات ، سیانس و اجتما عیات فرا گرفته و بعد از ظهر از ساعت یك الی چهار عصر تدریس و تمرین آلات مسلکی موزیك را می آموزند .

میخواهم بپرسم که تدریس آلات موسیقی بکدام سیستم میباشد ؟

ښاغلی وهاب جواب داد :

تدریس آلات موزیك بقسم نظری وعملی تما ما به سیستم نوتیشن بین المللی صورت میگیرد .

لطفاً در بارهٔ استعداد شا گردان در آموختن موسیقی معلو مات دهید؟

استعداد هر شاگرد نظربه شعبه و آله مورد نظرش فرق میکند . اما در بضی مواقع معلوم شده میتواند در سال ۵۳ یك شاگرد صنف هفتم که در رشته موسیقی استعداد خارق العاده داشت جهت ادامهٔ تحصیلات موزیك به کشور بلغاریا در رشته گیتار اعزام گردید .

پرسیده میتوانم که شاگردان مکتب موزیك چه آلاتی را نواخته میتوانند ؟

آمر مکتب موزیك جواب گفت :

شاگردان لیسه مسلکی مو زیك نظر به ذوق و علاقه شان یکی ازآلات موزیك را بقسم آله اختصاصی انتخاب مینما ید. بعداز سپری شدن مدت سه سال یعنی وقتیکه شاگردبه صنف دهم ارتقا نمود میتواند که یکی از آلات موزیك افغانی را از قبیل رباب ، تنبور ، دهل دوسره، وتوله را که به سیستم نوت تهیه وترتیب شده باشد در پهلوی آله اختصاصی خویش یاد میگیرد .

وی افزود :

فعلاشاگردان لیسه مسلکی موزیك در شعبات پیانو، ویلن، گیتار ، ترومپیت ،ترو مبون، بارینون، کورنو وکلانت تدریس میشوند .

راجع به نواختن آلات حرف زدید اما نگفتید در هر رشته چند نفر دارید ؟

در جوابم میگوید :

درسال تعلیمی ۵٤ دو نفرشاگرد درشعبه پیانو، ۱٤ نفر شاگرد ذکور واناث در شعبه ویلن، هفت نفر شاگرد ذکور و اناث در شعبه گیتار، شش شاگرد درشعبه ترو مبون ، پنج دیگر در شعبه بارتیون، ۲ نفر درکورنر ، ۱٤ نفر در شعبه ترومپت ویکنفر در پیکلوفلوت و همچنان ۱۲ نفر شاگرد درشعبه کلانت شا مل دروس عملی میباشند .

سوال میکنم شرایط شمول در لیسه موزیك چطور است ؟

آقای و هاب اظهار میدارد .

شاگردانی که بحیث جدیدالشمول پذیرفته میشوند از کا میابان صنوف ششم مکاتب بوده که سن شان بین

بقیه در صفحه ۶۰



شاگردان در رشته های مختلف موسیقی مشغول فرا گرفتن دروس عملی هستند.

ترجمه : میرحسام الدین برومند

گزارش خبرنویسان از سراسر جهان

ربایندگان پیترلورنس بدام افتاد

– یکی از مستخدمین شهرداری شهر برلین که مصروف پاک کاری کثافات بیلر های کنار سرک بود از بیلر کثافاتی که کنار منزلی گذارده شده بود چشمش به اسناد و تعهد نامه های پاره پاره یی که در آن قول شرف داده شده بود افتاد، این مستخدم حساس که میدانست پولیس سخت در تلاش دستگیری ربایندگان (پیترلورنس) است کاغذ را به دستگاه پولیس تسلیم داد، فورا چهار مرد مسلح و ماشیندار وارد خانه که بیلر کنار در وازه اش گذارده شده بود شدند و سه مرد را بنام (رالف راینیدرز) (جولیان پلامبک) و (رینگفیت) که بترتیب ۲۷-۲۳ و ۳۱ سال داشتند دستگیر گردیدند وپس از تحقیقات مختصری بدین نتیجه رسیدند که رالف رانیدز و رینگفیت کلیداین معمای پولیسی اند که در (۲ جون) بهار امسال پیترلورنس سیاستمدار معروف (سی-دی- او) برلین را اختطاف کرده بودند .

گفته میشود که پولیس برلین قبلا لست اسمای کسانی را که درین قضیه مشکوک بنظر می آمدند ترتیب داده بود، درلست اشخاصی بنامهای ، فریتس تویفل، انگیلا، لوتار، اندراس فوگل و نوربرت اریش کرو لتر نیزشامل بودند ووقتی این اشخاصی که نام بردیم تحت تعقیب پولیس قرار آرفتند فرار کردند، به تعقیب آن پولیس شهر هامبورگ خبرداد که مردمجهولی الهویتی بمبی را درنزدیک خط آهن گورکرده بود که ازاثر انفجار آن یازده تن مجروح گردیدند .

– اعضای مقامات سیاسی برلین در قطار راه آهن بودند که فریتس از دستگیری فریتس تویفل مرد ۳۲ ساله وگابریل رولنیک ۲۵ ساله مجرمین دیگر این قضیه به ایشان خبرداد، این دومرد که باخود اسلحه حمل میکردند درواقع ازمتهمین سرسخت قضیهٔ پیترلورنس بشمارمی آیند . درطول همانروزدستگاه (تی) پولیس برلین دراثر فعالیت‌های پیگیرانه خویش بالاخره موفق به‌کشف (۱۸۱) مردیگر این گروپ تروریست ها که به کمک کمپیوتر هاوسایر اسباب تخنیکی جریان بیرون را به سایر اعضای باند درزیرزمینی ها و مخفیگاه ها مخابره میکردند شدند، ازبازداشت‌ها وتحقیقاتی که از مجرمین شروع شده معلوم میشود فریتس تویفل درین حادثه نقش اساسی وفعالانه دارد .

برتون وتایلور دریکی ازمسافرتهای‌شان

بازهم الیزابت تایلور و برتون اختلاف پیدا کردند

– الیزابت تایلور وریچاردبرتون که پس ازدوسال جدایی ومفارقت بار دیگر ازدواج کرده اند برتعهداتی که در ابتدای ازدواج مجددشان نموده بودند پایدار نماندند ، آنها پیمان بسته بودند که‌گذشته های تلخ رایک قلم ازیاد ببرند ولی اکنون برعکس عمل‌کردند بازهم اختلافات ، جاروجنجال ها ومشاجرات بخاطر هیچ. مبصرین هنری گذارش میدهند که برتون بازیاده روی وافراط در مشروب همیشه قیافه ووضع غیرعادی میداشته باشد، حالانکه تایلوراین توقع راازاو ندارد، بخاطر این حرکت برتون تا یلور اکثرا احساساتی وهیجانی شده ومجبور میشود روش خشنانه‌ای درپیش گرفته وبه برتون زشت وناسزا بگوید اوهمیشه فریاد میزند: برتون نمی خواهم همیشه گیلاس مشروب دردست داشته باشی، امابرتون مطمئنا دیگربه مشروب معتاد شده، بناء باغضب تمام بکس سفری اش را گرفته ودرحالیکه به تایلور میگوید : متاسفانه نمیتوانم مطابق این خواسته هایت عمل کنم خودش رابه اولین قطار ریل رسانیده وبسوی نامعلومی برود ، اما پس ازچندروز بازهم برمیگردد وبخاطر این کرده‌اش از تایلورعفو میخواهد . خبرنگاران مینویسندکه ممکنست عنقریب بازهم اختلافات ایندو منجربه جدایی شود .

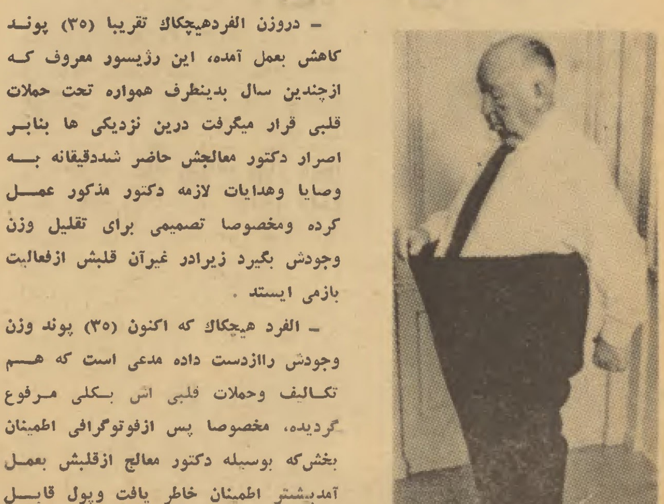
هنر پیشه یا زده سا له ایکه (۸۵۰۰۰۰) مارك راکمایی کرد:

(تاتول اونیال) هنرپیشه یازده ساله امریکایی بخاطر ایفای رول هایی‌که در فلم (پاپرمون) بوی سپرده شده بود از طرف فابریکه فلم سازی (۱۵۰۰۰۰) مارك دریافت کرد، همچنان باکارگردانی خود در فلم (بادنیفس بیارز) که جدیدا تولید گردیده دستمزد اوبه (۸۵۰۰۰۰) مارك بالارفت ، درین فلم مصارفی‌که بالای دیکور ولباس (اونیال) شده بود به (۴۵۰۰) مارك بالغ میگردید ، اکنون (اونیال) یازده ساله مصروف کارگردانی فلم (ثمره هایی ازهالیود) میباشد .

تاتول اونیال درفلم (ثمره هایی ازهالیود)

الفرد هچکاک از تکلیف قلبی رهایی یافت

– دروزن الفردهیچکاك تقریبا (۳۵) پوند کاهش بعمل آمده، این رژیسور معروف که ازچندین سال بدینطرف همواره تحت حملات قلبی قرار میگرفت درین نزدیکی ها بنابر اصرار دکتور معالجش حاضر شددقیقانه به وصایا وهدایات لازمه دکتور مذکور عمل کرده ومخصوصا تصمیمی برای تقلیل وزن وجودش بگیرد زیرادر غیرآن قلبش ازفعالیت بازمی ایستد .



– الفرد هیچکاك که اکنون (۳۵) پوند وزن وجودش راازدست داده مدعی است که هم تکالیف وحملات قلبی اش بکلی مرفوع گردیده، مخصوصا پس ازفوتوگرافی اطمینان بخش‌که بوسیله دکتور معالج ازقلبش بعمل آمدبیشتر اطمینان خاطر یافت وپول قابل توجهی پرداخت . هیچکاك اخیراباردیگر بدون تشویش ودل وابسی وباکدام تکلیف دیگر صحی به‌کار ها یش آغاز کرد . اماقبل از همه خواست سری بدوکان خیاط بزند .

الفردهیچکاك متوجه تقلیل وزن بدنش گردیده .

اوروفی طلائی

فستیوال افزوده شده میرود وهمه بی صبرانه منتظر افتتاح آن هستند .

تکت های فستیوال همه فروخته شده‌است. البوم مخصوص ازآغاز فستیوال ساحل طلائی از ده سال پیشتر به این طرف طبع ودر دسترس مردم قرار گرفته است . شهرازکلام واعلانات فستیوال غرق درزیبایی ونور است. ساحل آفتابی چنانچه ازنامش پیداست آفتابی وگرم است وهمه رادر آغوشش قبول کرده است .

* * *

امروز ۲جون است روز اخیر تمر ینات عمومی . همه بااحتیاط وهیجان زیادتری برای مسابقه بزرگ آخرین تارهای گلوی شان را آزمایش میکنند . یك سیاه پوست از هالیند ویك خانم زیباااز کوبادر تمرینات مقدماتی از همه برتری جسته اند .

خواننده مشهور ورباینده چندین مدال بین المللی بلغاریا اکتریس برا زندهٔ لیلی ایوانوا نیزدراین مسابقه سهم گرفته است . همه بلغاریایی هاچشم امید براو دارند تا لیلی بازهم جام اورفی طلائی را بیگانه نکند ودرخانه خود یعنی بلغاریا نگهدارد .

اماهمه ای مسابقه دهندگان به همین امید وارد ساحل آفتابی شده اند .

* * *

امروز۳جون است . خبررسیدکه خوانندگان مشهور بلغاریا امیل دیمپتروف ومی‌می‌ایوانوا که دروارسا پایتخت پولیند بودند بطور ناگهانی وارد ساحل طلائی شده وآمادگی وخبر اشتراك خودرا دراین مسا بقه اعلان کرده اند .

بهر صورت مسابقه دهندگان زیاد اما جام یکی است .

تلویزیون بلغاریا نیز امروز از صبح تا ٥ بعداز ظهر کمره های خودرا امتحان می کند. (تی.وی.بی) برای اولین بار همرای چهار کمره ویك بلوبوکس کانسرت رابه تماشاچیان پخش خواهد کرد .

انبوه عظیمی ازمردم درعقب تیاتر منتظر ورود هنرمندان اند تااولا آنهاراازنزدیك دیده وثانیا ازآنها امضا بطور یادگار بگیرند همه برچوکی های خود نشسته اند صالون غر ق درزیبایی وعطراست .

رئیس شورای عالی تلویز یون بلغاریا درست سرساعت ۸٫۳۰ شب وارد صحنه گردیده وبانطق مختصر خودفستیوال راافتتاح کرد .

حال کمی راجع به ما هیت این فستیوال میخواهم خدمت خوانندگان بعرض برسانم که درده سال اخیر بلغاریا به پیشرفت های چشم گیری نایل آمده است ، چه ازنقطه نظر تجارت واقتصاد. چه از آرت و هنر، باستانشناسی وچه در ساحه سپورت وکلتور، بناء میخواهند دیگران نیز ازاین موفقیت و حاصلات شان جویا شده ودیدن و استفاده مادی ومعنوی نمایند. روی همین منظور وزارت کلتور بلغاریا پلان های وسیعی در ساحه تبلیغات وشناساندن هنر خود گرفت وبا فرستادن ودایرکردن فستیوال های سینما ی بلغاریا درامریکا ، اروپا وآسیا وفرستادن و دعوت‌کردن تروپ های هنری، تیاتری واوپرا به همه جاوبرگذار کردن گالیری های رسامی دربعضی ازممالك اروپایی توجه همه را به‌خود وبه هنر خودجلب نمود، چنانچه اورفی طلائی یکی ازاین تشکیلات بزرگ وپرخرج است تاتوسط این فستیوال موسیقی اصیل، موسیقی فالکلورومدرن خودرابه دنیای دیگر وپهلو به پهلوی دنیای دیگر عرضه وبقبولانند .

برای اینکه ازمفکوره وبوجود آمدن اورفی طلائی خوب ترآشنا شویم شخصا با رئیس تشکیلات این فستیوال درتماس شدم. نیکولای پروکاپیف درجواب سوال‌که چرااین تشکیلات وروی چه منظوری به وجود آمده است گفت :

درابتدایعنی ده سال قبل هیات متشکل ازهنرمندان ، موسیقی دانان وکمپوزیتور ها گردهم جمع شدند تابرای شناساندن وپخش موسیقی اصیل بلغاریا دردنیای غرب و همسایگان راه حلی جستجو وسراغ نمایندکه البته‌این فستیوال حاصل زحمات وچاره سنجی آنهاست . این فستیوال روی چند منظوری دایر شده است :

١ـ رواج دادن موسیقی بلغاریایی دردنیای خارج .

٢ـ تماس وشناسایی هنرمندان بلغاریایی باهنرمندان شرق وغرب .

٣ـ مقایسه موسیقی بلغاریایی با دنیای دیگر .

٤ـ دوستی وحس همکاری مداوم با ملل مختلف .

٥ـ شناسایی باموسیقی ملل مختلف وطرز کار آنها .

وبالاخره دوستی باملل مختلف باالسنه و کرکتر های مختلف .

اواضافه کردکه : ما توانسته ایم این فستیوال خودرا همه ساله رونق خوبتربخشیم وامسال که ده سال ازعمر آن میگذرد، قراریکه مشاهده می کنید این فستیوال به صورت یکی ازبزرگترین فستیوال شناخته شدهٔ دنیا ویکی ازپردرآمد ترین منبع درآمد توریستی برای ماست .

پروکاپیف در جواب سوال دیگرم که پرسیدم: امیدوارم این فستیوال مانند بعضی ازفستیوال های دیگر نباشدکه در اخیرجایزه رایابه خود یابه یکی ازدوستان نزدیك خود می دهندگفت: هیات قضات متشکل است از نه مملکت مختلف وبلغاریا درآن فقط یك نماینده دارد ویك رای .

درشب اخیر فستیوال که باجشن باشکوهی پایان یافت توانستیم بابعضی از خوانندگان فستیوال صحبت های مختصری نمایم .

آنهادر جواب سوالم که اگرروزی از آنها دعوت شودکه به افغانستان بیایند چه‌جوابی خواهند گفت همه به خونسردی استقبال‌کردند وحتی خواننده مشهور فرانسوی (ری ماند) عکس خودرا با امضا برای مجله ژوندون فرستاده وگفت: افغانستان راز لابلای کتابها، فلمهای مستندودیدن فلم‌سوارکاران وخواندن کتاب (ژوزف کاسل) می شناسد ویکی از آرزوهایش آمدن به افغانستان ودیدن بزکشی است .

همچنان خوانندگان هالیندی (جیمی واکر) آیرلیندی (کارتیا) فندلیندی (ماری و نستر) پولیندی (یو لانته کوبیسکه) و انگلیسی (فرانك هالدر) عکسهای خودرا بغرض چاپ درمجله ژوندون به من تقدیم کردند .

اخیر مسابقه پرهیجان بود وهمه منتظر سرنوشت بودند تااینکه هسیات ژوری رو ی صحنه آمده ونتایج رااعلان کردند. جایزه‌سوم به خانم کیوبانی تعلق گرفت گر چه آنقدر خوشحال به نظرنمی آمد اما باآن هم باحرکات زیبای خود تعظیم بلند بالایی به تماشاچیان نمودکه باکف زدن های ممتدی بدرقه شد . اوپیراهن زیبای رنگارنگ در برداشت .

جایزه دوم راهمان پسر سیاه پو ست هالیندی ربود . اواز خوشی در پیرا هن نمی گنجید ودوشیزه‌ای راکه جایزه رابرایش آورده بودبه هوابالا کرد وغرق در بوسه ساخت .

برخلاف انتظار همه جایزه اول به یك پسر ازاتحاد شوروی تعلق گرفت ...

نوبت رسیدبه جایزه بزرگ یعنی اورفی طلایی همه به پابرخاستند وسکوت بر همه‌جا حکمفرما بود. من‌که درعقب سالون و نزدیك هنرمندان بودم ترس وامید رادر سیمای هر یك ازآنها مشاهده میکردم‌که ناگهان اسم (لیلی ایوانوا) که‌عکسش‌رادرصفحه اول‌مشاهده گردید سکوت جمعیت را شکست و نعرهٔ خوشی مردم ونام لیلی ... لیلی به آسمانها برخاست . لیلی که اشك شادی درچشمانش حلقه زده بود دوان دوان وارد صحنه گردیده وکامپوزیتور مشهور بلغاریا رادر بغل گرفت وبانگاه های باسپاسی ازاو تشکر کرده مدال زیبای اورفی طلائی را رقصان ودورزنان‌گرفته به همه نشان می داد .

نطاقان به همه تبریکات عرض کرده وشب همه را خوش خواستند چراغها آهسته آهسته خاموش می شدند همه سالون وصحنه را ترك کرده بودند ناگهان من بخود آمدم ودیدم در تاریکی گرفتار شده‌ام . شاید فکرمی کردم کاش ماهم چنین فستیوالی را میتوانستیم راه بیندازیم .



هنر در لابلای قرنها

بمنظور معر فی دوره های‌مختلف‌هنری سر ازهمین شماره صفحـــه‌جدیدی درمجله کشوده می شود، تـادرین راه خدمتی به ذوقمندان هنـر کرده باشیم .

کوشش عمده در نگارش ایـن ، مبحث اینست تادوره های مختلـف‌هنری باخصـو صیت ها واژه هـای آن‌به خوانند معر فی شود. البتـه عوامل‌مؤثر دیگریکه در ساختـــن‌وکرکتر بخشیدن یك دایره مد نیت‌دریك دوره معین تاریخی اهمیــــت‌دارند نیز شامل این بحث خوا هـد بـــود .

مطاالعه یك دوره تاریخی‌یا یـك‌مکتب هنری وقتی بیشتر دلچسـپ‌می‌گردد که‌موضوع بشکل مجردارائه‌نگردیده بلکه همرا با پدیده هـاه مرتبط آن‌چه‌مادی وچه معنوی‌باشنـد‌تحت تدقیق قرار گیرد . هنر یـك‌دوره معرف‌طرز تفکر وطرز دید ، وساختمان اجتماعی همان دوره است وخصوصیتهای آن زاده‌پدیده های، کیفی وکمی موجود دراجتماع مربو طه‌ی‌باشد .

ازینروست که برعلاوه مو ضو ع‌موردبحث یعنی هنر نقاشی ، مجسمه‌سازی ومهندسی در دوره هـــا ی‌مختلف تاریخ‌ضرورت بدان می‌افتد که‌بالای وضع اجتماعی ، سیاســی واقتصادی وطرز تفکر وعقا ید مذهبی‌جامعه موردِ نظر نیز بحثی بعمل‌آید

البته در تهیه این نگار شــــی‌ازمنابع معتبر وآثار محققین مختلـف‌استفاده گردیده تاموضوع به شکـل‌عملی ترو صادقانه تر برای خواننده ارائه گردد .

حامدنوید

هنر در دوره حجر و جوا مـع، اولـی

هنر پدیده ایست‌زاده‌خلافیت‌انسان وبرداشت ا و ازمحیط اطرافش ، این پدیده نه‌تنها یکی ازرو شهای‌جوامع امروزی است‌بلکه دردوره‌های‌مختلف تمدن های انسانی مو جود بوده و همگام‌باتاتغیر پدیده های مر تبط، خودنیز شکل داده است . حتی ، در جوامع قبل ازتاریخ یعنی در دوره‌ای لول سنگ تقریبا بیست هزار سال بیش از امروز هنر نقاشی ومجسمه سازی بین انسانها ی مغاره نشین، متداول بوده است .

هنر نقاشی و مجسمه ســـازی هنگام باضروریات دیگر انسا نی هنگامی زاده شد که بزرگتر یـــن مشکل انسان بدست آوردن غـــذا بود . یعنی هنگا میکه انسانها هنوز به‌تربیه حیوانات نپرداخته‌وبزراعت دسترسی پیدانکرده بودند . یگا نـه امید زندگی درین‌دوره‌شکارحیوانات وچیدن‌میوه‌های وحشی بود واگـــر شکار ی بدست‌نمی‌آوردند، مجبور بودند روزهارا بگرسنگی بگذرا نند وازشدت ضعف رهسپارمرك‌گردند . گرچه دستبرد باآشیانه پرنده گا ن ویاشکار حیوانآت کوچك و ماهیان تا اندازه می توانست جوابگو ی ، معضله غذایی باشد ، اما قیمت‌عمده تفکرات انسانی ایندوره متو جـــه شکار وآنهم شکار حیوانات بزرگ بود. شاید گوزن، آ هو و گاووحشی بزرگترین ودیعه طبیعت برای‌انسان های ایندوره بشمار میرفت‌و بعضا ترس از حیوانات درنده نیز آنها را مجبور به‌کشتن وازبین‌بردن ایـــن حیوانات می ساخت. به هر ترتیب انسان تاقبل التاریخ او لین‌قانو ن

طبیعت راخوب آمو خت بایدمجاد له کرد تازنده ماند واین خا صیت در هنر انسان‌اولیه باقدرت هر چــه تمامتر هویداست ،چه تما م‌نقا شی های مکتشفه ایندوره یك مــوزه، دارد وآنهم شکار حیوانا تی چو ن آهو ،گوزن وعموما گاو های و حشی است . ازینجا ست که ما مـــی، توانیم به‌یکی از اساسی ترین علـل پیدایش هنر بر بخوریم ، شرا یط محیطی مؤلد خلاقیت هنری است و هنرمند اولین برداشت خودرا ، از شرایط محیطی اش می کند.

همچنان احساس إفتخار و یــــا لذتیکه انسان اولیه از شکار این ، حیوانات‌برده ویا تر سیکه در هنگام شکار دامنگیر وی‌گردیده انگیزه‌قوی دیگر را برای‌ترسیم این نقا شیهـا تشکیل میدهد .پس می بینیم که‌بر علاوه‌ضرورت‌اساسی عنصر او لـی درنقاشی عنصر دیگر نیز بر آن‌علاوه می گردد وآن عبارت است ، ا ز خواسته های درونی و تصــو رات هنرمند که‌برحقیقت‌او لی افزوده مـی گردد .پدیده ایکه هنر مند بو جود، می آورد بریك رابطه‌دوجانبه‌استوار است، را بطه بین آنچه در اطـراف او قراردارد باآنچه در درو نشـی، انگیخته شده و آنچـه در مخیلــه، اوست .

خاصیت عمد ه‌ایکه درین نقاشی هابه‌چشم می خورد اخطلات إحساس های متفاوتی چون خشم، نفرت وحتی دلچسپی‌برین حیوانات میباشد که‌بر ریالیزم قوی نقاشی آن بکار رفتــه سا یه إفگنده است ،این ا نگیز ه، های متفاوت اساساتی را بـرا ی منظور، واحداث مختلف نقا شـــی حیوانات در دوره دوم سنگ تشکیل داد .

باساس نظریه اکثر محققین،انسان های اولیه کوشیده اند تـــا از تاثیرات جادو یی سحر انگیز ا ین نقاشی ها برای تسهیل‌در موردشکار این حیوانات استفاده کنند، چه‌گمان میرود که انسان او لیه فکرمی کرده است که نقاشی هاتاثیرات سحـر انگریزی داردوازآنان باید استفـاده کند این حاد ثه اولین ارتباط انسان ازنگاه هنر باماور الطبیعه است،در باره اینکه‌چگونه انسان او لیه‌متوجه این شد که به نقاشیهای خــو د تاثیرات جادوی بدهد .

ونظر یه مختلفی دریندورد مو جود می باشد . پرو فیسور ایچ ، دبلیو، جانسن استاد هنرهای‌زیبادر‌پوهنتون نیو یورك ونویسنده کتاب افسا نــه نقاشی عقیده دارد ، که انسان اولیه همین احساسی راکه درمقابل‌موجود زنده میداشته دربرابر تصویر آن‌نیز حفظ کرده است . واز نگاه روا نــی هنوز قادربه تفکیك احساس خـود، درینمورد خاص نبود ه است .

برقرار نظریه پروفیسور جانسن تفکیك کار ساده نیست و حتی ، در جوامع امروزی نیز حوادثی نظیر آن بچشم می خورد بطور مثا ل بسیار واقع‌شده درموضوعات‌عشقی احساـ ساتی ،که از روی‌نفرت‌ویاحسا دت پسرویادختر جوانی تصویر کسی‌راکه دیگر دوست ندارد پاره‌کند ،بسوزاند ویابدور بی افگندش . در حالیکـه بخوبی‌برایش واضح‌است که ایـن کاراوصدمه به صاحب تصو یر نمی زنداما ازین کار خود لذت میبردو حساس آرامش می کند شاید همین نکیزه انسا ن او لیه را وا میداشته است تاباچو ب بــــه جا ن تصویر های که خود از حیوانـات اطرافشان کشیده بود ممدبیا فتدو از اینکار خود احساس آرا مش‌کنند ویایك لذ ت مو قتی برد البتـــه این‌عمل‌باعث‌طرز د ید دیگر در مورد این نقاشیها شد که‌پایه های‌گرایش انسان رابسو ی جادو گری‌واستفاده ازقدرت سحر انگیز نقاشی هـــارا تشکیل میدهد . شاید حاد ثه‌کوچکی باعث تقویه این طرز دید گر دیـده، باشد بدین معنی که شاید بعد از درآویختن باتصویر تصاد فا همانروز شکار حیوان به آسانی میسرگردیده باشد ویا اینکه یکی از شکار چیا ن ازکدام خطر مرگ حتمی نجات‌یافته باشد و بدین ترتیب عقیده خلـق گردیده که تصویر ها خاصیـــت، جادویی دارند.

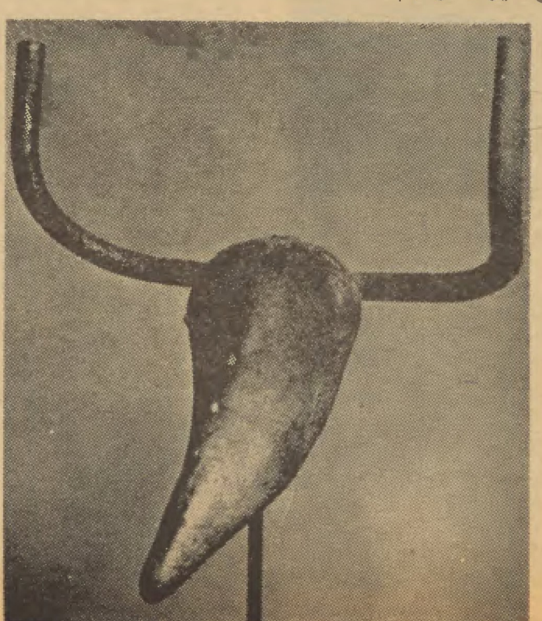


نقاشی مغاره : در حدود۲۰۰۰۰سال پیش از میلاد مسیح کــه در «لسکو درا دون» فرانسه کشـــف‌گردیده است . این نقاشی گله گاوها واسپ های وحشی را بایك تعداد گوزن ها در پس منظر نشان میدهد. اشکال بدون کدام انتظامی بـــالای‌همدیگر قرار یافته اند بر علاوه یك تغییر فاحش در تنا سبات یك حیوان‌نظر به حیوان دیگر دیده میشود . بزرگترین حیوان ترسیم شده بــه‌اندازه یك حیوان حقیقی است .

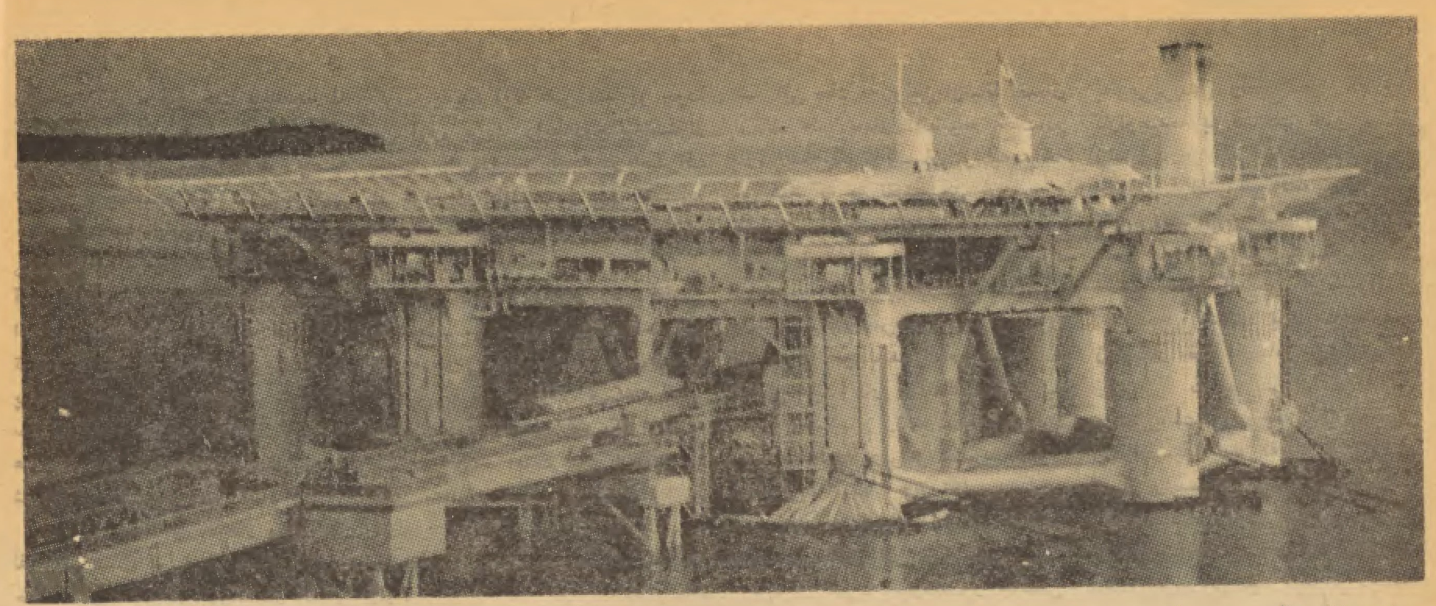


گاویکه پشتش را می لیسد:این اثر از قصبه «لامادلین» نزدیـك «الی‌ایزیس» دررن فرانسه بدست‌آمده که قدامت آن از ۱۵۰۰۰- الی ۱۰۰۰۰ سال قبل ا زمیلاد مسیــح‌تخمین گردیده ودر موزیم ملـــی باستانی سنت ژرمن (فرا نســـه)محفوظ است این اثر که از شـاخ حکاکی شده و طول آن به چار انچ‌میرسد شاید توسط چاقو ویاتیـغ تراش شده باشد و بیانگر وقــت هنرمندما قبل تاریخ‌دربیکر ترا شی است.





سر نر گاو : اثر پابلو پیکا سو۱۹۳۸:
پابلو پیکا سو نقاش مبتکر عصرماشین بعد از وقت د رنقاشی هـای ماقبل التاریخ و نقاشی های جوامع‌بدری میلانی پیدا کرد تا از هنــر «بر میتیف» الهام گیرد واین اثر رااز هندل و زین بایسکل در ســال ۱۹۳۸ بوجود آورد .



این بنای عظیم بحری اکوا پولیز نام داشته که‌در ساحه (۴۰) کیلـو متردریکی ازابحار جا پان بامخارج بیش از یك ملیارد د، لر بو سیلـه کیلو تاکی اعمار گردیده

زندگی انسان در دل اقیانوس ها وزیر ابحار

بشر متمدن امروز در صدد اعمار شهر های زیر آب است

ابتدا برای بشر تسخیر ماه‌وسایر کرات‌سماوی مشکل شـده سرانجام بشر بافراست خـار ق‌العاده خویش‌توانست فضا راتحـت تسخیر خود بیاورد ،اکنون بشـردرصدد آنست تاشهر های زیـرآب آبادکند وهمه وسایل و ضرو ریات‌خودرا تماما ازمیان آب تهیه نما ید اینکه بشر تاچه حد به این اقـدام‌خود موفق خوا هد شد مربو طبه زمان آینده‌است .

ـ«تاناکا» مرد جاپانی ثرو تمنـد بالاخره خوا بها واندیشه هـ ا ی دوران کودکی اش‌را بحقیقت‌پیوند داد .اکنون تاناکا روز های تعطیلش زابا فامیلش یکجادر خانه هـا ی شیشه یی بز رگی که درسطح بحر درجاپان درست‌نموده میگذ راند ، این خانه درروی سطح بحر بـا وسایلی که در مقابل‌آب‌برای قرن‌ها مقاومت خواهد داشت طوری سـاخته شده‌که‌کشتی های مخصو صـ و اتو ماتیك‌اشخاص رایکه را سـت در«گاراج» آنجاراهنما یی میکند و همه وسایل خوراك وسایرضروریات مورد ضرورت روز مره ازبین بحر بوسیله کشتی مذکور تهیه‌وندار ك میشود .

ـدرساختن خانهٔ سالون ایـن بنای زیر آب(۳۵۰) تن شیشه بکار رفته وتقریبا (۴۰)کلیو متر مربـع بزرگی داشته ودارای پنجر ه‌های متعددی میباشد، سا ختمان پنجـره هاطوری تنظیم گردیده که چشـم انداز آن‌موجود ات قشنگ بحر ی ورفت وآمد های قایقرا نان ودریا نوردان است که‌با شنده زیر آ ب هرگز احساسی دلتنگی و خستگـی نمیکند.

ـدرگر داگرد این بناغوا صا ن ودریانور دان عبور مینما یندبداخل شیشه خانه ها اشاره‌مید هنـد ، ماهیان ،نهنگ هاودالفین های بحر ازمستقر شدن انسانها در بحـر سخت درشگر فـوحیر ت بوده و زندگی خودرا در خطر می یا بند. بنظر «تاناکا» ثرو تمند جا پا نی و مالك این‌قصربحری این امکان د ر انسانهاموجود است که برای‌ادامـه حیات وامرار معشیت زندگا نـی خودخانه های تحت البحری ساخته وآنجا را اسکان همیشکی خود قرار دهندولی‌چون اعمار چنین بنا عـا مخارج هنگفتی را ایجاب مینما یـد فلهذا کمترانسانی میتواند در فکر زندگی دربحرباشد.

ـسیمبو ل آکسپو (۷۵) شهـر اوکیناوا «اکوا پولیز» بوده که طرح ودیزاین‌آن توسط «کیکو تا کـی» معمار مبتکر وسر شناسی جاپا نی صورت گر فته است ، کیکو تا کی مؤجد این بنای‌بحری مرد مصمم و رؤ یایی است واز بیست سلا بـود که اودرصدد طرح این نقشه‌برآمده درطرح نقشهٔ شهر بز رگی در زیر آب‌برای زندگی دوملیون انسـا ن. کیکو تاکی درجواب‌یك سوال روز نامه نگاران جهانی گفت :این بنادر جاپان در چنان یك مو قعیت بحری انتخاب‌گردیده که دوررونوا حی آن بحر های بیشمار وبزرگی دیگر نیز قراردارد طبعاوقتی بنای عظیمی د ر سطح بحر ساخته میشود آب‌آ ن وفور نموده‌و به ارتفا عات چندین متر درروی زمین جریان پیدا میکند



حیوانات بحری به ذرایع مختلف رام میشوند



اتاق سالون «اکواپولیز» اتاقیست مجهز با مدرنترین مو بل و فر نیچر که مخصوص سالو نهای بحـــری ساخته ساخته شده

ووقتی تعداد این‌بناء ها زیاد شو د آب ابحار بتدریج بلند آمده بحرها را بهم‌پیو ند میدهد وبشر آنو قت پس ازالحاق‌ابحارکه بدون شـك چنین روزی فرا رسید نی اسـت برای تهیه وسایل زندگی خود از طیاره‌ها وکشتی های بز رگ‌بحـ ی استفاده خواهد کرد .

ـباساس نقشه کیکو تا کـی معمار جاپانی فارم های بحر ی ، کلینیك ها،شفا خانه ها وغیره‌جز بنای اکواپولیز بوده وبه اسا سس پلان مطرو حه بایست همه خودرا که هااز بحر تهیه شود.

ـ«اکوا پو لیز»اوکیناوا امـروز منحیث یك نمو نهٔبر جسته‌مو قعیتی را دربحربرای انسان تعیین‌کر د ه ولی اگرنقشه کیکو تاکی تعقیـب گردد تاپنجاه سال دیگر بشر مـی تواندبرا ی‌بقای حیاتش بســو ی ابحارنیز روی بیاورد .

ـجزیرهٔ اوکیناوا در طول قرو ن شاهدماجرا هایی بس عظیمی بوده ابتدا آنجایك جزیرهٔ بز رگی بود که همواره میدان جنگهای خو نین قرار داده میشد،این‌جزیره راامریکا یی‌ها بالاخره بجاپانی ها تسلیم داد نـد اماامروز در مقا بل این جزیـر ه اولین مهدتمدن بحری‌بوسیله انسان هااساس گذاشته میشود واو لین بنا ی‌بحری بنام اکسپو (۷۵)افتتاح میشودکه با مخارج بیش یك‌میلیارد دالر بناشده است .

ـفاصلهٔ اوکیناوا تا تو کیو دو ساعت را دربر میگیرد ،چهل متراز ساحل اوکیناوا به‌باغ‌بزر گی تبدیل گردیده که خیلی ها شا عرانـه ومطلوب بنظر می آید ،سطح‌با غ همه از سنگهای مر جان هموارشده این نوع‌باآبشار های بلندی مجهـز گردیده است وگلها ونبا تات‌ساحل بحرارزش بنا یی اکوا پو لیزرا دوچندان‌ساخته است.

جاپا نی ها میگو یندا‌کوا پو لیز رامنحیث مر کز وهسته قبول مـی نمائیم زیرا تعدادکثرت نفو ســس بشر رو به تزا ید است و عا قبت روزی بشر باماهم عقیده وهـــم مفکوره خواهد شدتا خارج‌از بر ج های دیگری راسراغ نمایند آنوقت ناگزیر بسوی بحر روی خوا هـــد آورد تا هم‌زندگیش تا مین شو د وهم‌وسایل خوراك‌وپوشاکش‌را ا ز بحر تهیه‌کرده‌باشد .پس چرا ا ز همین‌حالابحر رابکارنبندیم زیـر ا طبیعت بزودی با انسا ن خومیگیرد ودرانسان نفوذمیکند برای نمـــلا درنزدیکی این بنا چندین حو ضـس ها ی‌بزرگ ساخته شده وغواصان در هرکجایی از بحر وقتی‌به‌خرچنگ ها ،صدف ها وسا یر مو جو دات بحری میرسند.

آنهارا بانظر داشت نو عیت آندر حوض های مخصوص جمع‌می‌کنندتا بعدادر مورد طرزاستفاده از آن هـا تصا میمی اتخاذنمایند چنا نچـه تااکنون دریکی ازین حوض هـای جدیدهزار ماهی مختلف راجمع‌کرده اند. دربعضی از حوضها حیو انات کاملاعجیبی که دارای پنجه هــا و شاخه‌های متعدد میباشند آورده‌اند



شاخه‌های نباتات وحیـوا نات بحری وسیع است مو جو داتی‌چون ستاره های بحری ،هزار پا هـا ی برقی‌ودالفین هابیشتر تو جه بشر رابسوی بحر معطوف داشته.طبیعت فطرتا بزودی باانسان دو ست می شود مخصو صاابحارکه منابع سـر شاری برای تغذیه دارند .بشر از فضا یك کیلو غذا هم یافته نـه توانست‌بهمین مقیاس در مهتا ب وسایر سیارات‌باور نمیشو د کـه مواد اولیه انسان آنجا پیدا شو د.

پس‌چرانسان غافل مانده‌وابحار را که(۷۰) فیصد سطح‌زمین‌را احتـوا میکند در تحت تسخیر وسلطه خود نیاورد وانکشافش ندهد ، در د ل اقیانوس هاچرا الیش ممکـــن



چشم اندز باشندگان بنای‌بحری‌موجودات کاملا عجیب وتماشا یـی بحری است.



ترجمه هبا

از لابلای دوسیه‌های جنایی تاریخ

قبل از آغاز انقلاب فرانسه.قانون جزایی آنجا بایك روحیهٔ افراط و قساوت . درمحل تنفیذ و تطبیق قرار داده میشد . واین طرز اجرای قانونی در زمینه حقوق جزایی‌ناشی ازان بود که فکر میکردند هراندازه که مجازات در قساوت و تختی، اجرا گردد ،بهمان اندازه در تکرار جرایم تاثیر وارد نموده ساحهٔ ارتکابات جرمی را محدود میسازد و یاجرم را ا زمیان می برد .

زیرا وقتی مردم اینگونه مجازات را در مورد یکی مشاهده کنند دیگر جرئت نخواهند کرد تا به ارتکاب جرم مبادرت ورزند ، چه ایشان میدانند که در آنصورت عین جزا در مورد آنها تطبیق خواهد گردید.

در حقیقت قانون جزا دران‌روزگار د رمیان ایشان دو هدف عمده ومهم را مورد نظر قرار میداد: نخست آنکه بانفاذ مجازات بالای مجرم اورا به کیفر و جزای عملش میرساند و دوم اینکه با اجرای اینکار رعب وهراسی در دیگران می افگند تا با ملاحظهٔ نحوهٔ جزا ا زارتکاب جرم جداً خود داری و اجتناب نمایند و طبعاً و قتی این ما مول بر آورده‌شود دیگر اعمال و ارتکاب جرمی از میان اجتماع رخت خواهد بست .

یکی از فلاسفهٔ فرانسه بنام «منتجی» ازین طرز تفکر چنین تعبیر مینماید : « آنچه عدالت از ورای اجرای مجازات د رنظر میگیرد ، عبارت از هشدار وبر حذر داشتن دیگران از ارتکاب جرم است .

پس قانون با اجرای جزابرشخص مجرم ، تنها اورا در نظر نمیگیرد بلکه هدف عمده و مهم آن، عبار ت از اصلاح دیگران ازطریق ارائه جزا های پر مشقت و طاقت فر سا میباشد . »

روی همین طرز تفکر و به اساس این نحوهٔ پندار ، جزا ها بطور اغلب جزای بدنی و جسمی بوده وبا قساوت و حشت باری . جاری میگردید و جزای اعدام مرگ نیز به شکل فجیعانه و با عذاب های گوناگون عملی میشد .

از مشهور ترین مجازات بد نی و جسمی که باساس حقوق جزایی پیش از انقلاب فرانسه معمول ومورد تطبیق بود عبارت است (از قطع کردن زبان باکارد، بریدن سر ازتن بریدن بند دست ، سوراخ کرد ن زبان با آهن داغ وسوزنده ،نواختن زیاد با قمچین و شلاق، در آتش انداختن وامثال اینها) .

درقرن هجده متفکرین و فلاسفه، چون این وضع را ضد حیثیت وارزش انسانی یافتند بایك قیام فکری، این نوع شیوهٔ اسبتدادی را مورد انتقاد قرار دادند وسیا ست جزایی قابل تطبیق وقت را طرف تهاجم گرفتند و مطالبه نمودند تا مبادی انسانیت در قانون جزایی‌آنها گنجانیده شده و بدین ترتیب، نظام قضایی موجوده رااصلاح نمایند ونیز مطالبه کردند تا جزا های بدنی و جسمی و همه انواع عذاب وشکنجه، ملغی قرار داده شود .

این قیام فکری دانشمدان، اثر مهمی بجا گذاشت تا آنجا که‌حرکتی بزرگ ووسیع انسانی در تاریخ قانون جزایی آن وقت فرانسه‌بدنبال ایشان عرض وجود کرد و خواهان آن‌شد تاتغییری جذری واساسی در اوضاع قضایی ونا گواری های‌ناشی از طرز اجراآت قضایی، به و جود آورده شود و مبادی انسانیت در سراسر حکم های قانونی جاگزین گردد و« ولتر» شخصیت بزرگ علمی فرانسه ازان جمله کسانی بشمار میرود که از وضع مو جودهٔ اجراآت قضایی آن وقت سخت انتقاد میکرد و عدم رضائیت خویش را اظهار میداشت .

چند سطر بعد قضیه‌ای را ازنظر میگذرنیم که خودشاهد خوبی ست ازین نوع اجراآت جزایی در روزگار قبل ز انقلاب فرانسه که در اثر این قضیه فیلسوف‌بزرگ فرانسه«ولتر» بعنوان مبارزه برضد مفاسد قانونی وبرضد فقدان عدالت در قانون‌جزایی قیام همه جانبه ووسیعی نمود ووقوع این قضیه یکی از عوامل بزرگی بود که پیشا هنگان انقلاب فرانسه را بعد ها ودار ساخت تا به الغای قسمت زیادی از نظام های جزایی‌آن وقت ، مبادرت ورزند و قانون‌دیگری بنام قانون جزا در سال ۱۷۹۱ به منصهٔ اجرا قرار بدهند ، قانونیکه مبادی انسانیت در سراسر آن بطور بارز بمشا هده میرسید .

این قانون جزا بحیث قانون ضد طغیان و خود خواهی های حکام‌عرض وجود نمود وروش های تعذیب‌وفشار وجزا های دایمی و مستمر را ملغی وانمود کرد و حریت فرد واحترام به ارزش های انسانی را در آن مؤکد ساخت .

ماجرا :

حوادث این ماجرا در شهر «سان اومیر» واقع در شمال فرانسه جنوبی در تابستان سال ۱۷۷۰ ر خ داده است .

د ریکی از منازل قسمت بالای دور ترین نقاط شهر خانواده‌ای بنام خانوادهٔ « مونیابی» زیست داشت، این خانواده مرکب بود از مادری٦٤ ساله و پسری ۳۸ ساله و عروس جوان ویك طفل کوچکش. این فامیل از محصول دستگاه دخا نیاتی که از مادر فا میل بوده ودر دست پسر ش اداره میشد ، بخوبی امرار معیشت میکرد واز مدرك واردات آن زندگی آرامی داشت که حتی بسیاری از اشیا و چیز های کار آمد ر ابه قسم پس انداز و ذخیره نگهداری مینمود.

- در عین زمان مادر جبین گرفته و خویی خشن و درشتی داشت وبر- خلاف پسرش و سایر اعضای فامیل از جبین گشاده وخلق خوش وحسن معاشرت، بر خور دار بوده همه مردم اورا محبوب و دوست میداشتند و خانم پسر نیز که در خانواده‌شریف تربیت شده بود از همه مزایای انسانیت واخلاق نیکو بهره مند بود و او نیز با شو هرش دران دستگاه مصروف کار میگردید .

رفته رفته مادر از وضع زندگی پسرش با خانم خود نا راضی‌گردید وسخن بجایی رسید که مادرپیوسته میخواست آنها منزل وی را ترك گویند ودیگر با او زندگی نداشته باشند واین مادر با مشروبات الکلی وقت خود را خوش میگذرانید وچون زیاد مشروب صرف میکرد ، اکثر اوقاتش با اعصاب نا آرام ووضع غیر عادی بسر میرفت ، ازینرو هر نوع فحش و ناسزا و سخنان توهین آمیز برپسر و خانمش نثار میکرد .

دوام این وضع محیط خانه را در نظر خانم پسر ش چو ن دو زخی ساخته بود او دیگر از ادامهٔ و ضع زندگی راضی‌ن بود وبالاخره روزی به قصد خانهٔ پدرش منزل را ترك گفت و تصمیم گرفت که دیگر باز نگردد اما شو هرش در اثر اصرار وتقا ضا های مکرر خویش دو باره خانمش را بخانه آورد ولی مادرش از بازگشت عروسش نا راحت‌گردید ورفتار خویش را سخت تر وشدیدتر از گذشته در برابر ایشان آغاز کرد .

درین وقت ، دیگر مادر باندازه‌ای با مشروبات الکلی سرگرم است که تمام او قاتش در حالات غیر عادی بسر میرفت ، در یکی از روز ها به پسرش اخطار کرد که اگر در ظرف چند ساعت منزل وخانهٔ اورا برای دایم با خانمش ترك نگوید موضوع را بمراجع قانونی و به محاکم را جع خواهد ساخت ، هنوز که ساعا ت معین بسر نرسیده بود پسر هنگام شب وارد اطاق مادرش میشود،ولی خلاف عادت مادرش را دریك حالت

طبیعی و عادی می یابد، با او می خندد و با لطف و مهربانی حرف میزند وچندی بعد که خانم پسرش نیز وارد میشود باوی هم باقیافه کاملا جدید و چهرهٔ خندان وگیرا پیش می آید ودر پایان صحبت اورا تنها میگذارند تا بخواب رود وخود شان نیز باطاق خویش‌بر میگردند.

فردای آن شب باز وضع غیر عادی بظهور میرسد زیرا مادر بر خلاف همیشه دروازه اطاقش هنوز بسته وسرو صدایی و جود ندارد پسرش دروازه را می گشاید و به صحنهٔ عجیبی مقابل میشود ، زیرا می بیند مادرش بگوشه ای افتاده و جرا حت عمیقی در رخسار چپش بر داشته وآماس نیز در ناحیهٔ سرش نمایان است وبحدی خون در رو ی خانه پاشمان است که جای برای پا ماندن باقی نیست .

خانم پسر نیز وارد صحنه گردید ودر دنیای حیرت ودهشت فرورفت، بهر طرف صدا زدند مردم محل گرد آمدند و ضمنا دکتوری حاضر گردید وتحقیق نمود ودر نتیجه ثابت شدکه اوزندگی را پدرود گفته است، و لی پسر پیوسته اصرار داشت در مورد مرگ وی تحقیق بیشتر صورت‌گیرد وبالاخره در پایان نظر دکتورباثبات رسید که مرگ او در اثر سکتهٔ قلبی صورت گرفته است و چون در اثر سکته بزمین سقوط کرده بی اختیار سرش بر صندوق اصابت کرده و جراحت و آماس بر داشته است .

بدین ترتیب مردم همه منزل را ترك گفتند ورفتند . .. و اما پسرآن زن با خانمش در مورد چگونگی واقعه صحبت کردند و تبصره‌نمودند ودر نهایت باین فکر رسیدند که در اثر خوردن مشروب زیاد او حالت عادی خود را از دست داده و این واقعه صورت گرفته است ، او را دفن کردند و چندی گذشت که این موضوع بر سر زبان ها جا گرفت وتبصره هایی مختلف در باره بعمل آمد و حتی برخی سبب مرگ اورا پسرش و همسر او وانمود کردند ، زیرا مادرش اورا مجبور ساخته بود خانهٔ اورا ترك بگوید و پسر بمنظور بدست آوردن میراث و دارایی زیاد دست باین عمل زده است .

رفته رفته این آوازه به محیط محکمه و مراجع قانونی رسید و مسؤلین امور محاکم هرچه زودتراین زن وشوهر را جلب وباز داشت کردند .

تحقیق آغاز یافت و عدهٔ از اطبا نیز حاضر ساخته شدند تا در بارهٔ علت مرگ و چگونگی قضیه روشنی بیندازند .

طبق نظریهٔ اطبا، جسد مرده از قبر بیرون آورده شد و تحت تحقیق ایشان قرار گرفت در نتیجه آثاری از صدمه در بازوی آن بمشاهده رسید ومقداری خون بسته نیز در زیر جلد روی او کشف گردید و همچنان برخی از جراحات در قسمت های دیگر بدن د رنظر ایشان آمد ، از آنرو نظریهٔ اطبا باین قرار گرفت که حتما در وقوع این حادثه از آ لات جارحه از قبیل کارد وغیره‌کارگرفته شده است .

این اطبا علاوه کردند که این اندازه جراحت و صدمه برای مرگ آن زن کافی نیست وحتما خونریزی زیادی بوقوع پیوسته وسبب هلاك وی گردیده است واز طرف دیگر از بارز ترین دلایلی که دست داشتن این پسر و همسرش را درین واقعه قتل باثبات میرساند ، اخطاری‌است که مادرش قبل از مرگ به ایشان داده بود تا بزودی خانهٔ اورا ترك بگویند ودیگر باوی زندگی نداشته باشند .

این زن ومرد، بدفاع ازخویش آغاز کردند و گفتند که در هیچ وقت ودر هیچ‌حالتی وحتی درمواقعی هم که او با خشونت و مخالفت با ایشان پیش آمد داشت، کدام رفتار نا مناسبی در برابرش نداشته اند و همواره از احترام و بزرگداشت آنها برخور دار بوده، پس چه دلیلی در میان خواهد بود که ایشان باین‌اقدام دست میزدند ، درحالیکه درین‌اواخر او از روش قبلی اش در برابر آنها صرف نظر کرده واز درسازش و خوشبینی پیش می آمد ؟

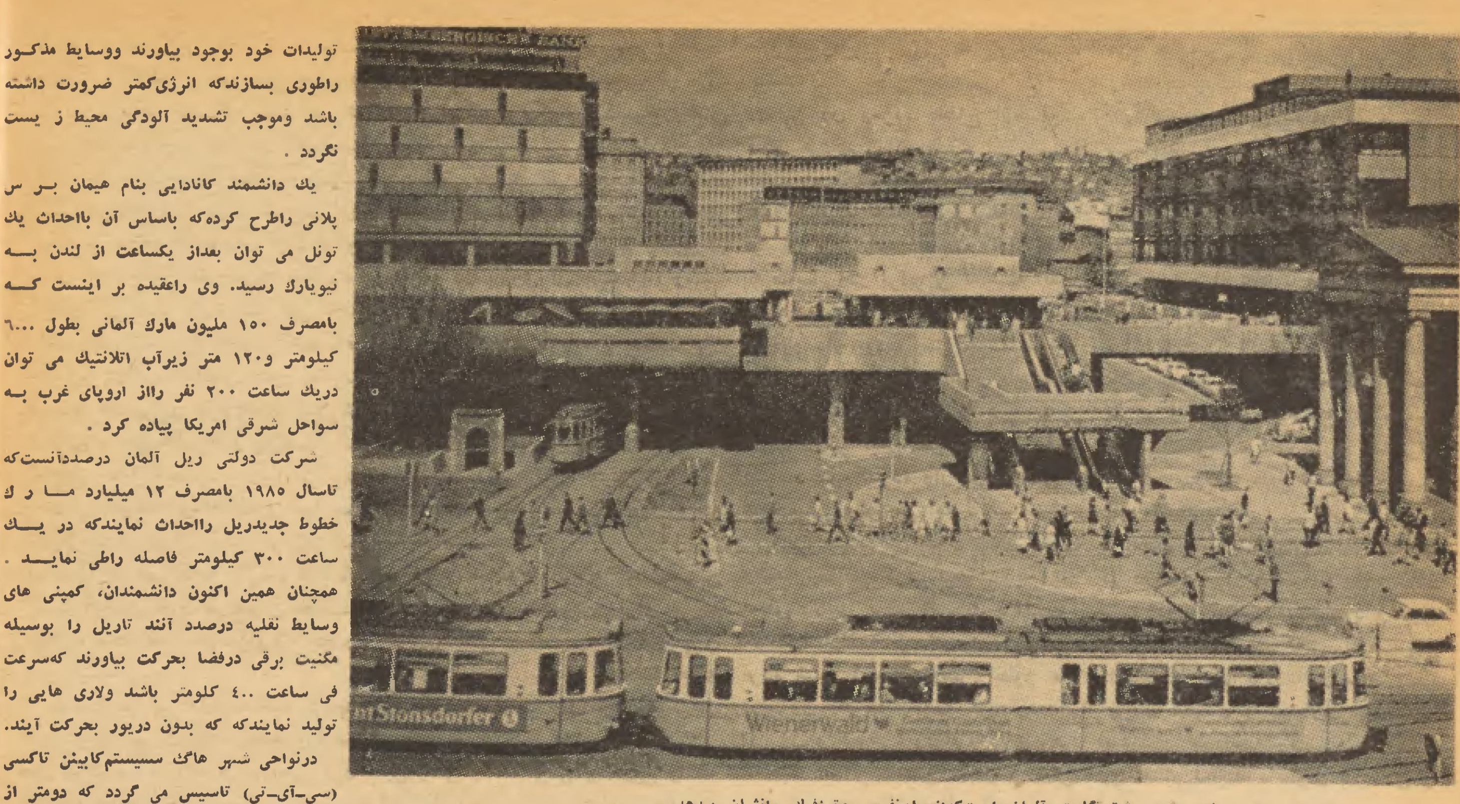
زن و همسرش بدون اندك تفاوت وضد ونقیض گویی بیك سویه ویك منطق دلایلی برای اثبات برائت خویش، ارائه کردند ودر عین‌زمان مردم شهر (سان اومیر) بطور عام دربیرون محوطهٔ محکمه خواهان‌اعدام این زن و شوهر بودند واین شوهر که قبلا د راثر داشتن اخلاق و روش نیك خود در میان اهالی آنجا محبوبیت کا مل داشت و همه در هر موقع او را گرامی میداشتند، اکنون هیچ یك ا زایشان طرفدار وی نبوده وهمه بصورت دشمن مشترك اعدام اورا در جزای این عملش مطالبه مینمایند .

محکمه این اندازه راکافی ندید وخواست تا موضوع در حدودوسیعی مورد تحقیق وبر رسی قرار داده‌شود ازآنرو فیصله شد تا قضیه در خلال یکسال بررسی‌شده وآن‌زن‌وشوهرش دران مدت در زندان بمانند . لیکن نائب عمومی با این نظرمحکمه قناعت نکرده وخواست موضوع به محکمهٔ استیناف رجعت داده شود. بنا بران این دو متهم به محل استیناف نقل داده شدند .

محکمهٔ استیناف‌پس ازنظر اندازی در دوسیه قرار محکمهٔ ابتدائیه رادر مورد دوام تحقیق فسخ‌نمود ودلایل موجود را در اتهام قاتل کا فی دانست و حکم کرد تا در مورد پسر آن زن نخست به سوالات عادی و استثنایی پرداخته وسپس به اعدام وی اقدام نمایند ، سوال عادی و استثنایی عبارت از آن نوع تحقیقی بود که آمیخته با جبر و عذاب های

بقیه درصفحه ٤٥



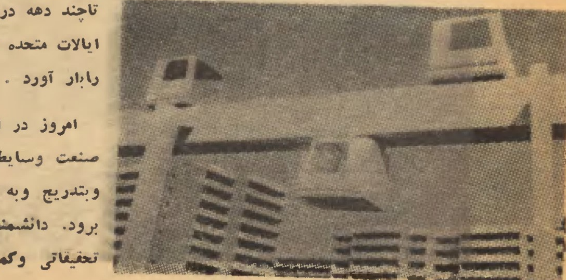


این شهر شتوتگارت آلمان است که ازدیاد نفوس وترافیک رانشان میدهد

حبیب الله حبیب فرهمند

آینده انقلاب وسایط مواصلاتی

شهر، همواره قلب تپنده جوامع انسانی، قطب فعالیت های مادی ومعنوی ونمودارسطح تمدن یك ملت بوده است . انقلاب صنعتی قرن ۱۹ نخستین انقلاب شهری رابوجود آورد وشهرهابطور سریع وناگهانی، صاحب نفوسی روزافزون شدند ودامنه وسایل ارتباطی اش نیزگسترش یافت . انقلاب صنعتی والکتریکی بمرورزمان مراکز صنعتی را بادل مناطق مواد اولیه وصل نمود وآهسته آهسته تولیدوسایل مواصلاتی ووسایط نقلیه رول بس ارزندهٔ را دراقتصاد دول صنعتی، تشکیل نمود. امروز



سیستم کابین تاکسی «کات»

شاهرگ اقتصاد دول صنعتی را اقتصادتولید وسایط نقلیه دربر گرفته است . تعدادکثیری راجذب نموده، وکارگاه های صنایع اولیه‌چون فولادسازی، المونیوم سازی، مس، آهن، رابر مواد پلاستیکی وسایر قطعات مربوط به آن، به‌صنعت وسایط نقلیه بسته است . امروز ثابت شده است که کوچکترین لغزش یا سکتگی در سکتور صنایع وسایط نقلیه، اقتصادملی دول صنعتی به بیماری مد هشی مبتلا می‌گردد. درسال ۱۹۵۸ بنا بر عدم قوه خرید مردم دربرابر موتر صنعت موتر سازی تاچند دهه دراطراف واکناف وچه در خارج ایالات متحده امریکا بحران شدید رکودصنعتی رابار آورد .

امروز در اروپا وامریکا سعی می‌گرددتا صنعت وسایط نقلیه ازنظرماهیت وتکامل وبتدریج وبه آرامی روبه پیشروی وتوسعه برود. دانشمندان، تخنیك کاران ، موسسات تحقیقاتی وکمپنی های وسایط نقلیه تلاش دارند تاهرچه زودتر تغییرات اساسی را در تولیدات خود بوجود بیاورند ووسایط مذکور راطوری بسازندکه انرژی‌کمتر ضرورت داشته باشد وموجب تشدید آلودگی محیط ز یست نگردد .

یك دانشمند کانادایی بنام هیمان بر س پلانی راطرح کرده‌که باساس آن بااحداث یك تونل می توان بعداز یکساعت از لندن به نیویارك رسید. وی راعقیده بر اینست که بامصرف ۱۵۰ ملیون مارك آلمانی بطول ۶۰۰۰ کیلومتر و۱۲۰ متر زیرآب اتلانتیك می توان دریك ساعت ۲۰۰ نفر راازاروپای غرب به سواحل شرقی امریکا پیاده کرد .

شرکت دولتی ریل آلمان درصددآنست‌که تاسال ۱۹۸۵ بامصرف ۱۲ میلیارد مارك خطوط جدیدریل رااحداث نمایندکه در یك ساعت ۳۰۰ کیلومتر فاصله راطی نماید . همچنان همین اکنون دانشمندان، کمپنی های وسایط نقلیه درصدد آنند تاریل را بوسیله مگنیت برقی درفضا بحرکت بیاورند که‌سرعت فی ساعت ۴۰۰ کلومتر باشد ولاری هایی را تولید نمایندکه که بدون دریور بحرکت آیند.

درنواحی شهر هاگ سیستم‌کابینن تاکسی (سی-آی-تی) تاسیس می گردد که دومتر از زمین بلند بوده وبوسیله کمپیوتر کلیه‌اجراآت آن تنظیم می یابد. این سیستم جدید نقلیه توسط اهل فن کنسرن دیماگ وکمپنی طیاره



موترهائیکه باکمپیوتربسته ورهبری میگردد



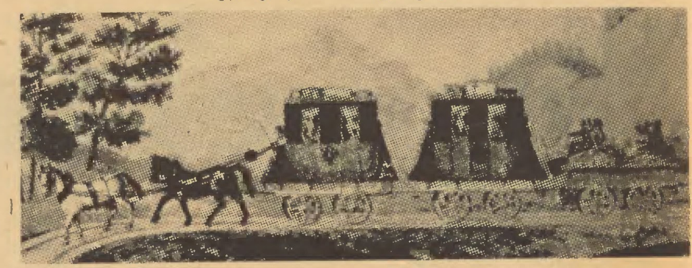
وسیله مواصلاتی در جنگ‌اول جهانی درشهر برلین



درسال ۱۸۳۳ موتری‌که بقوهٔ بخارحرکت‌کرد با ٤٤ نفر ازلندن به بیرمنگم باسرعت ٦ر٥ کیلومتر دریك ساعت به‌حرکت‌پرداخت



پوستکارت قرن ۱۹ که وسیله نقلیه‌وعنعنات آن وقت رانشان میدهد



دراطریش اولین خط آهن توسط اسپ کش میگردید.

آزمایش برای ساختمان طیارات آینده‌باسرعت ٦٥٠٠ کیلو متر دریك ساعت.

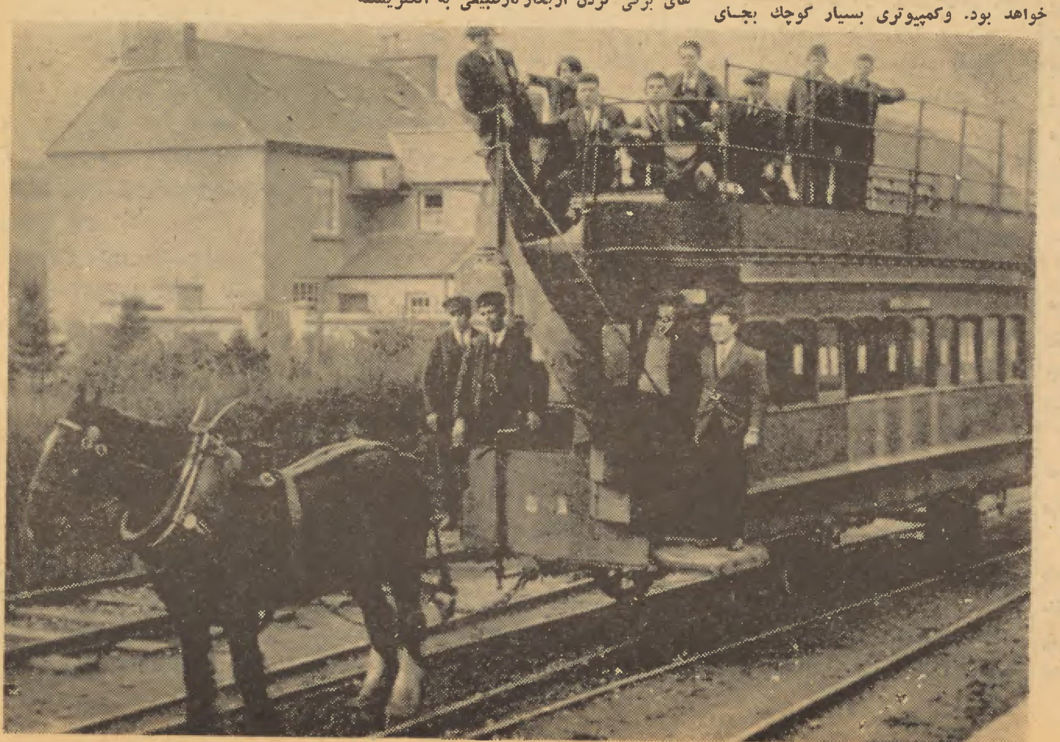
سازی ام بی‌بی کمك می گردد. در جامعهٔ صنعتی غرب بنابر موجودیت نظام پیچیدهٔ رفت وآمد، ازوسایط نقلیه زیرزمینی نیز استفاده می‌گردد که مصارف زیاد ووقت‌کافی برای ساختمان آن ضرورت است . امروز بیشتر توجه به سیستم (زیمی میترو) که‌یك قسمت روی زمین وبعدا زیرزمین را احتوا می‌کند، گردیده است . امروز در زمرهٔ صنعت ریل، ریل های سریع السیر نیز در حرکت اند که بکمترین وقت اشخاص وامتعه راانتقال داده می توانند .

گفته میشودکه درسال ۲۰۲۵ عیسوی میدان هوایی پاریس شاهد طیارات غول‌پیکری‌خواهد بودکه سرعت پرواز آن شش مرتبه بیشتراز طیارات امروزی می باشد . دانشمندان راعقیده برآنست‌که سرعت طیارات مذکور در یک ساعت ٦٥٠٠ کیلومتر خواهد بود و٣٥٠ مسافر راازپاریس بعداز سه ساعت به لاس انجلس پیاده می کند .

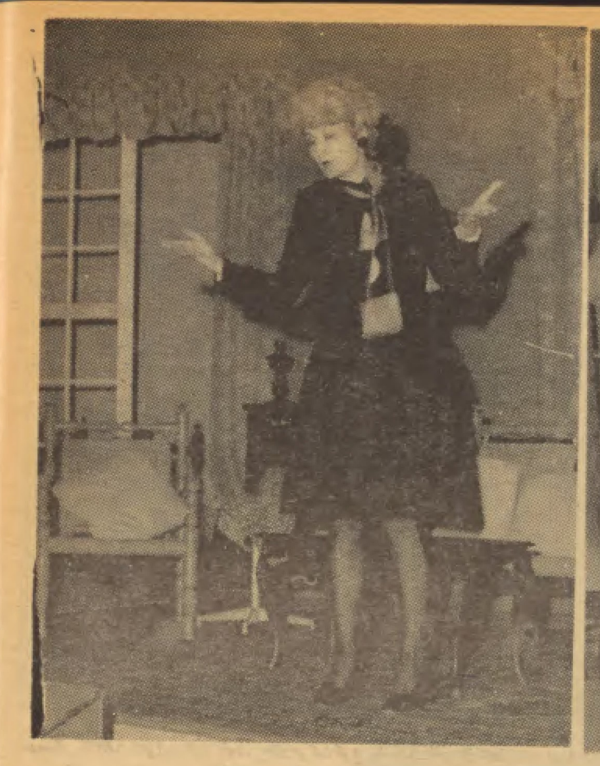
در٢٥ سال آینده، شکل و ماهیت موتر امروزی بکلی دگرگون خواهد گردید وکمپیوتر (ماشین متفکر) عمل تفکر رابوسیله پلانی انجام خواهد داد .

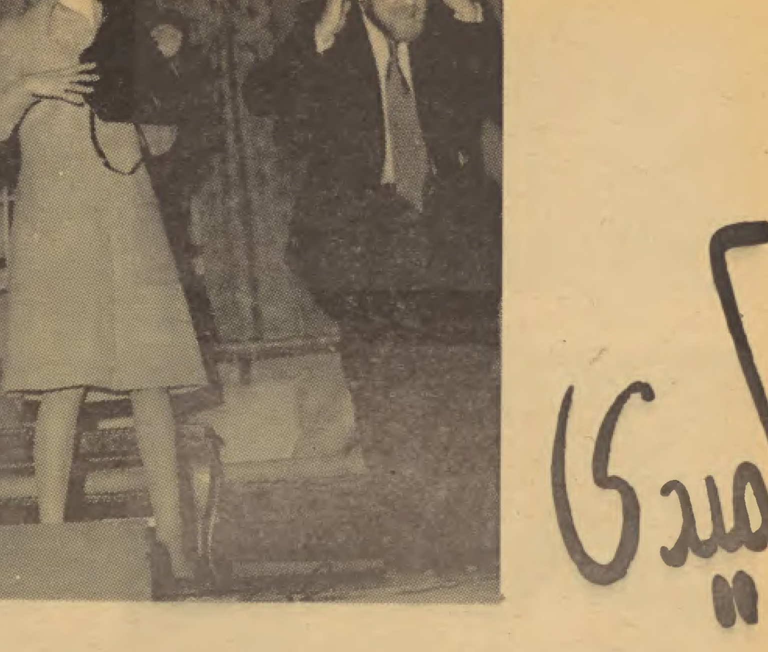
سازمان فضایی امریکا(ناسا) درراه ساختن آدم خودکاری سعی داردکه بوسیله اشعهٔ‌لیزر ودودوربین تلویزیونی ازقوه باصره برخوردار خواهد بود. وکمپیوتری بسیار کوچك بجای مغزآن کار خواهد کرد. آزمایشگاه نیروی جت وانستیتوت تکنالوژی کالیفورنیا در ین راه تلاش دارند تادرآینده کاوش سیارهٔ دور دستی چون مریخ رابه آن سپرد .

اگرچه کارها وامور آزمایشی درتمام زمینه های برقی کردن ازبخارگازطبیعی به الکتریسته تاکنون صددرصد پیاده نشده ، اماتحقیقات مطالعات جریان دارد ومی توان گفت که‌درسال ۲۰۰۰ انقلاب عظیمی درسکتور وسایط نقلیه درجهان پدیدار خواهد گشت وسیستم کنونی ترافیك درجهان دگرگون خواهد گردید .

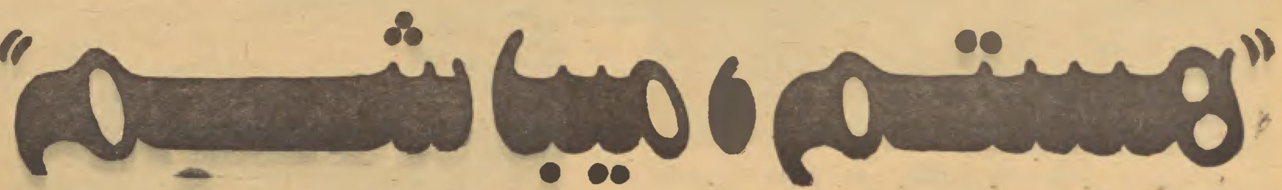


ده‌ها سال پس ازاختراع خط آهن«۱۸۰۷» بازهم درپهلوی لوکوموتیف از اسپ نیزاستفاده بعمل می آمد.





کمیدی



"هستم، میباشم"

کمیدی (هستم، میباشم) ا ثر نمایشنامه نویسان مشهور فرانسه، ر، ونسی وژ، والمی ازطرف مرکز کلتوری فرانسه در کابل رو ی ستیژ ادیتوریم لیسه عالی استقلال بمعرض نمایش قرار گرفت .

این نمایش‌که درسه پرده تهیه‌شده، برای سه شب ازطرف لیسه استقلال نمایش داده شد .

این کمیدی درحدود بیست سال قبل در شهر پاریس به رشته تحریر درآمده ودرین اواخر درتلویزیون فرانسه نمایش داده شده، که موردتوجه وعلاقمندی یکعده زیاد از هنر دوستان واقع گردیده است .

یك منبع مرکزکلتوری فرانسه ضمن اظهار مطالب فوق به نامه نگار ژوندون گفت : این نمایش به سلسله نمایشاتی است که ازطرف این اداره ترتیب وروی ستیژ آمده .

چندی قبل دودرام یکی (توپاز) و دیگری (طبیب اجباری) به همکاری متعلمین ومعلمین لیسه استقلال وهمکاران مرکزکلتوری فرانسه نمایش داده شدکه توجه زیاد علاقمندان را جلب نمود .

درین کمیدی که به زبان فرانسوی است هشت تن از معلمین وهمکاران مرکز کلتوری فرانسه نقش هایی به عهده دارند وتمرین ومشق آنان تقریبا دوماه رادربر گرفته است.

منبع افزود: ماحداکثر میکوشیم تانمایشات دلچسپ ومفید رابرگزار نماییم تاهمه‌علاقمندان اعم ازمتعلمین ومعلمین‌لیسه استقلال، معلمین مرکز کلتوری فرانسه ، فرانسویان مقیم افغانستان وهمه افغانانی‌که به زبان فرانسوی بلدیت دارند، ازآن استفاده برند وماتاجاییکه سروی نموده ایم. همه دوستداران هنر با علاقمندی خاصی نمایشات ماراتعقیب و مارا تشویق مینمایند .

موضوع نمایش درقصری درجنوب فرانسه میگذرد . درآنجا منتظر شخصیت برازندهٔ چون کاردینال دوترامون هستندکه وی جهت توقف مختصری به آنجامییاید. (کاردینال ها مربوط به طبقه روحانیون بودندکه‌بعدازپاپ بلندترین مقام درروحانیت می‌باشد.کاردینال‌هامشاورین ووزرای پاپ هستند. آنهاازتاریخ ۱۱۷۹ که پاپ اینوسانت سوم راانتخاب نمودند، تا امروزتمام پاپ هاراانتخاب مینمایند. کاردینال اول ازبین اسقف هاانتخاب میشوند ، بعدا توسط پاپ هابه وظیفه کار دینالی تعیین میگردند. درسال ۱۹۷۳ تعداد کار دینال ها درفرانسه به ۱٤٥ نفر میرسید. کاردینال دوترامون که درنمایشنامه (هستم ، میباشم) عرض وجود مینماید، شخصیت برجسته و برازنده ایست‌که همه به به اواحترام خاصی دارند واز سخنانش سر پیچی نمیکنند .

لباس کار دینال رایك قبای سرخ بایك کلاه سرخ نسبتا کوچك که در تالاق سر جا داده میشود تشکیل میدهد .

همین کلاه سرخ کاردینالی است که‌کنتس آرزوی بدست آوردن آنرا برای خواهر زاده خود، برادر هوبرت، درنظر دارد .)

همین ماجرا هاست‌که نمایشنامه رادلچسپ ترساخته وبیننده رامنتظر واقعه بعدییکه به وقوق می پیوندد میسازد .

کنتس خانمی است نسبتا خشن وباانضباط درقصر مجللی زندگی دارد وهمیشه به‌نوکران خود اوامر ضد ونقیض صادر میکند. نوکرانش درتردد میمانند که چه‌کنند وکدام کار رابابد اولتر انجام دهند .

کنتس سه نوکرداردکه یکی آن ژیزیل‌کنیز خاص وی میباشد. خواهر زاده کنتس هوبرت دل درگرو عشق ژیزیل می بندد، امااز‌ترس نمیتواند موضوع رابه کنتس حالی کند .

هوبرت خانمی نیز داشته‌که درهمان اوایل عروسی یعنی ده سال قبل از قصرفرارمیکند واینان برای حفظ آبرو میگویند که خانم هوبرت برای علاج مریضی‌که عاید حالش شده در سویس میباشد .

روزی خانمی وارد قصر شده وراسا در اتاقیکه هوبرت اقامت دارد داخل میشود و خودرا(انتوانت مرسیه) صاحب یکی‌ازرستوران های بزرگ شهر پاریس معرفی می کند . اتفاقا اسم خانم هوبرت نیزانتوانت مرسیه است .

انتوانت میگویدکه میخواهدبایکی ازهمکاران رستوران خود عروسی کند. زمانیکه برای تهیه مقدمات عرسی به‌بلدیه مراجعه میکند ، به اومیگویند که قبلاعروسی کرده است و شوهرش شخصی بنام هوبرت است و آدرس هوبرت رادر اختیارش میگذارند. وحالا آمده است تااز موضوع پی ببرد . ضمنا اظهار میدارد که مدتهاقبل تذکره خودراگم کرده است .

دراینجاست که هوبرت می فهمد، زنی که همراه اوبنام انتوانت مرسیه ازدواج کرده بود انتوانت تقلبی بوده وانتوانت اصلی این خانم میباشدکه اوازتذکره این خانم استفاده نموده است .

حالاباید اول هوبرت طلاق انتوانت اصلی که اصلا زنش نبوده بدهد تابعد بتواند اوبا مرد دلخواه خود عروسی کند .

نمایشنامه دراین حصه خیلی جالب‌میشود وتماشاچیان درحالیکه ازخنده به خودمیپیچند منتظرصحنه‌بعدی هستند. قیافه (کلودبلانشی) یکی ازهمکاران مرکز کلتوری درنقش هوبرت تماشایی است .

بقیه‌در صفحه ٤٥



کنفرانس ماسکو

به مناسبت سال بین المللی زن

شرایط عادلانه زیست و کار

نوشته: راحله راسخ

سیر درنگ ناپزیر و پویان‌پیشرفت وترقی ، در عرصه های مختلفه زندگی اجتماعات بشری دارای چنان ممیزات ومشخصا تیست که با همه خاص بودن و مشخص بودنش‌ازنگاه شرایط زندگانی اجتماعی کشور های دور ونزدیك ، تائیرات بین المللی را با خویش دارد ، مطلب اینکه درجهان کنونی یك سلسله مطالب مورد غور وبررسی قرار میگیرد ومو ضو عات دیگری‌درپهنای زیست‌انسانی مطرح میشود که در باره تصمیم و اقدامات بین المللی می تواند اثر بخش باشد وپس، ازجمله اهم‌مسایل جنك و صلح ، روابط بین المللی، مبارزه‌علیه استعمار و استثمار، تبعیض نژادی ومساله انر ژی در ین سال ها در سر لوحه فعالیت‌های قرار گرفته‌که فقط فعالیتهای بین المللی‌گره گشای مشکلات به حساب می آید که در ردیف همه پروبلم ها، ایجاد شرایط عادلانه (زیست وکار) برای زنان با مردان نیز شامل می باشد .

مسئله زن، از جمله مسایل مبرم ومهم بین المللی بشمار می آید که هیچ یك از کشور های جهان و موسسات ملی و بین المللی نمی توانند برین مسئله نه اندیشند.

به همین ارتباط ، پیوست با مبارزهٔ عادلانه زنان در راه تساوی حقوق حقهٔ ایشان در طول تاریخ ، صدای آزادی خواهی و عدالت‌پسندی زن‌در عقب سنگر های نبرد و پیکار، چنان جهانیان راتکان داده‌که همه با اعتراف از حق تلفی در مورد زن، سال ۱۹۷۵ را بنام زنان جهان تجلیل می‌نمایند ودرین باره‌کنفرانس ها وپرو گرام هایی ترتیب نموده و می‌نمایند وسعی وتلاشها پیگیر برای آنست تا زنان ا ززنجیر های حسارت نجات یابند و به حیث عضو متساوی الحقوق جا معه با مردان زندگی کنند از جمله کنفرانسهای عمده‌بین‌المللی که‌درشهر‌های‌مکسیکو بر لین، واشنگتن، بلغاریا و غیره دایر گردیده یکی هم کنفرانس‌منعقده ماسکو است‌که بشمو ل نما ینده جمهوریت افغانستان (۱۱۲) کشور در تر تیب وتنظیم این کنفرا نس بین‌المللی شرکت ورزیده بود نند نمایندگان (۱۱۲) کشور مشتمل بودند از قاره های آسیا، ارو پا ، امریکا، افریقا و نمایند گان ۲۲ سازمان منطقوی و بین المللی .

این کنفرانس با پیام بناغلی بریژنیف رهبر حزبی اتحاد شوروی و بیانیه اولین زن فضا نورد جهان میرمن‌تراشکوا ازتاریخ ۱۳ تا ۱۷ اکتوبر مطابق ۲۱الی ۲۵ میزان ادامه یافت.

در چهره بیانیه ها و خطابه های نمایندگان زنان پرابلم های محیطی وبین‌المللی زنان طر ح شده که فشرده آن در اعلامیه نشر شده در ختم کنفرانس برجسته‌گردیده‌وتوجه مبارزان نهضت زن را بخود جلب نموده است .

آنچه در قدم اول جلب توجه مینماید همبستگی بین المللی زنا ن و دختران است تا با پیوند های‌جهانی برمشکلا ت فایق آیند وروابط ملی وبین المللی‌زنان استحکام هر چه بیشتر یابد .

نقش زنان در ایجاد شرایط زیست با همی و پایداری صلح‌گیتی و تخفیف تشنج یا (دیتانت) از موضوعات مهم دیگری بود که همه نمایندگان بنوبه خو یش درین باره سخن گفتند .

درساحه انکشاف ساینس و تکنالوژی واهمیت نقش زن‌درین‌باره با ارائه احصائیه ها وارقام ثابت گردیده ، که زن درین ساحه نیز از مرد کمی ندارد ، تعلیم وتربیت ،فر هنگ مادی و معنو ی فقطو فقط با همکار ی و تسا و ی حقوق زن ومرد ودر جوا مع عا ری ازتبعیض وخرافا ت رشد می نماید درین باره در کنفرانس صحبت مفصل صو رت گر فته د لایل منطقی ارائه گردید، خلا صه اینکه درین‌کنفرانس روی همه مسا یل باوسعت نظر ودید وسیع نظر اندازی شده وتباد ل افکارصورت گرفت که‌به یقین نتایج سو د مندی ببار خواهد آورد .

آنچه‌بیشتر قابل دقت می با شد اینست که کشور های مختلفه جهان درین مبارزه ضمن پرا بلم های بین المللی باپرابلم هایی ملی نیز مواجه اند که برای همه کشور ها،ره های حل‌واقدا مات متفا وت رامی رساند.

گرچه در کشور های متر قی‌و عاری از تنا قضا ت و تفاو ت های اجتماعی، حقوق و امتیازا ت ز ن تامین گردیده مگر در اکثر کشور های جهان سو م این پرابلم تا هنوز و جود دارد که امید در رفع ظلم وبیعدالتی بر زنا ن، ازاندوخته هاوتجارت زنان پیشرو و آگاه - جوامع متر قی حد اکثر استفاده برده‌شود، زیراآنها درراه طی شده

بقیه در صفحه ۴۷

پنځمه برخه **دالف، الف ژباړه**

ځوچه‌خس تول کړو

چه ځنګه کلیوال وروسته ترډی چه مجبور کړی شول چه‌له کلی څخه ووځی نود رمله خواته‌یی مخ کړه.خو وروسته یالو ته‌را وګرځول شول،خو کله‌چه هغوی یالو ته نژدی رسیدلی وویوه عالیرتبه منصبدار ورته وویل چاره نشته، ستاسو کلی محکوم شویدی».

عمواس هم څه‌بنه چانس نه درلود، لکه چه طالع محمد کاظم‌ویلی دی«دسهار په‌څلورنیمو بجو،اسرا- ییلی یونټونه کلی ته راغلل اسرا- ییلی فوځیان کورو ته ننوتل اوخلك یی‌یو په‌بل پسی اړایستل چه‌دخوب له‌کالیو سره دکلی مرکز ته ولاړشی اوهغوی چه‌خپل کورونه پریښودل په‌تیره بیاسپین ږیری‌او سپین‌سری اووروسته پاتی خلك، بی له ځنډه چارماری شول.

بیت نوبه دریم کلی وچه دمحکومو- شویو کلیو په کتار کی راغی او په همدی توګه وران اونشت شو. دغه واقعیتونه او ډیرنور دغو سرګذ- شتو ته‌ورته پیښی دښاغلی‌هایکوك له‌خوا چه دملګرو ملتو دکاراومرستو داداری یو انګریزی نایب رییس دی تایید شویدی.

هغه پخپلو مشاهداتو او کتنوکی لیکی، «وروسته تر جنګی عملیاتو یالو،قلقیلیه، عمواس،بیت‌نوبه،بیت اوا، بیت مرثیه، یاپه بشپړه توګه اویاد هغوی ځینی بر خـــی وران اونشت شوی. هغه بیت‌اوا، اوبیت- مرثیه پخپله لیدلی چه په بشپړه توګه ددنامیت په وسیله وران شول دغه‌دوه ستر کلی نه‌وو ددری سوه کورنیو په دودو کی‌یی په‌همدغه‌کلی کی ژوند کاوه. نوموړی قلقیلیه هم لیدلی دی چه پوستر کلی‌واو دولسس زره‌تنه پکی اوسیدل.پدی کلی‌کی‌کم له‌کمه شپیتو اواویا کورونو ته ور- ځیرمه وران شوی و.دیو شمیر کلی خلك یی‌لیدلی چه‌د خپلو کلو اوکو- رونو څخه آواره اوشړل شویدی.

دغه خلك مجبور ووچه بی‌لدی چه پوه‌شی چیری ځی، وخو ځینړی او خپل کلی او کورونه پریږدی.

ښاغلی هایکوك خبر ورکوی چه‌په موند اسکو پوس کی دملګرو ملتو دکار ددفتر مرکزی اداری‌هم دجګړی په‌اوږدو کی تاوانی شوی‌او بیاوروسته داسرا ییلی فوځ له‌خوا ونیولی شوی. دملګرو ملتو دبیرغ با وجود چه‌دمانی‌دپاسه رپیده،مامورین‌مجبور ووچه دخپل کار کوټی پریږدی او دتخنیکی ښوونځی ټولګیو ته شاتګ وکړی. ددغی اداری مامورینو دخپلو اعتراضاتو سره سره ونشوه کولی چه‌تر یوی نیمی میاشتی لاپه زیا ته موده کښی په مونت اسکو پوس کی خپل دفترونه بیرته ونیسی.په همدی مو دی کی دغــــه ادا ری لــو ټ شو ی . ښـــا غلـــی هایکوك تاکید کوی چه‌د ودانی ټول ..یمتی سامان ،دټایپ له ماشینوڅخه ..یولی تر کوچ او چو کیو اوهـــن‌د بریښنا تر کرو پونو لوټ شوی او ..غلا شوی‌وو. اسرائیلی فو ځیا نـو ..عه‌شیان‌په خپلو لاری مو ټرو نـو ..ی‌وړی‌ؤ.هایکوك پخپله هغه لا ری ..یدلی وی چه غلا شوی سا مان پـو ..وټ کړی‌وو او چلاوه یی او کله‌چ ..مامورین بیرته خپلو دفترو نو تـه راغلل سر بیره په ښا غلی‌هایکوك ښا غلی سا یح وا یی چه اسرا- ..یلیان لیدلی‌و چه‌پاتی مالونه چه ل ..نسل قلمونو څخه عبارت و، غـلا ..وی. هغوی پولیسو ته خبر ورکـ.. ..وچه غله ونیسی او پو لیسویوازی ..بری بی اهیته سا مان له‌غلو څخـه ..اخیستلی شو.

...«څو ورځی‌وروسته‌داور شلیم ..نیولو اسراییلیانویوه ودانی چه‌.. ..ونیم هکتار ځمکه باندی ودانه‌وه.. ..ولدو زرو په‌وسیله ورانه کړه‌اودغ.. ..ودانی په داسی سیمه کښی، وشوچه ..یره زیاته انسانی ګڼه ګوڼه پکښی ..وه.دهغی سیمی دخلکو شمیـر چه ..ورانه شوه له پنځه سوو څخه تردوه زرو تنو پوری‌وو هغوی مجبور وو چه‌خپله سیمه پریږدی اولالهانده‌او ..واره شی او هغه کلی ته‌ولاړ شی، چه‌داور شلیم په‌بل اړخ هیـــ..ن ..عبودی» کی پروت دی.

ښاغلی هایکوك وایی ... هغـوی (دسیمی اوسیدو نکی) نه یواځـــی ..وه ګړی وخت ورکړی شوی‌وو چه خپل کورونه پریږدی نو پدی اساس هغوی ته‌بیخی ناممکنه وه‌چه دخپـل کور سامان او لوښی له ځانه سره یوسی.

....اسرا ئیلی فوځیان په بیلو بیلو پلمو سره اوپدی بلمه چه‌وسله لټوی‌دتفتیش‌دعملیاتو لپاره‌نومو ړی سیمی (لویدیځ‌ساحل کمپو نو ته) ولاړل هغوی د«جریش» کمپ چـــه پنځه شپیته زره آواره ګان پکی‌وو بیخی تش کړ. دجریش په کمپ کی هغه بمباری چه ددی کمپ په شاو- خوا سیمو کی وشوه ،دجـریشـــ هستو ګن یی‌تر دری ورځو پوری‌په ویره او وحشت کی سا تلی وو.

دایوازی هغه څو نمونی وی چ.. اسرا ییلی یر غلګرو له خوا تـــر سره شوی دی خو ورانی او یر غل لاتر اوسه په عربی سیمو کی دوام لری. دجز ییانو مفصله څیړ نـه‌د بمباری شوو سیمو ،په‌بو لدو زرو دورانو شوو کلیو په عکله دو مره ژرامکان نه‌لری. خود «صلحول‌قبیلی السموغ، عبسان ،بیت‌فجار، بیت- حانون ،اونورو عربی سیمو ورا نـی په‌نابلوس،بیت‌اللحم‌الخلیل، ابریحه جنین او غزه‌کی دعربی سیموورانی کولی شی چه‌ډیــری وران کاری ثابتی کړی اودا عملیه تر اوســه پوری دوام لری او عربی سیمی‌ورځ په‌ورځ په‌ورانی اونړولو محکومی‌دی پدی هکله سړی کولی شی یادونه وکړی چه‌د ۱۹۶۹ کال دجو لای تر لسمی نیټی پوری اوه زره یوسل‌او څلویښت دهستو ګنی کورونه چه‌په عربانو پوری یی اړه درلوده ورا ن شوی‌وو خو سره لدی هم ورا نی‌او نشت کول په‌شخصی‌یاعمومی دنیوی تاسیساتو پوری منحصروو سپیڅلی اومقد س ځایونه که‌په مسلما نا نو پوری‌یی اړه درلوده که په عیسویانو پوری په‌وحشت پارو نکی توګه وران شویدی که څه هم‌چه دژنیو مقا وله لیك بی له‌هیڅ ابهام څخه دمذ هبی مراسمو دترسره کولو آزادی تضمین کوی خو لدی واقعیت سره ســره دغسی مقد س ځایونه چه‌د لر غونی معماری ډیر ارزښتنا که آثار دی‌اوپه ټوله نړی کی ساری نلــری وران شویدی .دغه سیمی اصلا دژنیو د مقاوله لیك په خلاف چه‌ددغو ودانیو لپاره باید تضمین وی، ورا نـــی شویدی اود اسرائیلی فو ځیانو او یرغلګرو یو نتو توله خوایی څـــه خیال ندی ساتل شوی اود مذ هبی ساتل شوی اود مذ هبی مراسمـو آزادی هم له خلکو څخه سلب شوی ده.

ښاغلی نعمة السمعان چه‌د عمان دکا تولیکی کلیسا اسقف‌و په‌خـ‌نو کتنو کی چه‌لیږل شوی هیات ته یی کیسه کړیده ویلی‌دی چه مذ هبـی ځایونو په‌تیره بیاد«سنت آن» کلیسا ته‌سخت تاوان پیښ شـوی دی. (پدی لړ کی هغه‌څه‌چه‌ډیر اهمیت‌لری هغه داقصی دجو مات سو زول دی چه‌د صهیو نیستانو له خوا په‌ډیره

بی‌رحمی اوقساوت سره وشود اقصی جو مات دمسلما نانو لومړی کعبه بلل کیږی) دسنت‌آن‌دکلیسا لرغو نوالی دصلیبی جګړووخت ته رسیږی اودا دفلسطین یوه لرغونی ودانی وه‌ښاغلی نعمت‌السمعان‌وا یی خوورځی وروسته تر جګړی چه اسرا ییلیانو وغوښتل خپل ټانکونه دلرغونی ښار منځ ته‌بو ځی ،یوه سیمه په‌بشپړ توګه بمباری شوه‌او پدی توګه کلیساته‌پریمانه تا وا ن ورسید دغه کلیسا دبیا سمو نه‌او جوړښت وړ نده»..

ښاغلی عبدالحمید السا یح دد اردن‌دمذهبی‌چارو اواوقافو وزیر وایی چه:وروسته تراشغاله، دعمر جومات پردروازه باندی ډزی وشوی داډزی دتوپ ډزی‌وی، اوداجو ما ت په‌بشپړه توګه وران‌شو. دغه دروازه په‌خپله یوه منحصره بفرده دروازه‌ده دعمر دجوما ت یوه مناره ،هم په توپ باندی وویشتله شوه دغو بمبار یود عمر اوراك جو ماتو نو ته ډیر سخت تاوان پیښ‌کړ. (۱۹۶۹) کال داګست په‌بمباریو کی ددغه جومات یوه برخه چه‌په ۶۹۱ میلادی کی‌ودان شوی‌دی، ورانه شوه .دا داسلامی تعمیر یو شا هکار دی دغه جومات ته اور ورته کړی شو.ددغه جومات په سوز ولو تومتی سړی‌په یوه‌مصنوعی محکمه کی محاکمه کړی شو خو بیا فیصله وشوه چه هغه کوم روحی مرض لری او په‌دی‌توګه ددغی کومیدی ته ورته محا کمی‌سبره فضیه پای ته ورسوله شوی).

ښاغلی سایح وایی چه اسراییلی ییلی فوځیان‌او ښځی پدغو مقد سو ځایونو کی خر ګندیدل او هلته یی شراب څښل، سګرت یی څکول، او غیږ په غیږ به ګرځیدل او په دی توګه یې‌د مقد سو ځایونو سپکاوی اوتوهین کاوه هغه وایی چه اسرا ئیلی فوځیانو،مسلمانان‌نه پریښودل چه‌د صبرون جومات ته‌ولاړ شی او مذهبی مراسم او لمونځ پکی اداء کاندی .مسلمانان به‌پټ‌په‌پټه جومات ته‌تلل خو اسرا ئیلیانو پدغه‌جومات کښی چه ۱۳۰۰ کاله دمخه جوړ شویدی دخپل واده مراسم جوړ ول ردی لاشنیعه اوکر کجنه پیښه هغه پیښه‌ده چه«ریورند شفیق فارو ق» چه‌د اردن ،سوریی، او لبنان داسقف نشینو کلیسا ګانو دشورا اجرا ییه منشی یی تشریح کوی هغه وایی: په اورشلیم کی یوسړی وچه په سر ښندنه اوایمان‌کی یی ډیرشهرت درلود. هغه دحضرت عیسی (ع) د مقبری متولی وهغه پدی مقبره کی له‌خپلی ښځی اویوی آلمانی پیغلی سره ژوند کاوه لس ورځی‌وروسته ترجګړی دهغه ښځه دریورندشفیق فاروق کورته په‌عمان کی پناه یوړه فاروق پوښتنه ترینه وکړه چه میړه دی چیری دی؟ ځواب یی ورکړ چه هغه دجهودانو له خوا ووژل شو.او پیښه داسی وه. یوه ورځ وروسته تردی چه اورشلیم داسرا ئیلی فوځ له‌خوا ونیول شو، دبا غ دروازه وټکول شوه، سلیمان مطر،ورخلاص کړ هغوی بی لدی څخه ډزی پر وکړی‌اوهغه یی له‌پښو وغور ځاوه اوبیا یی دمقبری په خوا ډزی‌وکړی اوبیا وروسته دمطر ښځی دخپل‌میړه جسد دباغ خواته پیدا کړ دلا س ساعت ،قلم او هغه پیسی چه‌له‌هغه سره‌وی دسرا ئیلی سپا یانو له‌خوا لوټ شوی‌و. اوبیا ښځو له سپایانو څخه وغو ښتل چه‌د جسد دپاره د خښیدو اود مذهبی مراسمو دتر سره کیدو اجازه ورکړی شی او سپایانو دهغوی غو ښتنه رد کړه.وا بیایی‌دوا‌ړه‌ښځی‌دصومعی‌خواته څیرمه بوتلی، هلته یی ډیری عربی کورنی مجبوری کړی وی چه دواټ په‌اوږدو کی‌لمر ته کښینی کله چه دغه دوه ښځی یی هلته خو شی کړی نوبیا راغلل اود هغوی کوریی لوټ کړ اوچه هغوی بیرته خپل کورته‌راغلل ویی لیدل چه کوریی لوټ شویدی په داسی هیواد کی‌چه خپل مړی په هماغه ورځ خښوی، دسلیمان مطر مړی یی دری ورځی وساته اودغه مړی دری ورځی په‌باغ کی پروت‌وو بیانو دانګلیکانودسراسقف دمداخلی په‌وجه اجازه ورکړی شوه چه‌مړی خاورو ته وسپاری.

اسرا ئیلی مقاماتو دهغو کسا نود پیدا کولو لپاره هڅو څه اقدام ونه کړچه‌دغه جنایت یی‌کړی و ریورند زیاتوی دایوازی دزر ګو نو نمو نمو څخه یوه نمونه وه چه دعربی خلك وویروی. اوهغوی دخپلو سیمو پریښودوته اړباسی دلته پکار ده چه دژنیو دمقاوله لیك هغه ماده رانقل کړو چه‌وایی :«هغه کسان چه هیڅ ډول فعالانه ګډون یی‌په دښمنیو کی ندی‌لرلی، هغه وسله وال قو تو نه چه خپله وسله یی پر ځمکی ایښی وی،اوهغوی‌چه‌دناروغی ،ټپی کیدو اویا توقیف په‌وجه دجګړی له ډګره وتلی دی،... نشی رټلی کیدی‌د شخص پروجود تیری او قتل په هر وسیله چه وی او شکنجه او یاد غړو پری کول او غور ځول. منع دی» خود لویدیځی ایشیا پدی‌دموکراتیکه سیمه کی له‌دغو بین‌المللی مقاولو اوعر فونو سره دغسی لوبی کیږی چه‌نمونی یی مو ز تاسو ته لیکلی.دهرا پولیس اسقف ښا غلی اګردیو دو روس پخپله دوه سیمو واجر موزیم اوبالی ذکری ته ولاړ

نور بیا



اسپانیا، کشوریکه اکنون در آن بی نظمی داخلی حکمفرماست

سرزمین کاشفین بزرگ جغرافیا - مرکز زیباترین رقصهای جهان

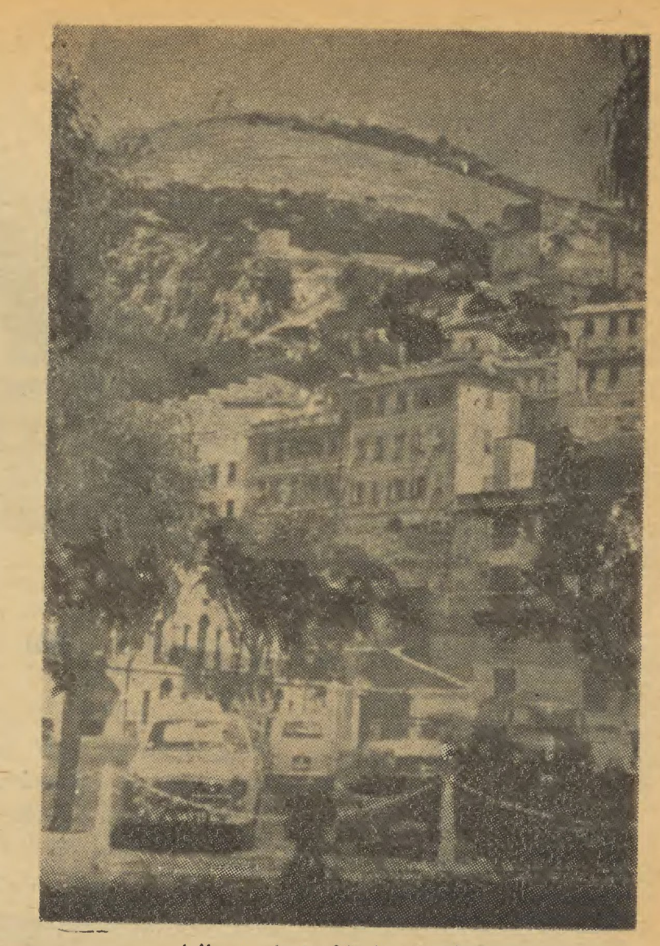
وطن اصلی سپورت معروف گاوبازی

همه میدانیم که اسپانیا دررقص‌وموسیقی‌خود خیلی معروف وزبانزد عام وخاص اند برعلاوه درعیدمذکور دروادیهای سرسبز کوهها به انواع بازیها ازقبیل دوش برقلل کوهها،اسپ دوانی ونیزه بازی که ازبازیها وسرگرمی عای این عید میباشد می پردازند درعین زمان کنار جهیل درروزمذکور مقدار زیادی‌ازشربت وواین سیب بمصرف میرسدکه درتمام‌اسپانیا بی مانند است. دردهات استوری اساسات عنعنوی زراعتی واقتصادی تاامروز بحا لت اولیه‌آن حفظ شده است‌که‌مهمترین ومعروفترین آن پوست وخلال‌جواریست‌که بنام (اوسفویان) یاد میشود وهرشام بالنوبه جوانان درمنازل همسایگان جمع وخلال جواری رابارقص و موسیقی اجرا میدارند درختم کار بنوشیدن واین سیب، خوردن چارمغز وسایر میوه‌جات میپردازند لذابیشتر عنعنات ملی نسبت به سراسر اسپانیا در استوریا حفظ وجمع شده است . استوریا دارای اقلیم خوشگوار ومناظر زیبای طبیعی بوده توریست ها اکثر در همین محل جهت استراحت می آیند .

چندین سال قبل اسپانیا ازرهگذر حفاظت منابع طبیعی کدام پروبلم نداشت تنها وتنها توجه بصنایع بود ولی در سالهای ٦٠ تغییرات بزرگی در حیات اجتماعی واقتصادی اسپانیا رونما گردید یکی ازاین پروبلم ها مانند سایر کشور های‌انکشاف یافته حفاظت وبهره برداری ازمنابع طبیعی میباشد که دولت اسپانیا درین اواخر متوجه آن شده‌است هزاران نفر ازاهالی مادرید که روز یکشنبه شهر را باموتر های خویش جهت تفریح و گردش ترک میکننددایما کناربارها، رستورانت ها، پارکینگ‌ها وغیره جمع وگردش میکردند ولی کوهها وتپه های قشنگ گرد ونواحی شهر ها میتوانست بهترین محل تفریحگاه اهالی شهر نشین بشود . ازهمین سبب‌دولت اسپانیا به تعمیر عمارات در داخل جنگل ها وبوجود آوردن پارکهای ملی، پارکهای محلی جهیل های مصنوعی وغیره دست باقدامات اساسی زده است وامروز اسپانیا دارنده پنج پارك ملی بزرگ میباشدکه اکثردرقسمت شمال کشور تجمع یافته اند وجمعا ٤٤٤کیلو متر مربع را احتوا میکند واین امرسبب شده به تعداد توریست ها بداخل اسپانیا بیافزایند در حال حاضر اسپانیا مقام دوم را ازرهگذر تعداد توریست های خارجی حایز است که سالانه به ١٨ میلیون سیاح بالغ میگردد .

سان باستیا یکی ازشهر های قشنگ و بندر تاریخی اسپانیا بوده اکثر باسکو هادر آن سکونت دارند که خودرا قدیمتر ین مسکونین جزیره نمای ابریك میدانند آنها اقوام دلیر وشجاع بوده دایما حکومت اسپانیا بایشان دچار مشکلات بوده وشدیدا تحت مراقبت امنیه میباشند واین پروبلمیست که تاحال واضح نشده است که باسکوها اصلا





کوشه ای ازمناظر زیبای اسپانیا

ازکدام قوم ریشه گرفته‌اند در ادبیات راجع باین مردم نظریات مختلفی وجود دارد بعضی هامیگویندکه این قو م ازاسرار اتلانتیك است همبولات علاوه میکندکه این قوم ازطایفه ابرام اندر حالیکه عده‌ای عقیده دارند که باسکوها ازاقوام اروپایی وازنژادهندواروپایی میباشند وبیشتر زبان شانرا بزبان قفقازی مناسبت میدهند. آنها دارای ساختمان جسمانی علیحده ای بوده قدبلند ، موهای خرمایی وچشمان آبی میباشند وآسانترین طریقه شناسایی این اقوام کلاه بیری است که همه آنها بسر دارند وهنگام ورود درکافه ویابان کلاه راازسر نبرداشته واینها سیگاری بکنج لب دارند که ازخصایص این مردم محسوب میشود تعداد آنها به ۸۰۰ هزار رسیده که ۲۵۰ هزار آن درامریکا وبیشتر درارگوای، ارجنتاین، مکسیکوواضلاع متحده بسرمیبرند .

فلاسم یکی ازاعیاد برجسته ومشهور اسپانیاست که صرف درشهر تاریخی والنسیا برگزار وتجلیل میشود این عید از۱۳-۱۹ مارچ ادامه میداشته باشد . شهر والنسیا بشمول نجاران ازعید مذکور استقبال گرمی می نمایند . هنگام بهار نجاران دکاکین خود را پاك وپارچه های چوب راکه سال تمام در دکاکین شان انبار شده میسوزانند. نجار از چوب مجسمه بزرگ (نیز) راساخته در روز عید آنرا می سوزانند این رسم ازقرن ۱۷ در اسپانیا شروع گردیده است درقرن ۱۹(نیز) شکل (فلا) را بخود گرفت دراین عید رقص وخوشی سراسر شهررا فراگرفته و تعداد هنرپیشگان درحدود ۳۰هزار نفر میرسد . فلا شکلی میباشد که ازچوب وکارتن ساخته میشود که مهارت آرتستیکی آنجا را نشان میدهد هرشکل ازخود استاد مخصوص دارد ، تاآنرا بسازد طرز ساختمان این مجسمه غول پیکر ابتدا از کچ ریخته شده درروی‌آن‌کارتن سرش میشود وسپس مودل مذکوررادر چوب نصب میکنند چنانچه سال گذشته درمجسمه مذکور ۸۰ تن چوب، ۲۵تن کارتن و۵تن سرش و۳۰تن میخ بکار رفته بودکه قیمت مجموعی آن‌بیك صدو سی‌میلیون«پست» تمام‌شده‌بود.

برای این کار هیئتی مرکب ازنجاران ، کارگران، دکانداران واهل‌کسبه تشکیل‌گردیده تعدادآنها به ۲۲۰ عضو رسیده بود . بودجه این مراسم از اعانه ولاتریها تهیه می گردد برعلاوه در عید مذکور اطفال نیز اشتراك می ورزند . هیات مکتب وکودکستانی از خود دارند تااطفال کارگران واعضای کمیته درآنجا تربیه شوند. عید شام ۱۳ مارچ افتتاح‌میگردد که درحقیقت کابره جاده هامحسوب میشود در روزآینده مجسمه فلارا جاده هاییکه عمومیت ومرکزیت داشته باشد وبرعلاوه درتمام‌میدان هاوچهارراهی هانصب میگردد. حرکت وسایط نقلیه در جاده های که تنگ وهجوم مردم زیاد است منع قرار داده میشود اگر سیاحی ازبی اطلاعی موتر خودرا درگوشه ای از جاده هاپارکینگ کند احتمال ندارد تایك هفته از موتر خود استفاده کند .

روز ۱۹مارچ مهمترین روزاین عید محسوب میگردد که عید خاتمه یافته وتماماکاغذ های ملون مجسمه راشروع به سوزانیدن می کنند وساعت ۱۰ شب اطفال اشکال کاغذی خود را آتش زده ونیمه شب تمام اهالی شب‌درمیدان کودپلیا جمع ومراسم شب‌آتش رابرپاومجسمه بزرگ فلاراآتش می زنند در سالهای گذشته مجسمه هلیوس راکه‌یکی از جمله‌ای‌عجائیبات هفتگانه بشمار میرود ودارای ۲۵ مترارتفاع بودکه بابلندترین عمارات میدان مذکوربرابری میکرد درمجسمه مذکور٦ متر مکعب‌چوب‌ویك تن کارتن بکار رفته بود وده‌نفرآرتیست‌تحت رهنمایی پروفیسور اکادمی آرت وصنعت والنسیا مشغول بودند این مجسمه بلندترین وبزرگترین مجسمه درتاریخ والنسیا بشمار میرود .

درشب ۱۹ وصبح ۲۰مارچ در میدان مذکور نیم میلیون جمعیت والنسیا وبرعلاوه مهمانان زیادی ازتماما اسپانیا درین شهر جمع شده بودند کمره‌ی تلویزیون ، عکاسان ونامه‌نگاران داخلی وخارجی نیزدرمیدان مذکور جهت جمع آوری راپور تاژ دلچسپ آن مطالب جالبی برای خویش بدست می آوردند . پولیس وامنیه فوق العاده داخل فعالیت بوده آرامش ونظم رابرقرار میکردند در این عید تعداد تصادمات زیاد بوده وامبولانس مسلسلا مجروحین رابشفاخانه نقل میدهد .

درشب مذکوربرعلاوه ای آتش بازی واجرای مراسم عید پروگرام دیگری نیز اجر میگردید که عبارت از انتخاب ملکه‌زیبایی‌است‌قسمیکه

بقیه درصفحه ۳۸



زندگی امروز



تهیه ونگارش :فریحه پرجوش اسحق

مزاحمت تیلفونی

گرچه تیلفون یکی ازوسایل نهایت مهم وضروری حیات امروزی است ولی .. ولی گاه‌گاهی هم باعث دردسر میگردد ...!

چنانچه خانمی طی نامه مفصل وگلایه‌آمیزش نوشته: «... اززنگ های پیهم ونیمه شبی تیلفون منزل چنان به‌ستوه آمده ام که دیگراز هرچه‌خیر تیلفون است بیزارم (!) باورکنیدآواز جرنگ وشرنگ بی موقع ونیمه شبی تیلفون چنان شوکم داده‌که اکنون شبانه‌سیم پلك آنرا میکشم تاراحت بخوابم و آسوده باشم .»

نمیدانم شما گاهی دچار چنین مزاحمت های مردم آزاران فضول گردیده اید یاخیر ؟ من یکی که دیگر حوصله ام‌بسر رسیده و تاب وتوانم باقی نیست‌که بیشتر ازین سکوت کنم ... ازاینرو این نامه رابرای شمانوشتم تادرمجله زیبا وخواندنی تان درجش کنید و ازین فضول باشی ها بخواهید تادرپی اصلاح خود باشند وازین شوخی های بی مزه شان بکاهندوازین مردم‌ آزاری‌هادست بردارند...»

این خانم که دل پری از مزاحمان تیلفونی دارد در نامه بلند بالایش تذکر دادکه چگونه چندشب متواتر باآواز دلخراش تیلفون درآن سکوت وسیاهی نیمه شب ازخواب شیرین پریده ووقتی هراسان وشتاب زده گوشی را برداشته وباآواز خواب آلود پرسیده :

ـ بلی بفر مائید ؟

ازآنطرف چنین جواب گرفته :

ـ ببخشید خانم خواب بودید ؟ پس آرام بخوابید (!)

ویاشب دیگر .

ـ بلی ... فرمایشی بود ؟

ـ نه، فقط میخواستم بگویم خواب شیرین برایتان آرزو دارم (!)

وهمچنین شبهای دیگر ....

متاسفانه ازین مثالهاومزاحمت های‌تیلفونی فراوان دیده شده ومثال فوق تنها موردی از آن نیست . بعضااین چنین مزاحمت هاعواقب وخیم وناگواری بارمی آورد چنانچه بسیار اتفاق افتاده که طرف ، ازشنیدن یك خبر ناهنجار دروغی دچار ضعف، بهت زدگی وحتی سکته گردیده است .

بنابراین، قسمیکه دیده میشود مزاحمت تیلفونی نه تنهادوراز آداب وتربیت سالم است، بلکه نهایت هم خطرناك وهول انگیر میباشد .

فراموش نگرددکه در ایجاد این خطرات ودردسرهای ناشی ازآن مأخود دست داریم وخود باعث آن میگردیم‌که ازچنین وسیله مهم وضروری که فقدان آن مشکل آفرین است ، یك هیولا بسازیم .

وقتی تیلفون اختراع شد هر گز تصور نمیرفت که شهرت واهمیت امروزی را کسب کند. واینقدر نقش عمده ومهمی‌را دردنیابازی نماید. آنوقت معلوم نبودکه بااین آله بتوان بادورترین نقطهٔ جهان تماس گرفت ومطالعه کرد.

تیلفون ازبدواختراع تاامروز با تحولاتیکه نموده ازوسایل فوق العاده کار آمدو ضروری زندگی امروز یست . چنانچه روزانه بلیون هابلیون مردم سراسر جهان چه در اموررسمی وچه شخصی ازآن استفاده میکنند ومحال است بدون آن به‌مشکل مواجه نگردند. اکنون‌تیلفون حتی دردور افتاده ترین نقاط دنیانیز راه‌یافته ومردم همه به‌کیفیت وکمیت ویژه یی اش پی برده اند. تیلفون بیشترین فاصله هارا به کمترین فرصت میپیماید واز اتلاف وقت جلوگیری میکند . تیلفون ....

مزایای تیلفون بیشتراز اینها است ودرین مختصر نمیشود همهٔ آنرایك یك بر شمرد . ولی متاسفانه هستند عده‌ایکه تاهنوز هم‌باین ارزش ومزایا پی نبرده، تیلفون رابابازیچه عوضی گرفته اند وآنرا یك وسیله سرگرمی می دانند .

چه فکر میکنند، آیااین مسخره نیست که یك وسیله جدی ونهایت مهم امور زندگی را باوسایل بازی وسر گرمی عوضی گیریم‌وفرق آنها راندانیم ؟!..

بخش آشپزی

درین هفته طرزتهیه دونوع دیگر کدو را بشما تقدیم میکنیم تااز مواد مفید ومقوی آن مفاد بیشتر برید .

کدو باچلو

مواد لازم برای چار نفر :

یك‌کیلو کدو، نیم‌کیلو گوشت گوسفند ، نیم کیلو پیاز، نیم کیلو بادنجان رومی، مرچ نمك وروغن بقدر ضرورت .

طرز تهیه :

پیازرا ریزه کرده در روغن داغ سرخ‌کنید، گوشت راکه به پارچه های خورد بریده اید بآن بیافزائید وبعداز کمی سرخ شدن در آن آب اضافه کرده بگذارید نیم پز شود. بعد کدوراکه پوست گرفته وخوردگرده‌اید درظرفی محتوای روغن سرخ کنید وسپس بابادنجان رومی ایکه از ماشین کشیده اید یکجا بالای گوشت اضافه کنید . وبگذارید بجوشد ونرم گردد. چلورا جداگانه دم‌کرده ویکجا با آن سرو نمائید .

کدوی درسته یاشکم پر

پختن کدوی شکم پراگرچه کمی مشکلتر است وتااندازه وقت لازم دارد اما آنقدر ظاهر جالب وگیرا داردکه به سفره رنگینی خاص میبخشد . البته درتهیه این غذاکدو حتما باید گرد باشد.

مواد لازم برای هشت نفر :

یك کدوی چار کیلویی ـ یك‌عدد نان‌دبل سیلو، نیم کیلو گوشت سرخی گاویاگوساله نیم کیلوبادنجان رومی، دوعدد پیاز بزرگ مقداری روغن یامسکه تازه، کمی شیر، نمك ومرچ سرخ وسیاه .

طرز تهیه :

پیاز را نازك خورد کرده درروغن داغ‌بریان کنید، گوشت ماشین شده رابانمك وکمی مرچ باآن اضافه کرده بگذارید سرخ شود سپس بادنجان‌رومی ماشین‌شده‌را نیز به‌آن علاوه‌کنید تاخوب بریان شود .

سرکدو رابدقت ببرید تانشکند، تخم هاو الیاف داخل کدورا کاملا خارج کنید . برش های نان دبل راکه نوست کرده اید به‌قطعات خورد ببرید داخل شکم‌کدورا به ترتیب بایك ورقه ازین نان، یك ورقه کوفته پخته شده ومرچ ونمك بپوشانید وشیر ومسکه تازه را بالای آن ریخته کلاه آنرا (سربریده شدهٔ کدو) به سرش بگذارید . اطراف کدورا با کاغذ المینیومی ویااگر نباشد باخمیرپوشانیده مدت دوساعت درداش قرار دهید. وقتی پخته شدگوشت کدو رابایك قاشق از پوست جدا کرده بابقیه محتویات داخل کدو مخلوط کنید.



د (پ، ق) په قلم

دویښتانو په باب یو لړ معلومات

دزمانی په تیرویدوسره دپیغلی دسینگار مخ‌نیوی تریوی اندازی پوری له منځه تللی اودیری پیغلی دخپلی ښکلا اوشادابی دپاره سینگار کوی . مگر ځینی کورنی داسی عقیده لری ترڅوچه یوه پیغله واده‌شوی‌نه‌وی‌نوباید چه خپله اصلی ځیره وساتی .

ځینی پیغلی دخپلو ویښتانو په مشکلاتو اخته دی اودخپل مشکل دحل لاره نشی پیدا کولای .

دادی مونږ ددی مقالی په‌ترڅ‌کی ستاسو دویښتانو مشکل له منځه وړو ترڅو ستاسی ویښتان ښکلی اوسالم په نظر راشی .

لمړنی قدم ستاسو دویښتانو په برخه کی دهغوپیژندل دی . ځکه کله‌چه یو ډاکترغواړی لمړی خپل‌ناروغ معاینه کړی اوبیا ورته نسخه ولیکی همدارنگه تاسوهم بایددخپلو ویښتانو نوعیت وپیژنی بیا دهغو دعلاج په غرض‌لاس په‌کار شی .

دیوی پیغلی ویښتان څلور حالته لری. لمړی دویښتانو سلامتیا، دوهم د ویښتانو وچوالی . دریم دویښتانو غوړوالی او څلورم دویښتانو ناروغی .

اوس غواړو چه داڅلور حالته وپیژنو.

۱- که ستاسو ویښتان سالم‌وی.

ډیره نرمه، روښانه او منظمه وده لری. هغه ویښتان چه دسلامتیاڅخه برخورداره وی ډیر ژربه هررنگ اومډل‌چه وغواړوجوړیږی. ددغه ډول ویښتانو په څلیرویشت ساعته‌کی ددیر شو تارونو ویښتان زیات نه تویږی اوکه غواړی چه‌رنگ یی‌کړی دویښتان رنگ ډیرښه کوی .

۲- دویښتانو وچوالی اوغوړوالی :

ددغسی و یښتانو مشخصه علامه داده چه ډیر ژرنه جوړیږی اوکه جوړ هم‌شی ژرله منځه ځی اوهم دږمنځولوپه وخت کی بڅرکی پیدا کوی .

۳- هغه ویښتان چه دغوړوالی خاصیت‌لری:

ددغسی و یښتانو مشخصه علامه داده‌که چیری یو کاغذی دستمال په خپلو ویښتانو وموږی نودکاغذ په مخ دغوړزکی علامه لیدل کیږی . دغسی ویښتان تل خیرن په نظر رسیږی .



٤- ناروغه ویښتان څرنگه باید وپیژندل شی ؟

هغه ویښتان ناروغ بولوچه دوچوالی او غوړوالی خواص په‌کی و لیدل شی دغه ډول ویښتان تل په ریږش اخته وی اوپنجه‌پیدا کوی ددغسی ویښتانو رنگول ډیر سخت اوخطرناك دی . کوښښ وکړی چه د خپلو ویښتانو داڅلورو حالتو ته په ډیر غور توجه وکړی اوبیایی دعلاج چاره وکړی کله چه مودخپلو ویښتانو علاج وکړ هغه‌وخت‌به نوتاسو دښکلو ، روښانو اوسالمو ویښتانو خاوندان شی .

چگونه میتوان سالم و تندرست بود؟



این سه مدلی راکه دراینجا می‌بینیدازبهترین‌وآخرین جاکت های عرضه شدهٔ مخصوص این فصل است .

باشد .

سلامتی که اولین عامل به زیستن وشرط اولیه زندگی خوب وراحت است، خود عوامل واصولی داردکه دانستن آن برای هر فردی ضرور یست .

گرچه عوامل تندرستی وسلامتی بیشمار است ولی عمل‌کردن به این چند اصل عمده ومهم آن‌که تاثیر بارزی درین امر دارند وذیلا تذکار داده شده، خالی از مفادنیست .

سلا متی وتندرستی چیست‌و اصول آن کدام است؟

آیاتندرستی فقط (نداشتن کدام مریضی) و یا(فقدان بیماری) است یامفهوم دیگری نیز دارد؟ نه، تندرستی نه‌تنها فقدان بیماری‌است بلکه وجودهم آهنگی وتوازن در اعمال مختلف اعضاء بدن نیز هست . به این دلیل: ممکن است شخص مریض نباشد ودرعین حال ا ز تندرستی کامل هم برخوردار نباشد .

درتندرستی واقعی شخص هیچگونه ناراحتی جسمی احساس نمیکند وازیك انرژی سرشار شادی بخش برخوردار است . پس زندگی یك فرد تندرست هم بیدرد است‌وهم قرین‌سعادت وشادکامی .

واماعوامل اصلی تندرستی چیست ؟ سه عامل اصلی تندرستی عبارت انداز :

خواب خوب، زندگی بر طبق قوانین طبیعت وپرهیز از زیاده روی در مصرف دوا ودارو . ولی شرط اصلی سلامتی داشتن انضباط‌محکم واطاعت از قوانین سلامتی وکنترول عواطف منفی وداشتن رژیم صحیح غذایی است .

نظافت یکی از عوامل مهم تندرستی‌است. شتشوی روزانه دست وپا وروی ودندانها و رفتن به حمام هفته دوبار یاحداقل یکبارکمك فراوان به سلامتی میکند . زیرا ازطریق شستشو است‌که مسامات بدن بازشده وسموم بدن خارج میگردد .

گردش وفعالیت درهوای آزاد وپاك بقدری ازلحاظ سلامتی مهم است که میتوان‌آنرایکی ازارگان مهم تندرستی شمرد چه خوب‌کارکردن جهاز تنفس که یکی ازعوامل اصلی سلامتی است بستگی کاملی به این دارد که دراتاق هوادار وآفتابگیر وتمیر زندگی کنیم .

ورزش نیز یکی ازلوازم تندرستی است متنها نباید هدف از ورزش قطور کردن عضلات باشد، بلکه باید منظور اصلی ایجاد قانون بین فعالیت های مختلف اعضای بدن وتحریك جهاز هاضمه به‌فعالیت باشد. ولی بایدمتوجه بودکه افراط درورزش های ثقیل مهلك‌است .

استراحت وخواب کافی هم از ضروریات است وباید خویش رابه زود خوابیدن و زود بیدار شدن عادت داد. برای اینکه از خواب، کافی برخوردار شویم باید شب کمتر غذا بخوریم وتاحدامکان بکوشیم درغذای شب خوراکه های سبك بخوریم. وهمچنان باید اتاق خواب آرام، تاریك، هوادار ومعتدل



فامیل پر معلومات

نوشته: جلال نورانی

ازمدتها قبل اسم وشهرت فا میل «پولدارزاده» راشنیده بودم، چیزی که بیشتر از همه توجه مرا نسبت به‌این فا میل اسم ورسمدار جلب کرده بود، اولا زیبایی وقشنگی‌دختر جوان آنها بودوثانیاً شهرت‌معلومات عالی که هریك از افراد فا میل مذکور بداشتن آن معروف بو دند فکر میکردم که‌اگر بتوا نم افتخار- دامادی چنین فامیل سرشناسی را حا صل کنم علاوه ازینکه نانم در روغن می افتد ومقام ورتبه ای پیدا میکنم ازحیث معلو ما ت هم خیلی پیش میروم.

چه‌درد سر بد هم با هزار جا ن کندن وژیگو لو بازی دل دختر را بدست آوردم وچون‌او خیلی نازدانه ودردانه بود توانست بدون زحمت‌به فامیلش بقبو لاند تابنده را بحیث داماد خود بشنا سند.

در اولین روز های نامـــز دی تصمیم گرفتم ،از معلو ما ت همسر آینده ام مستفیض شوم بنا بر آن سر صحبت را باوی باز کرده از هردری سخن گفتم، در ضمن برای اینکه تو جهش را جلب کنم تـــا بداند من هم آدم پر معلو ماتـــی هستم شروع کردم بگفتن حر فهای کلان کلان، دخترهم مثل‌اینکه‌وظیفه داشته باشد معلو ماتش را برخ من بکشد یك لحظه لب فرو نمی بست ومر تب می گفت:

-مودمینی ژوپ‌در فلان‌سال‌بمیان آمد، طراح آن فلان نفر بود وفعلا تعداد طر فدارانش در هالیوود این قدر ودر پاریس‌آنقدر ست سو فیا- لورن اخیرا پیراهنی برای‌خودساخته که‌در حدود سه‌صد هزار افغا نـی ارزش دارد ،مو های بر ژیت باردو را فلان نفر آرایش میکند دین مارتین بخا طر بازی در هر فلمش چنـــد هزار دالر میگیرد وجنتی ما لا و راجکپور که‌برای تهیه فلمی پاریس رفته بودند در فلان هو تل اقا مت داشتندو...

خلاصه‌نامزد پشده تشریحــا ت میداد ومن محو معلو مات بی پا یان اوبودم

یك روز هم باخودآقای پولدارزاده تنها ماندم، اوهم هرچه معلو ما ت داشت برخ من کشید.

خسرم میگفت:

-فیل از حیث جثه واندام حیوان بزر گی‌است ولی یك ریزش وزکام کافی است که‌اورا ازپـــا درآورد طوطی چهل سال وسنگ پشت سه صد سال وعقاب چهار صد ســا ل عمر میکند مورچه چنین زند گی‌دارد وزنبور عسل چنا ن...،بهتر ین‌نوع اسپ فلان وبهترین پشك پشـــك تایلندی است که جثه خورد وپشم فراوان دارد با هوش ترین حیوا ن شمپانزه امریکای‌جنوبی‌وبا وفا ترین حیوان سگهای اسکمو یی استو.

آنروز تاشام‌خسرم درباره‌حیوانات حرف زد ومن گوش دادم .یکبارهم بچنگ خشویم افتادم دیدم نه.. او هم‌درداشتن معلو مات از کســی‌پس نمی ماند او طریق پختن کیك،دولمه آشك بفتك وهمبر گر را برایم‌شرح دادودرباره انواع واقسام دانه هاو حبوباتی که غذا راخو شمزه مـــی سازند برابر دوسه فصل کتاب- جنگ وصلح تشریحا ت‌داد.

برا در نامزدم هر چه ورز شکار بود میدانست حتی نمره‌پای فـلان فو تبا لیست برازیلی وفلان گاوباز هسپانوی ونمره یخن معروف ترین سکی بازی سویسی‌را می دانست

بقیه در صفحه ٤٧

بقلم : عنایت الله

یادی از پروفیسور غلام‌محمد مصور

مجله ژوندون بخاطربزرگداشت هنریکتعدادازنقاشان ورسامان پیشین کشور ویاد آوری ازهنر والای ایشان ازبناغلی عنایت الله، استاد هنر های زیبای پوهنتون کابل خواهش نموده‌است تادرزمینه برای خوانندگان‌ارجمند مجله ودوستداران هنرنقاشی یادداشت هاومعلومات هاییکه دارند، به دسترس نشربسپارند . بهمین سلسله درین شماره درباره زندگی پروفیسور غلام محمد که یکی ازنقاشان‌ورزیده وچیره دست کشور بوده اند . نبشته زیر تقدیم میگردد :

درماه مشهور سرطان ، امسال استادان پوهنتون کابل طبق سالهای گذشته، برای اینکه به ترفیعات علمی بالاتر ارتقاء نمایند، کنفرانسهای بخصوصی دربارهٔ موضوعات تخصصی شان ایراد نمودند . ازجمله بناغلی امان الله حیدرزاد هیکل تراش معروف وطن دریکی از کنفرانسهای خوددر باره پروفیسور غلام محمد مصور که ازشخصیت های معروف وطن ماست بیانیه‌ای را در محضر یکعده استادان پوهنځی ادبیات وعلوم بشری و محصلان شعبه نوتاسیس هنرهای زیبای آن پوهنځی ایراد نمود .

بناغلی حیدرزاد ضمن گفتار خود گفت: که پروفیسور ازشخصیت های نامی وبین المللی قرن اخیر افغانستان می باشد، باید آثار پروفیسور جمع آوری گردد ودرموزیم کابل محلی را بنام اوتخصیص داد، وی علاوه کرد که میخواهد، برای آغاز این موضوع یکی از تابلو های پروفیسور راخریداری نموده وآنرا بموزیم کابل اهدا نماید، تابه اثر آن سایر هنرشناسان وخدمتگاران هنربکار های بعدی وی اقدام نمایند .

اینجانب نویسندهٔ مضمون گرچه دربارهٔحیات پروفیسور وآثار او، اندك معلوماتی در دست داشتم، ولی بازهم کوشیدم درپهلوی آن تا حدی درزمینه کنجکاوی نموده ودربارهٔ موصوف معلومات مزید حاصل نمایم، اینك برای‌اینکه اویکی ازشخصیت های طراز اول کشور در هنرنقاشی است خواستم از طریق این مجله مشهور کابل که خوانندگان زیاد دارد اورا بوطنداران عزیز معرفی نمایم .

تولد وآوان طفو لیت:

درخانوادهٔ عبدالباقی مینگ باشی (مینگ بزبان ترکی هزار راگویند) متعلق بیکی از خانواده های میران میمنه واقع شهر میمنهٔ (فاریاب)، درتیرماه سال ۱۲۵۲ طفلی بمیان آمدکه نامش راغلام محمد گذاشتند، چند سال محدود باپدر یکجا بسر برد وهنوز از محبت پدربهره کافی نگرفته بود، که پدرش را از دست داد، وطفل صغیربی سرپرست ماند و همانند اطفال شهر خود بسرمی برد .

غلام محمدطفل هوشمندگرچه در ظاهر مثل اطفال دیگر خودرا جلوه میداد، اما در باطن نبوغ واستعداد خدادادی راکه در نهاد داشت وبوی ارزانی شده بود، مصروف مطالعه وتفکر دربارهٔ زیبایی های طبیعت بود، گرچه بامردم شهر تماس های مستقیم داشت .

باایشان حیات بسرمی برد. معاملات طفلانه بارفیقانش داشت‌وبازی هاباایشان انجام میداد وشب درخانه واپس می آمد، امادردل وباطن خودطبیعت وزیبایی های آنرا مطالعه میکرد .

روزی ازروز هاکه هرگز هوای کابل رادر فکر خود نداشت وبادوستان خود سخت انس گرفته بود، اورابنابر عللی بکابل آوردند، که درین وقت هنوزسن اوهفت سال را تکمیل نکرده بود ومیخواست الفبارا در نزد ملای مسجد یادبگیرد .

درین وقتیکه غلام محمد بکابل آورده شد زمام امور مملکت بدست امیرعبدالرحمن خان ضیاء الملت والدین بود، اوچون شخص هنر دوست وهنرپروربود، چنانچه درآن وقت چند نفر ازرسامان مثل استاد میرحسام الدین ، استادمحمدعظیم ابکم ویکنفر انگلیس بنام (جان‌گری) بدرباراومصروف هنرنمایی بودند . امیرازاینکه استعداد عالی اورادر قسمت هنر ملاحظه فرمودند امر دادتا تحت تربیه گرفته شود، وشاید برای باراول تابلو های کوچکی ازقبیل مرغك وظروف ساده رارسامی می نمود وآنهارابزرگان میدیدند، چنانچه بگمان اغلب یکی ازتابلوهای اوایل رسامی اویك مرغك است که سایز واندازهٔ خیلی خورد دارد وبه رنگ آبی‌کار شده وبرای اینکه ازبین نرود بالایش ورنس استعمال نموده اند. آن تابلو بدست باز ماندگانش توسط نویسندهٔ این مضمون دیده شده است .

باراه یافتن غلام محمد بدربارامیرعبدالرحمن خان واستعداد عالی ونبوغ هنری اش از طرف همه هنرپروران وهنر شناسان شناخته شد ، بناء استاد میرحسام الدین خواست، او را تحت تربیه خود قراردهد، تااینکه اوراسرآمد هنرمندان افغانستان ، بعدها معرفی بدارد .

تابلوهای غلام محمد درآوان طفو لیت تحت تاثیر رسم های استادان وقت آمد وسالهای زیادی یابه اسلوب استادان ویا اسلوب خاصیکه خودانتخاب کرده بود مصروف هنر نمایی وهنر جویی گردید .

اسلوب وطرز کار استادان آن وقت از استاد میرحسام الدین ، تذهیب‌کاری، منقش ساختن قلمدانها، دیزاین های دیواری و میناتوری بود. استاد عظیم ا بکم نیز بشکل کلاسیك وریالیزم تابلوهای خودرا رسم‌مینمود (بنده یکی ازتابلوهای پنسلی اوراکه تصویر امیردوست محمدخان رانمودار می سازددروقت حیات شخصیت برجسته وطن مرحوم استاد عبدالغفور برشنا چند سال قبل دیده بودم.) جان‌گری نیز هنرانگلیس راباخود آورده بو د وسبك‌کارش بگونه ریالیزم می نمود ویکتعداد آثار ایشان درموزهٔ کابل هنوز موجوداند .

غلام محمد گرچه دراول زیاد ترتحت تاثیر استادخود آمد، امابه اثرمشاهدهٔ آثاردیگران وابتکار شخصی اوسبك خاص ومختصی بخود اختیار وبعد آنرا دنبال نمود، تااینکه بعدادر اخیردوره جوانی لقب قهرمانی کلاسیك رادر افغانستان حاصل وتابلو های جاویدان خودرا که حقیقتا عالی وزیبا وپرکیفیت بودند به نسل افغانستان بیادگار گذاشت .

پورتریت غلام محمد مصور که توسط شمهرانی نقاشی شده است .

دورهٔ شباب وجوانی:

غلام محمد جوانی هنرمند وباذوق، درآوان شباب سخت فعال وباعلاقه درهنر خودبود ، وی دراین ایام اندك درعالم سیاست قدم می‌گذاشت ، چون اوبخود اجازه نمیداد که موضوعات سیاسی رابه الفاظ وکلمات بیان کند، بناء شور واحساس باطنی خودراازطریق هنروهنریکه بحد پرستش آنرا دوست داشت انعکاس میداد، چنانچه که تادم مرگ هم هنر رابهترین یارومونس خویش قرار داد. از آنجائیکه دورهٔ جوانی دورهٔ کار وفعالیت است وی به استفاده ازاین موقع وبنابر قدرت نبوغ خود آثار ارزنده، پرارزش وفنا ناپذیر ازخود برای آیندگان بیادگار گذاشت و به غنای فرهنگی ما افزود .

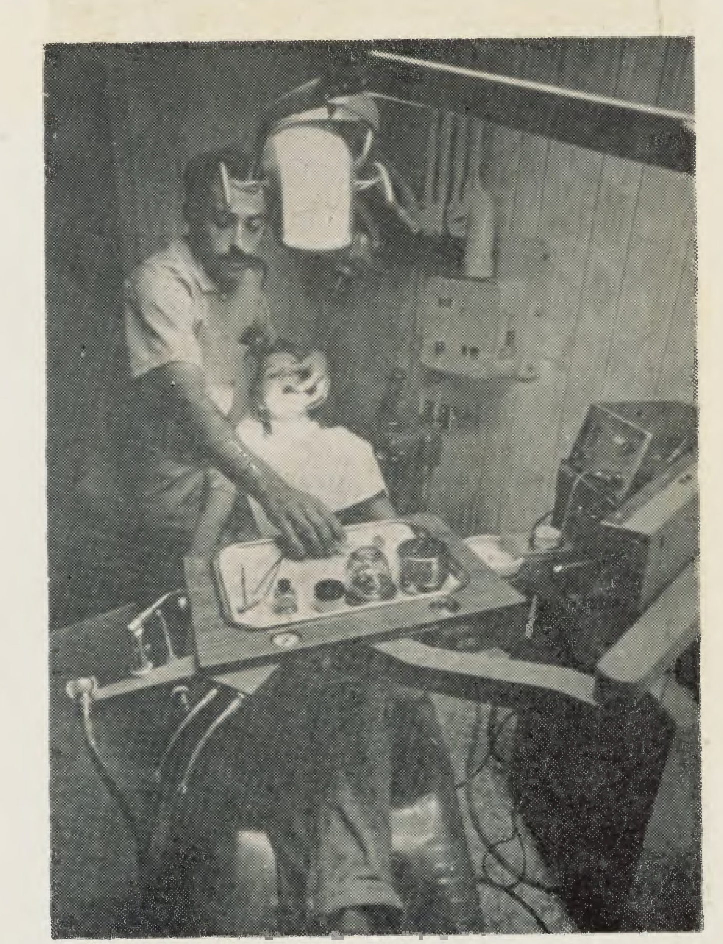
ورهٔ بعد از جوانی:

استاد غلام محمد بعدازاین در افغانستان یعنی بداخل کشور بیش ازحد شهرت یافت وتوان وقدرت هنری اوهمه راتحت تاثیر قرار داد، وهیچ قدرتی درمقابل قدرت هنری او قدعلم نکرد، به اجازهٔ حکومت آن زمان راه خارج به پیش‌گرفت، وخواست رنگها وزیبایی های طبیعت افغانستان رابمردم خارج معرفی نماید. باین اساس درسال ۱۹۲۱ به آلمان رفت وبرای مدت دوسال درآنجا رحل اقامت انداخت ومضامین‌عالی روی مفکورهٔ خود، علاوه ازآثار هنری درآن دیار نوشت .

حکومت آلمان به اثرلیاقت عالی واستعداد وقدرت هنری او، اورا بحیث پروفیسورسبك کلاسیك قبول وشناخت . پروفیسور بعداز بازگشت بوطن یعنی درسال ۱۹۲۳ مکتب صنایع نفیسه رادرکابل تاسیس نمود وخود بحیث مدیرآن مکتب انتخاب گردید. بقرار فرمودهٔ یکی ازاولین شاگردان آن وقت یعنی استادخیرمحمد بیاری پروفیسوربه تعداد سی نفر شاگردرا حسب خواهش ایشان در ین مکتب شامل ساخت ومرحوم عبدالغفور و استاد علی احمد بشمول خود مدیرآن مکتب درس میدادند، موقعیت آن مکتب، در حصهٔ پل آرتن موجوده درکوتی مشهور به لندنی

ادامه دارد



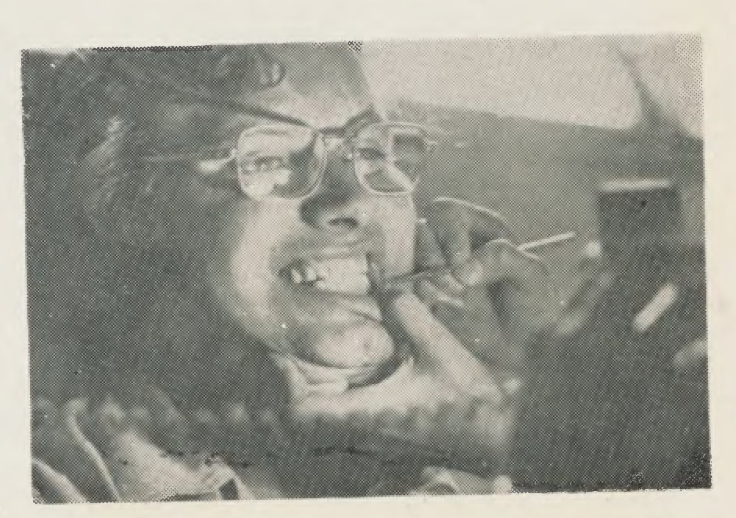


پەداسی حال کښي چه جولی‌نولان پە ښوکی باندی‌آرام ناست دی ډاکټر رابرت فراید دهغه دغاښ دکولـو دپاره خپل ځان تیاروی

دا دوارد اوسن لیکنه — دسرورزی ژباړه

دغاښونو پەداکتری

کښي پەزړه پوری بدلون



پە عکس کښي دناروغ تر ښنګ‌دراډیو ګرافی دستګاه اود غاښونـو پاکو لو ماشین لیدل کیږی.

صفحه ۳۴

تاسی کله کله دخپلو غاښو نود ډاکټر سره کتنه لەاندازی زیا تـــه ځنډ وی ځکه چەد هغه کتنځی تە د خپل وروستی ورتګ ناوړه خا طره ستاسی لەیاده نەوی وتلی اود هغه ډاړ پە نسبت چه ستا سی زا مـــن یی دغاښو نو دردنه پرته دمعا لجـو پەباره کی تاسی تە درکوی ځەشك اوتردید لری تراوسه پوری مـــود غاښونود ډاکټردسوړکتنځی چاپیرـ یال لەیاده نەدی وتلی اوتر اوســه پوری لە ټولونه هغه دردونکی آواز چەدبریښنا دبرمی‌پە وسیله ستاسی دغاښ دسوری کولو پەوخت کښي پورنه کیده ترڅو ستاسی عصب تە ورسیږی اوهم دډاکتر آواز چه پــه پرله پسی ډول یی ویل «خلا ص‌شو» ستاسی پەغو ږونو کښي ښپی وهی.

نن کله چەد غاښونو دډاکتر دــ کتنځی دروازه خلا صوئ غواړ ی‌د هغو ورڅو لەیادولو ښخه ناآرا مـــه کیږی خو کله چه کتنځی تەوردننـــه کیږی داسی فکر کوی چه لارەمـــو علطه‌کړیده‌څو قدمەپە ښتاخلی‌اوبیا دکتنځی ددروازی پەمخ‌تابلو لو لی اولەدی وروسته متو جه کیږی چه لاره مو غلطه کړی نەده دکتنځـــی دیوالونه پە ښکلواو پەزړه پـــوری عکسو نو ښکلی شوی، دکو ټــــی غولی پە ښکلو غالیو پټ شوی اود موسیقی نرم‌آوازدکتنځی فضا نیولی ده تاسی چه دغه پەزړه پوری‌بدلون جذب کړی یاست یوه شیبه دانتظار پەکوټه‌کښي چەد کو چنیا نو دپاره دلوبو سامان اود لو یانـــو دپــاره دلوستلو وړمواد پە کی ایښو ول‌شوی دی کښینی ترڅو ډاکټر درته غږ وکړی هغه یوځوان سړی دی‌اوحتی دهغه ځه نه زیا ت ځوان دی چـــه تاسی یی تصور کاوه لە تکلیف نه پرته پەښه خوی اوداسی ښه چـــه ددی سبب کیږی چەتا سی ډیرژر پە خپلی ویری بری وموم‌ی پەداسی حال کښي چەتاسی پە ښو کی‌باندی آرام ناست یاست هغه ستا سی‌ځو غاښو نەپەداسی مهارت اوهوښیاری ډکوی چه تاسی‌اصلا هیڅ پری نـــه پوهیږی.

وروسته بیا تاسی دخپلی رو غتیا متصدی تەچه یوه مو قره او جذابه ښځەده‌معر فی کوی اوهغه تاسی‌ته دخپلو غاښونو دښارنی دپاره نوی لارښوونی کوی.

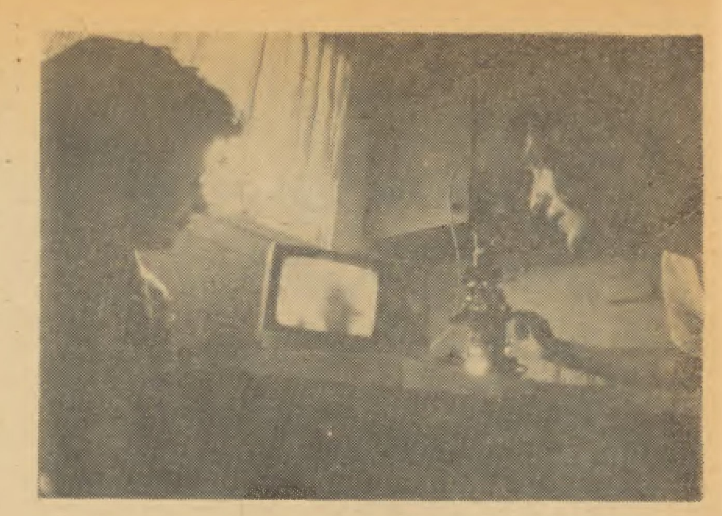
لومړی هغه تاسی تەد غاښو نود ښارنی دطریقی پەباره کی‌یوه لنډه و ینـا کوی اود با کتـر یو ځـو میکرو سکو پی‌رنګه سلایدو نەتاسی تەدر ښیی چەستاسی غاښونەاووری احاطه کوی. ورورسته بیا دخپلـو غاښونو دوینځلو سمه لاره زده کوی اوپوهیږی چه مثلا پنځو س کا لـه دمخه ستاسی دغاښونو دوینځلـــو طریقه غلطه وەوروسته بیا یوکوچنی کیف تاسی ته در کوی چه یـــو مسواك دغاښو کریم دخو نی آینه، مخصو ص تا بلیتونه اود لار ښوونی یوه کتابچه پکښي وی او س نـــو تاسی دامریکی دغاښونو دتـــداوی پە انقلاب کښي چه لس کاله دمخــه پیل شویدی پەعملی ډول ګډون کړی دی. پە داسی انقلاب کی‌چه دامریکی دخلکو سره مرسته کوی ترڅو خپل غاښونه وساتی.

دغه تحول تراوسه پوزی بشپــړ شوی‌نەدی ځکه چەد غا ښونو ټو لو ډاکترانو هغه نەدی اجرا کړی خوپه چټکی سره مخ‌پەپراخیدودی او س دازیری ورکوی چه خلك بەتر-–دی وروسته ډیر لږ دغاښونو پەدرداخته شی اود غاښو نو نارو غی به زیاتی کمی شی.

دغه پە زړه پوری بدلون پەیوه کلمه کښي لنډ یداشی اوهغه دــ مخنیوی ښخه عبارت‌دی پە دا ســی حال کښي چەد غاښونو دپخوا نیـــو ډ ا کتـــرا نـــو کا ر معمـــو لا دغاښونو اصلاح کول ،ډکول‌ایستل اویاد غاښونو دنارو غیو کمول ؤ.

دغاښونو اوسنی ډاکتران هڅه کوی چەدغاښونو دناروغیو مخـــه ونیسی.

دجارج ټاون دپوهنتون دغاښونو دډاکتری دپوهنځی رئیس ډاکتـــر جوزف بر نیئر وایی زمونږ لــوړ هدف باید داوی‌چه خپل بازارپرا خه کړو یعنی دغاښو نو دنارو غی مخه تردی اندازی ونیو لە شی چەدغاښو ډاکتر تەنورەاړتیا نەوی ترهغەوخته پوری لاډیر وخت شته چه دغاښونو ناروغی بیخی لەمنځه لاړی شی،خو هدف‌یو واقعبینانەهدف‌دی‌د غاښونو ننني ډاکتران دغا ښو نودنارو غی داساسی علتونو دعلمی پیژ ند نی‌پە باره کی خبری کوی دهغو نارو غیو پەباره کښي چه دکو چنیانو دغاښو ددرد اود لویا نود غاښونو ایستل سبب کیږی دغەنوی پوهنه پە هغو اړبو کښي چە امریکا ییان یی‌ښښي اوهغو خورا کونو کښي چە خوری‌یی پەهغی طریقی کښي چەخپل غاښونه وینځی او غه راز دغاښو نو پـــه معالجه اوهغو لار ښوونو کښـــــی



دیوی مخصو صی وړانگی پـه‌وسیله دگریگ هیت شیو دغاښو نو ترمنځ دباکتریو ټوټی څرگند یږی‌هغه اویو تکنیشن نوموړی ټوټـی چه‌اته سوه ځله لوی شوی دی دا اسلاید له لاری وینی.

اغیزه لری چه دغاښو نو ډاکترا نېی ور کوی.

دغه بد لون دغاښو نو دډاکتری په څینو پخوانیو قواعدو اومقرراتو کښی چه‌دعامه منني وړوی نوی‌والی ایجاد کړی دی.

دمثال په ډول دغاښونو یو زیات شمیرډاکترانو یووخت‌عقیده‌درلوده چه‌د کوچنیانو دپاره لازمه نه‌ده‌ترڅو چه‌یی خپل لومړنی دایمی غاښ نه وی‌کړی‌دغاښونو ډاکتر ته‌مرا جعه وکړی، اوس دهغوی یوزیات شمیر دکوچنیانو میندی اوپلرو ته تشویق کوی چه خپل کو چنیان په‌دوه کلنی یادری کلنی کښی دغاښو نو ډاکتـر ته‌بوځی ترڅو دهغوی دغاښو نود- روغتیا بنسټ له‌هما غو کلونو څخه کښیښودل شی.

یووخت دغاښو نو ډاکترانو خپلو مرا جعینو ته ویل چه‌د هر خوراك له خوړلو وروسته‌خپل غاښونه ووینځی خو نن دهغوی یوزیات شمیر په دی عقیده دی‌چه په‌ورځ کښی یو ځـل دغاښونو وینځل په‌دی شرط چه‌په سمه اواساسی توگه ووینځل شی کفایت کوی.

پخوا دغاښو نو ډاکترانو ویل‌چه غاښونه باید پورته او کښته پـه عمودی‌ډول‌دمسواك په‌وسیله ووینځل شی خو نن دیو نرم مسواك په‌مرسته باید په‌عرضی ډول غاښو نه مسوا ك شی اود غاښو نود وریو دپا کو لـو دمخصو صو تارونو څخه استفـاده وشی.

بنایی‌هغه ستر تحول چه‌په دی‌برخه کښی راغلی دی دغاښونو دډکو لوپه برخه کښی وی‌ځکه چه‌په نوی‌طریقی سره هیڅکله ددرد احساس نه کیږی دغه‌کار په‌نویو وسیلو اوبرمو سره ډیر ژر سر ته رسیږی چه‌د اوبو په وسیله سرېږی اود بیهو شی‌درمل په‌دی ډول استعما لیږی چه هـم کوچنیان اوهم دهغوی میـندی او پلرو نه‌ترد‌ی وروسته دغاښو نـو ډاکترته له‌ور تلو څخه ویره او ډار نه‌لری.

دغاښو نو دډاکتری څینو اصونو بدلون نه‌دی کړی دغاښونو ډاکتران تراوسه هم خلکو ته لار ښوو نـه کوی چه‌دخوږو شیانو یاډیرو خوږو خوراکو نو له خوړلو څخه ځانونه وژغوری اوپه ټاکلیو وختو نو کښی دخپلو غاښونو ډاکتر ته‌مراجعه‌وکړی خود غاښونو اساسی دښمن پـه غاښونو باندی دباکتر یو زا تولیدل دی.

خود غاښو دډاکتر اساسی نظر هماغه دی‌چه پخواٌیعنی تروسـه وسه هڅه وشی چه‌یو غاښ هم ونه ویستل شی ،په دی ترڅ کښی د- غاښونو ډاکتر خپل افکار په هغـو نسجو نو باندی په‌کار اچوی چـه غاښونه ساتی ،دغا ښو نو دډاکتری ستر هدف داد‌ی‌چه‌د نوموړو نسجو نو دله‌منځه تللو مخه ونیوله شی.

دغاښونو دشاوخوا ناروغی هم دغاښو نو دچنجیو خوړ لو په‌اندازه ارزښت لری اوباید‌دهغو مخه ونیوله

دنیو یارك په پوهنتون کښی د- غاښونو دډاکتری په‌پوهنځی کښی‌د غاښونو دناروغیو دمخنیوی رئیس ډاکتر هوارد وارد وایی: «داسـی عقیده شته چه‌یوه سلیښنا که ماده چه‌دباکتریو څخه جوړه شوی وی‌د غاښو نود چنجی خوړ لواو فاسدو ولو اصلی عامل ده اود هغـی په له منځه وړلو سره کیدای شی چه په‌اسانی سره غاښو نه له چنجـی خوړ لو اوخرابی څخه وساتو»



پـه لا بـرا تـوا ر کښی په‌هغو میکرو بو نو با ند ی چـه دخو لی دلاړو په‌اسید کښـی وده‌کوی اود غاښونودخرابی سبب‌کیږی لازم ازما یښتو نه کیږی.

پخوا دغاښو نو ډاکترانو عقیـده درلوده چه‌د غذاکو چنی ټو ټی چه‌د غاښو نو ترمنځ پاتی کیږی دغاښو دخرا بی سبب کیږی او له همـدی امله یی خلکو ته ویل چه دهروخت ډوډی خوړلو نه‌وروسته خپل‌غاښونه یوځل په مسواك ووینځی او س د- ډوډی کوچنی ټوټی په‌دوهم پړاوکی واقع‌شوی دی «سره له دی چه‌دغاښو ډاکترا ن تر اوسه هم عقیده لـری چه ډوډی مهم نقش لری»

دغاښو نو دډاکترانو کو ښښ‌په دی کښی دی چه‌دباکتر یو ټوټـه‌د غاښونو له منځخه پا که کړی او خلك هم په‌غاښونو باندی‌دهغی درا تولیدو مخه ونیسی پو هان په دی پوهید لی دی چه‌د غاښو نو په منځ باندی دباکتریو ټوټه دخو لی دلاړو دموادو په‌استفادی سره په یـوه سلیښنا که مخصو صه ماده بدلیږی چه‌دغه سلیښتناکه ماده دغاښونـو په منځ په کلکه ځای نیسی.

ډاکتر برنیټر وا یـی یـوا زی اوه یااته کاله دمخه دغه ټوټه پـه مشخصه توگه پیژ ندل شوی، سره له‌دی چه له‌اوږدو کلونو څخه‌را په‌دی خوا‌دهغی مو جودیت پو هیدلی ؤخو پخوامو هغه دغاښو نود جرم په‌نامه پیژ ندله»

کله‌چه‌جرم په‌خپل ځای سلیښ‌ت شو،هغه کښی د ننه باکتری له قند څخه استفاده کوی او څودوله کیمیاوی مواد جوړ وی چه‌غاښونـو اووریو ته زیان رسوی.

یو زیات‌شمیرماهران په‌دی عقیده دی‌چه دغاښونو لوړی ژوری دجرم‌په وسیله دجوړ شویو اسیدونو په‌اثر منځ ته‌راځی اودغه اسیدونه غاښونه سوری کوی اود داخلی نسجو نـو برخو ته رسیږی.

هغه لار ښوونی چه‌د غاښو نود ساتنی اودغاښونو دباکتر یودتولیدو سره دمبارزی‌دپاره‌کورنیو ته‌ورکولی کیږی دری مر حلی لری.

لومړی داچه غاښونه باید پـه منظمه توگه‌دمسواك په‌وسیله ووینځل شی اودی کارد پاره باید دبو پوست مسواك اوداسی‌کریمو څخه استفاده وشی چه فلور لری ،باید دلښو او اړدو حرکتو نو په‌وسیله دغاښو نـو منځ او څنډ دمسواك په‌وسیله پاك

پاتی په٤٦ مخکښی

ترجمه: لطیف بارز

مبارزه برای ریشه کن ساختن سگرت در فرانسه

حکومت فرانسه اخیرا پلا نی راافشاء کرده که بموجب آن استعمال سگرت درانکشور تدریجا ریشه کن ساخته میشود .

سیمونی ویل وزیر صحیه فرانسه دریك کنفرانس مطبوعاتی گفت که یك لایحه ریشه کن ساختن استعمال سگرت احتمال دارد در اخیر جلسه خزانی پارلمان ارائه گردد .

درین لایحه اخطار صحی بالای تمام قطی های سگرت بر علاوه منع تدریجی استعمال سگرت درعمارات عامه ودربعض فعالیتهای کار گری چاپ ونصب خواهد شد .

میرمین ویل گفت که اعلانات سگرت وتنباکو تدریجا از طریق



رادیو وتلویزون منع شده وهمچنان در سینما های سالون تفریحات ودر نشرات جوانان اعلان سگرت قطع خواهد شد .

وی گفت اعلان سگرت درمطبوعات فرانسه کنترول خواهد شد.

درسال تعلیمی فرانسه که اخیراشروع شده به اطفال ۱۳ ساله وبالاتر از آن نسبت به خطرات تنباکو هدایت دادن خواهد شد .

درسال تعلیمی آینده مکاتب فرانسه موضوع ریشه کن ساختن استعمال سگرت یك جز پروگرام تعلیمی را تشکیل خواهد داد .

میرمن ویل اظهار داشت از شروع سال ۱۹۷۶ برای ریشه کن ساختن استعمال سگرت بههمکاری وزارتهای دفاع، کار، مخابرات، پوسته وامور جوانان وسپورت یك مبارزه وسیع وعامه براه انداخته خواهد شد .

وزیر صحیه فرانسه متذکر شد که این مبارزه یك مبارزه از شادی

بقیه در صفحه ۶۳



جوان وروابط خانوادگی

رعایت یك سلسله مقررات اجتماعی که همه برای بهبود وضع خانواده هاوضع وتدوین گردیده در خوشبختی وسعادت خانواده تاثیر مستقیمی دارد مشروط بر اینکه اعضای خانواده آنرابا در نظر داشت شرایط زندگی تطبیق نمایند.

بطور مثال آنعده جوانانیکه تازه تشکیل خانواده را داده اند وآرزو دارند که سعادتمندانه زندگی نمایند بهتر است بدین نکات توجه نمایند واگرتطبیق آن ممکن و عملی است پس بدون معطلی به آن اقدام نمایند .

۱ـ مشوره در همه امور زندگی بخصوص در امور داخلی زندگی وخواستن عقیده ونظر یه زن شرط اول زندگیست .

۲ـ گذشت: درین جای شکی نیست که هر خانواده که تازه تشکیل میشود بایك سلسله مشکلات وپروبلمها روبرو میگردند که بعضا ممکن است این مشکلات سبب بروز اختلافات درمین اعضای یك خانواده شود .ودرعین زمان بسیار ممکن است که یکی از اعضاخانواده پیار اشتباهی گردد ودر اشتباه خویش نیز پافشاری نماید .درین حال بهترین رویه که باید در پیش گرفت اینست که با حسن نظر وبا کلمات نرم طرف را متوجه ساخته وهردو طرف بکوشند که باگذشت فضای مساعد وآرا می را در خانه ایجاد نمایند .

۳ـ اقتصاد :چیزیکه بیشتر از همه امروز مورد توجه است اقتصاد است چه اقتصاد سازنده زندگی امروزی است وبا اقتصاد ضعیف ونا متناسب ادامه زندگی بشکلی که آرزو است مشکل است .

داشتن پس انداز بهر اندازه که باشددر بهبود وضع خانواده تاثیر مثبت دارد مخصوصا با به میان آمدن یك سلسله تحولات که سازنده زندگی مدرن امروزی است واکثر از جوانان ما آرزوی چنین زندگی رادارند داشتن پس انداز شرط اساسی است.زیر ازندگانی خوب امروزی مربوط به داشتن اقتصاد قوی است.



دردل جوانان

متصدی صفحه درددلها سلام:

مدتی است که درد دل جوانان درین صفحه نشرنمیشود نمیدانم که علت آن چیست؟ بحر حال امید وارم این‌نامه که حکایت زندگی اکثر ازجوانان ماست در ستون درد دلها نشر گردد،

اگر بیست ودو سال زندگی پر مشقت ورنج رازندگی میگوئیدمن بیست‌و دوسال دارم.

تازه ازدواج کردم به امید اینکه به‌زندگانی خویش سر وسامانی بدهم‌وخو شبخت شوم اماچه خیال خامی.

فکر نکنید که‌مردی هستم که‌جز ازشکایت وگله کاری دیگری ندارم خیر! ولی طاقت‌و حوصله هم حدی دارد یك انسان‌چقدر اعصاب قوی داشته باشد تااین همه رنج‌ومشقت وکلمات ناپسندرابشنود و طاقت بیاورد.

ازشما میپرسم انسان چقدر زندگی وعمر خواهد کرد که نیم یا بیشتر عمرخودرابااین همه سختی‌و تکلیف بگذراند؟

ببخشید که‌زیاد حرف زدم می‌خواستم ازشما درین باره رهنمایی بخواهم‌وامیدوارم‌که گره ازین‌مشکل من بکشائید.

دوسال قبل ازدواج کردم زن تحصیل کرده‌ای گرفتم ودلم خوش بودازاینکه همسرم زن‌تحصیل کرده وفهمیده‌است .اما چقدر اشتباه می‌کردم ایکاش هرگز ازدواج نکرده بودم وخودرابدین زحمت‌نمی‌انداختم مشکل ما خرچ‌ها و مصارف بی‌جای همسرم است معاش ناچیز که در هر ماه میگیرم‌مصارف چند روز محدودهمسرم میگردد ،اگر احیانا به‌همسرم این‌موضوع رایاآوری کنم وهرقدر باملایمت‌ونرمی برایش آنرا خاطرنشان سازم که ازین همه ولخرچی ومصارف بی جا خود داری‌نمایدکمتر میشنود وتوجه میکند .اگر درین مورد بخواهم اصرار کنم بنای داد و فریادرا نموده‌ویك سلسله کلمات نا پسند رانثارم می نماید.

آیا برای یك‌زن وآن هم زن تحصیل کرده چنین‌رویه لازم است؟ امیدوارم که هر چه زود تر این‌نامه را بچاپ رسانید.

م-ن-د

نویسنده عزیز!

واقعا جای تعجب است‌درحالیکه زن تحصیل کرده دارید و لی‌با وجود آن همسرتان تاریك فکرمیکند وتاریك می‌بیند.

امیدواریم که همسر تان هر چه زودتر بدین موضوع ملتفت گردد که این همه ولخرچی هاو مصارف بی‌جا واز همه‌مهمتر این همه‌دشنام ها هیچ‌فایده ندارد جز اینکه‌زندگی خوش خودرا دستخوش نارامی وبحران اقتصادی گرداند.

چنانچه مثل معروف درین باره میگوید: هر چه که از حد بگذرد رسواشود .بنااميد واريم که همسر تان‌با فهم ودرایت که دارد ازین همه‌و لخرچی هاکاسته وبیشتر متوجه زندگانی خویش گردد.

زیرایك زن‌درشرایط امروزی وظایف بزرگتری دارد نه اینکه خود وخانواده‌خودرا باچنین‌حرکات دستخوش نارا حتی گرداند.

به امید زندگی‌سعادت‌مندانه تان.

معرفت‌ودانایی:

بهترین قسمت معرفت‌آن‌است‌که بما می آموزد که معرفت کجا بپایان می رسد وجهل ونادانی‌آغاز میشود.

(ا.و هومز)

آنکه علم عمیق دارد ،به‌اندازه‌آنکس که جهل عمیق دارد درباره علم سطحی دیگران رجز خوانی‌نمی کند .بر خلاف بجای کوبیدن جهل دیگران‌یاتحقیر خود به‌کومك‌ایشان می شتابد ،چه میداند که زمانی‌بوده است که حتی اشخاص‌همچو بیکن ونیوتون نیز سطحی بوده اند ونیز می‌داند که آنکس‌که اندکی علم دارد،بهترازکسی که هیچ ندارد به‌بیشتر از آن میتواند دسترسی پیدا کند.

(کولتون)

اندیشه‌های جوانان

محمدعظیم سعادت جومتعلم‌صنف۱۲ لیسه‌حبیبیه:

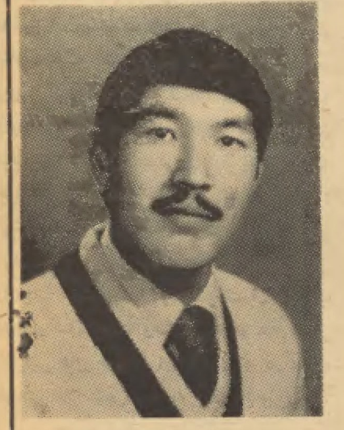
-بلی جوان واقعی‌کسیست که‌در حیات روز مره‌خود مصدر خدمتی برای‌وطن واجتماع گردد .ومنفعت همگانی رابر منفعت شخصی ترجیح داده واحترام‌به قوانین جز وظیفه اصلی او محسوب گردد.و هیچگاه فکرنکند که ازدیگران بر تری‌دارد زیراامروز تبعیض برای همیشه از بین رفته‌وجای خودرا به‌عدالت اجتماعی داده است.

نجیب اله (قریشی) متعلم‌صنف‌یازده لیسه انصاری:

ازژوندون تشکر میکنم که برای‌جوانان موقع داده تانظریات‌واندیشه های شمانرا به نشر می رسد.

منحیث یك جوان وظیفه خود میدانم که حقایق رابیان نمایم ولو اینکه این حقایق تلخ هم باشد زیرا باگفتن حقایق‌است که انسان راه درست‌را تشخیص میدهد . واز راه های‌که ممکن‌سبب‌بد بختی و سقوط جوانان گردد دوری نمایند یکی ازین‌حقایق ویا بهتر بگویم نقاط ضعف جوانان‌ما تقلید ومود پرستی است‌ممکن‌است‌این سخنم بسیاری‌ازجوانان را خوش نیاید ولی این‌یك حقیقت است.

محمد حسین دین پرور:



مبرهن وبر واضح است که جوامع بشر در پرتو انکشافات محیر العقول ساینس‌وتکنالوژی‌با پیشرفت های‌زیادی رو برو بوده وجوانان در پیشبردوتحقق یافتن این، هدف ومرام نقش مهم‌وبارزی را بعهده داشته است وقتی سهم جوانان‌را در شئون مختلف احتماعی از نزدیك مورد ارزیابی قرار دهیم معلوم خواهد شدکه جوانان اندکه درپرتو نیرو وزحمات ایشان‌کلیه‌پروگرام های بشری واجتماعی در معرض تطبیق قرار گرفته‌وزمینه‌برای سعادت وپیشرفت نسل‌های آینده بیش از پیش فراهم می‌گردد.



هسپانیا کشوریکه اکنون در آن بی نظمی داخلی ...

گروپی ازجوانان بیرقی دردست ودوشیزه جوانی بالباس محلی رنگارنگ ومرغوب آراسته به رهنمایی یکعده دوشیزگان دیگری بسوی میدان مذکور پیش می آیند بدین منوال تعداد گروپ هازیادشده وهمه درمیدان کودیلیا جمع میشوند بعداکمیته فلابه انتخاب ملکه زیبایی مبادرت ورزیده وازمیان آنها زیباترین و- خوشگلترین دوشیزه راانتخاب وبنام ملکه زیبایی والنسیا معرفی میکند آرکستراسرود معروف کودیلیاراباستقبال ملکه نواخته ولی فوق‌العاده بلندناهمه اهالی شهر تاحدی‌امکان ازشنیدن آن مستفید گردند . لباسهای دوشیزگان رنگارنگ وبهترین خامکدوزی درآن بکار رفته میباشد چیزیکه در هنگام این‌مراسم وجود نمیداشته باشد عبارت از خوراکه ونوشابه است تنها یك یادو مراتبه پایلاچیده میشود که مشکل عمومی رادارد پایلا یگا نه خوراکه عمومی اسپانیا بوده که از برنج و گوشت مرغ ترکیب شده است این غذا خیلی گران بوده وطریق پخت وپزآن کرایی‌بزرگی راایجاب میکند وتنها مواد سوخت آن چوب انتخاب شده است وهنگام مراسم عید اهالی باکرایی های خوراکه ای مذکور که در منازل خویش قبلا تهیه نموده به جاده ها می‌برآیند.

در والنسیا عادت براین نیست تادر روز عید مهمانان رابمنزل دعوت کنند و هم در منازل خویش خوراکه ونوشابه های این عید را برای مهمانان ترتیب نمی دهند تنهادرمحل مخصوص غرفه‌ای ترتیب میدهند که انواع نوشابه سرد وخوراکه باب را برای اشتراك کنندگان تقدیم میکنند دراخیر باید علاوه کرد که فلا یگانه عید باشکوه اسپانیا بوده کدام رابطه مذهبی ندارد.

صفحه ۳۸

والسیا ازنگاه بزرگی سومین شهر وبندر مهم اسپانیا وهمچنین پایتخت حوزه معروف لوونت میباشد که از رهگذر زراعت وباغداری بهترین منطقه اسپانیا محسوب میشود .

گالیسیا حوزه قشنگ ودلپذیراسپانیابوده ونسبت به سایر نقاط اسپانیا متفاوت است ومیتوان گفت‌که چنین منطقه مانند گالیسیا در جهان نمیتوان سراغ کرد. گالیسیا شکل‌غیر منظمی چهار ضلعی درگوشه شمال غرب شبه جزیره ابریك داراست . ضلع غربی در بحر اتلانتیك غوطه وراست ضلع شمالی آن در بحیره کانتا بری‌وجنوبی آن باپرتگال‌همسرحد است تنها قسمت شرقی آن مناطق استوریاو لیون راازهم جدا میسازد در ین منطقه توریست کمتر وارد میشوند مردم جهت‌عبادت به قبر یعقوب درکمپوستلی، گالیسیادرجهان عیسوی شهرت زیادی حاصل نموده است . صنعت رومن ها درگالیسیا بانتهای اوج‌وقدرت خود رسیده دارای کلتور عالی میباشد واولین یادگار ادبیات اسپانیا بزبان گالیسی در همین جا بوجود آمده است.

لوگو رونا یکی ازشهر های کوچك ومقبول ایالت گالیسیامیباشدکه آثارصنعت وفابریکات درآن دیده نمیشود واین شهر از رهگذر اداری رول مهمی رادر حیات گالیسیا بازی میکند این شهر ازسه طرف بابحر اتصال وبهترین آب وهوارا داراست واز همین جاست که اسم وی را (قدح پایتخت) مینامند یکی ازآثار مهم وقابل دیدنی این شهر برج هرکولیس است که ۱۰٤ متراز سطح بحر ارتفاع دارد ومنظره خیلی عالی بحر اتلانتیك رامنعکس میسازد این برج ازادوار وساختمانی تروی میباشد واین یگانه لایت هاوس رومی است که تاامروز بحالت اولیه خویش در کنار اتلانتیك پابرجاست.

یکی از عنعنات مهم وبرجسته این ناحیه اجتماع اهالی در جنگل است‌که هزاران نفراز اهالی شهر درروز معینی درجنگل جمع و در فضای آزاد به آواز خوانی پرداخته ، صدها نفربرای آنها واین وخوراکه میر سا ننداز خوراکه ایکه درین روز عمومیت دارد کباب باکچالوی بریان است برعلاوه انواع بازیها وسرگرمی دربین درختان متمرکز میشوند واز مهمترین رقص آن منیروو پندیرومیباشد که دراین حوضه خیلی عمومیت دارد هنگام شب گروهی ازنوازندگان باگیتار بنواختن موسیقی پرداخته وهزاران نفربرقص‌وشادی میپردازند.

دراسپانیا درپهلوی سایر سپورتهای که درآنجا متداول و عمومیت دارد گاو بازیست ودرحقیقت گاوبازی بسپورت ملی مردمان این سرزمین تاریخی تبدیل گردیده است وتقریبا درتماما حصص اسپانیا مروج واجرا می گردد درمیان مردمان اسپانیا بهتر ین نشانه ای نیرومندی وافتخارابنست تادریکی ازمسابقات گاوبازی شرکت کند وبرای این بازی گاوهای نیرومند ووحشی راانتخاب میکنند که بیننده رادرنگاه اول بحیرت می افکند وتصور می کند در حمله اول حریف ازپادرآورده پارچه پارچه خواهد کرد حریف معمولا لباس مخصوصی ببر داشته وپارچه سرخ رنگی در دست میداشته باشد زمانیکه گاو داخل میدان نبرد شدحریف تکه سرخ را چند بار تکان داده نظر گاو وحشت زده را بخود جلب وحمله خشم ناك خود را حواله حریف میکند. حریف با نیزه های دست داشته خویش چند ضربه محکمی بالای حصص مختلف گاو وارد وتاآنکه او را ازپادرآورد . این بازی از سپورت های تماشایی این کشور باستانی بوده بحضور هزاران نفر تماشاچی صورت میگیرد .

مادرید پایتخت کنونی ومرکز اداری اسپانیا درمرکز شبه جزیره ابریك واقعست درساحل دریای منزانار قرار دارد. ساحه شهر مادرید به ٦٠٧ کیلومتر رسیده ونفوس آن بر٥ر٣ میلیون بالغ میشود که منجمله ١٦هزارنفرآن خارجی های ساکنین دایمی مادرید را تشکیل میدهند . کثافت نفوس شهر مادرید به ٤٥٠٠ نفردر یك کیلومتر میرسد. تاریخ موثقی‌برای یافتن اسم پایتخت اسپانیا دردست نیست ، تنها همینقدر میتوان گفت‌که شاید اسم مادرید ازبرج (ماجرید) که درسال ۹۲۵ ساخته شده است نشئت کرده باشد اولین معلومات راجع به‌مادرید ازقرن ۱۰ باین طرف بدست است‌که درآنزمان مادرید محل اقامت موریتانیا یی عا بود. در۹۳۹ مادرید تحت اداره رامیرو دوم وسپس بدست مورها افتاده ودر ۱۰۸۳ توسط شاه کاستیلی الفو نای چهارم درتصرف‌اهمیت مادرید درمرکز حوضه‌کاستیلیا ازقرن ١٦باین طرف شروع گردید. درزمان حکومت‌کارل‌پنجم پایتخت اسپانیا «تولید» قرار داده‌شده بود ولی بعدها فلیپ دوم مادریدرامنحیث پایتخت اسپانیا شناخته که بزودی انکشاف و مرکز تجارت وصنایع اسپانیا گردید درقرن ۱۷در مادرید بهترین قصور شاهی ارستو کراتی تعمیر گردید در ۱۸۵۱–۱۸٦٤ اولین خط قطار بین مادرید وارانجوس امتدادداده شددر۱۸۵۸ کانال لوسویابکارانداخته شدکه آب آشامیدنی کافی برای اهالی شهر میرسانید درختم قرن ۱۹ واوایل قرن بیستم - مادرید بصورت درست آباد گردیده ودر ۱۸٦۸ دیوار قدیمی اطراف شهر مادرید ویران وبجای آن تعمیرات جدیدی آباد وجاده معروف (گران ویا) امتداد داده شد ودر ۱۸۷۳ مادرید اولین پایتخت جمهوریت اسپانیا انتخاب گردید .

بعداز رویکار آمدن حزب‌کارگر وخاتمه‌دولت شاهی بسال ۱۹۳۱ دراثر انقلاب دیموکراسی مادرید پایتخت جمهوریت اسپانیا قرارگرفت بین سالهای ۱۹۳٦–۱۹۳۹ مادرید مرکزجنگ جاسوسان فاشیزم جنرالها بودکه علیه‌حکومت اسپانیا قیام نموده بودند وازجانب دیگرمادرید مرکزمجادله علیه آلمان وایتالیا گردید تا آنکه در۲۸ مارچ ۱۹۳۹ ازطرف فاشیست هااشغال

گردید. مادریا مرکــز سیاسی اسپانیا بوده پارلمان «کورتز» وسران اول کشوردرمادرید زندگی‌دارندشهر ازطرف بناروالی اداره‌شده‌واز ۱۲ ناحیه (استرتیوس) تشکیل گردیده است که اداره آن بدست بناروال مادرید میباشد .

مادرید بعداز بار سلونا دو مین شهــر صناعتی اسپانیا بوده صنایع ثقیله ، طیاره الکتروتخنیك ، مواد کیمیاوی وصنایع آلا ت حربی دراین شهر انکشاف خــارق العاده ای نموده است بر عــلاوه قالین بافی بصورت عنعنوی، خامك دوزی وزدگری نیز در ایــن شهر ترقی خوبی کرده است . بانکهای‌تجارتی صناعتی وزراعتی، شرکتهای تجارتی و بیمه هاهمه درمادرید تجمع کرده‌اند . مادریــد بزرگترین مرکز راه آهن، سرکها وخطــوط هوایی اسپانیا بوده دارنده چهار استیشــن بزرگ قطار آهن بوده وچندین میدان هوایی که بیشتر شکل بین المللی دارند نصیب‌این شهر شده است .

مرکز پایتخت شکل مثلثی را داشته‌که‌بین سه میدان مهم‌وبزرگ پوتیردسول، پلازامایور وپلازا دواسپان قرار داردکه ازشعاع آن ده جاده بزرگ به هر سمت کشیده شد ه است وهمه سرکهابسوی پرتا دلسول رهنمایــی شده‌اند . درپیاده روها از سنگ های مقبول کانتور مملکت نقش‌شده است که کلمه(صفر کیلومتر) بانیم کره ای احاطه شده است که شروع سرکهابهر سمت ازهمین محل‌میباشد ودرنزدیکی آن محبس سیاسی زیر ز مینــی مادرید وجود دارددرغرب ازمیدان پیرتادلسول بسواحل دریا شهر کهنه موقعیت داردکه در آن قصرقدیمی شاهان اسپانیا، موزیم‌عسکری واوپرای مادرید دیده میشود. قصر شا هــی یکی از بهترین ساختمانها وبنا های جهان محسوب میشودکه دربزرگترین وقشنگتریــن میدان شهر قرار دارد این میدان در ســال ۱۸۱۱ بنایافته برعلاوه یادگار فلیپ چهــارم درآن پابرجاست . درمیان قصور مادریــد مهمترین آن میتوان قصرعدالت ، قصرسنا و قصر کانگرس را نامبرد که ازهرحیث جالب وتماشایی است درمیدان مایو مجسمه فاتحین اهالی مادرید علیه فرانسویها که در جنــگ روز دوم ماه‌می ۱۸۰۸غالب‌شده اندیده‌میشود. بالاخره قرن ۱۷ دوره درخشان بنایی مادرید محسوب میشود که بهترین قصور ، کلیســا ومعابد یکی بعددیگری ساخته شدکه شهرت جهانی دارند. ساختمانی وارکتیکت‌قصرشاهان مادرید از قرن ۱۸ بیشتر شکل کلاسیکی‌را بخود گرفته است که عمارت عالی مــوزیم ، مجسمه هاورسامی الپرادو ازنمونه های‌آنست.

مادرید دارنده بهترین پارکها بامجسمه ها وفواره‌های‌قشنگ ی‌میباشد که‌دراروپامعروف‌بوده تماشاچیان وعلاقه‌مندان خاص دارد. بزرگترین پارك پایتخت اسپانیا پارك مقبول وزیــبا ی کاسادوکمپو است که ۱۴۴۷ هکتار ساحه را درساحل دریای منزانارد‌دربرگرفته است،دارای سه جهیل و۹ فواره خیلی عالی میباشد .

۱۱ پل اساسی ومستحکم راست وچــپ مادرید رابهم وصل میکند که پل تولیدان از مهمترین آنست . مادرید شهر عجیبی است که میتوان درهر قسمت آن اشیای مختلفی را مشاهده کرد درمرکز شهر بهتر یــن عمارات تاریخی، جاده های پرجوش، موزیم هـــا ی یادگاری، پارکها، باغات، عمارات عصرت‌اداری ومنازل‌نشیمن، هوتلهاولوکل های خوشگذرانی تجمع کرده اند ومنطقه کارگران منازل کهنــه وفرسوده که قسمت شمالی وجنوبی را دربر میگیرد ودرآن محبس کارابانچل که ازمحابس سیاسی ومهم اسپانیا محسوب میشود، قــرار دارد باوجود این همه زیبایی ها کمبود بر ق وآب شامیدنی درپایتخت دیده میشود چنانچه درموقع گرفتن اب سلسله نوبت خیلی طویل میشودکه ساعت هاباید انتظار کشید .

وسایط نقلیه‌شهری راترامو‌ی (۶۷کیلومتر) سرویس (۲۳۲ کیلو متر) ، ترای لیــبوس (۴۳ کیلو متر) ومترودر برمیگیرد که طــول خطوط مترودرداخل شهر به ۳۰ر۷ کیلو متــر ودر خارج به ۵ر۹کیلومتر میرسد . تعلیمات ابتدایی ومتوسط مادرید در حقیقت بدســت روحانیون بوده وتعلیمات عالی صرف بجوانانی میسر میشودکه از طبقات ثروتمند اجتمــاع باشند . مادرید داری یونیورستی بزرگ و عالی بوده‌که در ۱۵۰۸ تاسیس ودرحال حاضر ۴۰هزار نفر محصل درآن تدریس میکنند. پوهنتون مادرید شامل ۱۶فاکولته مختلفــه میباشد .

بر علاوه انستیتوت اکادمی علوم، اکادمی تاریخ، علوم اخلاقیات وسیاست ، اکاد مــی علوم طبیعی، فزیك، طب، اکــادمی کلتور اسپانوی ، انستیتوت صنایع ملی همــه در مادرید تمرکز یافته اند .

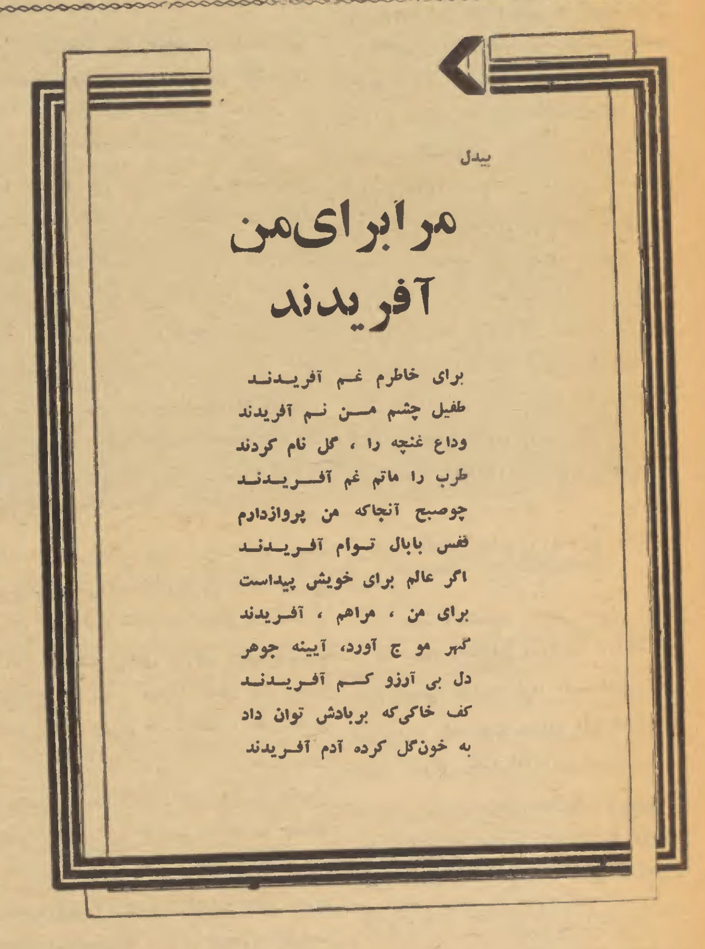
موزیم مادرید درجهان شهرت زیادی‌داشته موزیم های امپرادو، صنایع نفیسه ورسامی ملی که‌درآن آثار آرتیست های اسپانــوی، پورترت های ایتالوی وغیره جمع گردیده‌اند ولی ازموزیم های بزرگ پایتخت اسپانیاکه شهرت زیادی دارند میتوان موزیم هـــا ی انتروپولوژی، اتنوگرافی، تاریخ قدیم‌وموزیم ملی آرکیو لوژی رانامبرد . درمیان تیاتر های مقبول وزیبای مادرید ازهمه بیشتر تیاترهای البینیز، الکازار، سالیدون، تیاتر اسپانــوی وفونتالبا معروف وعمومیت دارند .

مادرید ازرهگذر مجلات وروزنامه ها غنــی بوده‌که ۸ روزنامه آن معروف است ولی ازهمه بیشتر روزنامه (ای.بی. سی) (اردیبا) و(تــا) (انفارماسیون) وغیره حیثیت بین المللی‌دارند. آژانس خبر رسانی اسپانیا بنام ای. اف. ای یاد شده وتنها درمادرید چار استیشن‌رادیویی ودستگاه عصری تلویزیونی فعالیت دارند .

پایان

کارهای روزانه راهمه باهمکاری‌دنبال میکنند.

شعر...



بیدل

مرا برای من آفریدند

برای خاطرم غم آفریدند
طفیل چشم من نم آفریدند
وداع غنچه را ، گل نام کردند
طرب را ماتم غم آفریدند
چوصبح آنجاکه من پروازدارم
قفس بابال توام آفریدند
اگر عالم برای خویش پیداست
برای من ، مراهم ، آفریدند
گهر مو ج آورد، آیینه جوهر
دل بی آرزو کم آفریدند
کف خاکی‌که بربادش توان داد
به خون‌گل کرده آدم آفریدند

لاتراوس

خه هم چیری فرزانه وم، فرزانه‌یم لاتراوس
تل بی خوده دیوانه‌وم، دیوانه‌یم لاتراوس
چه‌راغلی په‌جهان‌یم خبرشوی‌په‌خپل‌خان یم
درازونوخزانه وم ، خزانه‌یم لاتراوس
په‌عالم خماخبری خلق کاپه نږدی لری
په وگری افسانه‌وم، افسانه یم لاتراوس

چه دمخ پلونی واشویومشال وه چه نماشو
هغه‌وم پرپروانه وم، پروانه یم لاتراوس
چه‌ئی‌خان‌سره آشناکړم‌له‌هرچائی‌شاپه‌شاکړم
له عالمه بیگانه وم، بیگانه یم لاتراوس
هغه‌شان له‌خپله‌یاره، بی‌وکیله‌بی ریباره
خه خوشحال چه‌یگانه وم، یگانه‌یم‌لاتراوس

رفعت

گم

ابر ها یکشب مارا
تابه مهمانی باران بردند
ماعطش را :
گم کردیم .

خاقانی

نوایی زن!

صنم میگو ودر میخانه میرقص
نوایی میزن ومستانه میرقص
عجب ذوقی بود بارقص مستی
تونیز ای باده ! در میخانه میرقص
برافشان دست بر ناموس وآنگه
میان محرم بیگانه میرقص

به جان باغیر جانان در میآ میز
به تن باعاقل ودیوانه میرقص
دل ازتمکین شودبی ذوق ، زنهار
گهی کودك شو وطفلانه میرقص
چوخون اززخم صید کشته میجوش !
چودل درسینه پروانه میرقص !

پ - خائفی

درد

با من
دلت نگفت ، لبت گفت
آن قصه هاکه جان تو بنهفت
لیك آن نهفته درد درون را
باتو
لبم نگفت ،
دلم گفت .

راغله لاره

لكه دنكي دتورې شپې په‌زړه‌كي
شي نابيرچې يوسپين پرك دبريښنا
اودبې لارو، لارو ولپاره
له كړنگونو ډكه لاروښيي

•   •   •

ياپه تروږميو دنهيليو كي چې
اور اوركي داميتو خليږي
اوبياپناه شي دنظرله له اورشو
دكورو گورو تورتمونو شاته

•   •   •

يادا سرود خوږيه وچ گوگل كي
چې يوناخاپه نيز دهيلو راشي
اوكړي يوواري بي بيابنكلي ښې
دتلوسو دساحل وچې شونډې

•   •   •

يالكه رازو نياز دپټې ميني
په خوتورو غلچكوكي تير شي
پسي سيلي دبيلتانه وزمولي
آدليدوپه ارمان تږې زړونه

•   •   •

يادبيلتون له شوگيرونو ځني
چې له ليمونه ليږدي خوب وآرام
له نيمه خواوو ارمانونو سره
دانديښنو له كاروانو نو سره

•   •   •

يالكه جوړه مخه ښې ته ديار
دښو خوكوته راغلي او ښكه
يوه شيبه چې ستنيدلاي نشي
يوه شيبه چې تميدلاي نشي

•   •   •

هسې زمادژوند نيزالي هيله
هسې زمادزړه دكور ميرمنه
پس له عمرونو ځني راغله لاړه
په رپ دسترگوكي بس راغله لاړه !!

دوكتورمجاور احمد زيار
نادرشاه مينه د ٥٤ وږې

پخته

میان موج سبز پنبه زاران
حبابی چون گهردر عقد هرشاخ
دل هر بته گویی داغدار ست
که، اینسان عقده ازدل داده بیرون
غلط گفتم، نه‌این تبخاله باشد
صدف باشد، در ناسفته باشد
عرقهای جبین پاك دهقان

حباب سیمگو ن بینی فروان
رگ‌جان صدف‌بسته‌است‌برشاخ
زسوز عشق دلداری نزار ست
لبش تبخاله پیداکرده ، اکنون
نه‌داغ دل ، نه‌نقش ناله باشد
زر سیمین دهقان، پخته باشد
شده جمع وتجلی‌کرده اینسان

حباب د یر پای پنبه زاران
الهی باد افزونتر ز باران

حسین هدی
۲۵ میزان ـ کندز

ساقی

سافی رايوه پياله دشراب غواړم
يار په غيږكي لكه چنگ ورباب غواړم
چې نسهباز لكه دځما په‌لاس وي
په گذارئی دهر تارنه جواب غواړم
كه‌په سم دستن كي اوښي تيروی‌نه‌شم
زه په جام دخپل نصيب كي درياب غواړم
پس خورده دتازي آس خره له داروده
دآيازنه خكه ناز دنواب غواړم
كه قصور دعبادت زمامعاف شي
په گناه به ځنگه رب نه ثواب غواړم
زه طالب احمد دين دومره نادان نه‌يم
چې ديره يمه په‌خوړكي سيلاب غواړم
«طالب‌احمد دين»

ويرينگ كانی
شاعر سياه امريكايی

بی‌تصوير

او زيبائيش را نمی شناسد
گمان ميكند كه بدن سياهش
شكوهی ندارد .

•   •   •

اگر ميتوانست برهنه برقصد ،
زير درختان كاج .
وتصويرش رادر آب رود ببيند ،
آنگاه ميدانست .

•   •   •

اما ، درخت كاجی
در خيابان نيست .
وآب ظرفشويی هم‌تصويری‌منعكس نميكند.

ملا رحمت الله

مرغلری

دهغونه زده‌کړه فن دمرغلرو
چه سینه ئی وی معدن دمرغلرو
دغواص غوندی محنت په‌درد دچار شه
هوا پرېږده دعدن دمرغلرو

چه یوه دانه داوښکو پری ورنکړی
که خوك درکړی درته من دمرغلرو
روح به خه حظ ځنی واخلی له حماده
ورته مه ځلوه تن دمرغلرو
کاش هردم «رحمت الله» پخپله تاته
سترگی ډکی کی‌لمن دمرغلرو

احمد
(د۱۳۵ پيری شاعر)

عاشقان كه صنم غواړی صنم دادی
سوختگان كه مرهم غواړی مرهم دادی
چه ئی لمر سپوږمی دحسن شانی نه دی
رڼائی ددرست عربو عجم دادی
حاجيان دورمی طوافی دكعبی كا
زه طواف دياردركړم حرم دادی
زندگی ددنيا غم دی راحت نشته

چه ديار غم يكښی ومری حرم دادی
يارچه مخ كله خرگندكاكله پټ كا
دغه مهرووفانه‌ده ستم دادی
دوزخ ندی چاليدلی په دنيا كښی
جدايی ستابه تحقيق جهنم دادی

پیوسته بگذشته

فریادهای مرگ

- قرار معلوم دیروز شام خانم پروتیرو از باغچه منزل آقای کلمنت عبور کرده است .

- آری، این درست است ووقتی میگذشت به اوسلام کردم واونیز گلهای مرابانظرتقدیر کننده نگاه کرد .

- میتوانید بگوئید این برخورد چه ساعتی صورت گرفت ؟

- تقریبا هفده هجده دقیقه از شش‌گذشته بود زیرا چند دقیقه پیش ازآن ناقوس کلیسا ساعت شش رااعلام داشته بود .

- خیلی خوب ، بعدچه واقع شد؟

- خانم پروتیرو گفت‌که به منزل آقـای کلمنت میرود واز آنجا باشوهرش یکجا بـه قصر خود شان برمیگردد . سپس از طریق درب حیاط وارد منزل آقای کلمنت شد .

- یعنی پروتیرو از درب عقبی وارد منزل جناب کشیش شد ؟

- آری . بشما نشان میدهم . سپس مـن ومدیر پلیس راباهیجان زیاد به باغچة منزل خود برد ودرب رابازنموده گفت:ازینجا.خانم پروتیرو ازطریق دهکده آمده بود .

مالچت گفت :

- میدانم. خلاصه اینکه خانم پروتیرووارد منزل آقای کشیش گردید ؟

- آری بخوبی دیدم‌که عرض حیاط راپیموده ازگوشه عمارت دور خورد . اما فکـر میکنم پروتیرو درآن لحظه آنجا نبود زیرا خانـم بی معطلی مراجعت کرد وبه آتلیة رسامی‌آقای ریدینگ رفت .

-میدانم. ولی آیاشما صدای سلاح بگوش تان خورد ؟

- درآنموقع نشنیدم .

- آیاخیلی بعد شنیدید ؟

- آری .. بنظرم اینطورآمدکه در جنگـل مجاوریاکمی اینسو وآنسو صدای فیری بلند شد ولی درهرحال این ... درهرحال این ...

میس ماریل خاموش شد وازشدت هیجان رنگش کاملا سپید شده بود .

مالچت سر تکانداده گفت : آری آری ... روی این مطلب بعدا توقف می‌کنیم شمالطفا داستان خودرا تمام کنید ... کجا بود ؟ خانم پروتیروبه آتلیه نقاش رفت .

- درست است . داخل شد ومدتی آنجا ماند . کمی بعد آقای ریدینگ از طریق‌دهکده پیدا شد . به‌درب حیاط منزل آقای کلمنت نزدیك شده نگاهی به اطراف خودافگند .

- وشمارادید، میس ماریل ؟

زن سالخورده کمی سرخ شد وجواب داد: خیر، مرانديدچه درست درهمان موقع من روی باغچه‌خم شده مشغول چیدن علف‌های هرزه بودم . اصلا خیشاوه کار دشواری است . درست موقعی‌که من سربرداشتم دیدم مـرد رسام ازدرمنزل آقای کشیش وارد شده بـه سوی آتلیة خود میرود .

- آیابه طرف منزل آقای کشیش نزدیـك نشد ؟

- خیر... خیر... مستقیما بطرف آتلیةخود رفت‌وخانم پروتیرواورادرمدخل آتلیه استقبال کرد سپس هردو بداخل رفتند .

آنگاه میس ماریل به شکل معـنی دا ری خاموش شد. من داخل صحبت شدم :

- شاید خانم پروتیرو تصویر خـود را میکشید .

میس ماریل مختصرا جواب داد :

- شاید .

- از آتلیه چه موقع خارج شدند ؟

- تقریبا ده دقیقه بعد .

- یعنی ساعت چند ؟

- زنگ کوچك ساعت کلیسا را شنیـده بودم . ازدرب عقبی حیاط خارج شـده راه افتادند . درهمان لحظه دوکتور ستون براهی که‌بسوی قصر قدیمی میرفت، روانه گردید وپس ازطی حاشیه راه به آنـان پیوست . غالبا چند لحظه بعد میس کروم نیز به آنان ملحق گردید دراینمورد زیاد مطمئین نیستم ولی تصور میکنم اخیرالذکر باید میس کردم بوده باشد زیرادامن پیراهنش خیلی کوتـاه بود .

- وقتی ازین فاصله دور میتوانید اشخاص رادیده تعیین هویت بکنید حتما چشمان خیلی قوی دارید ، میس ماریل .

- من درآن لحظه به تماشای یك پرنـده مشغول بودم ودرآن لحظه دوربین خودرا در دست داشتم. بهمین دلیل متوجه همراه شدن میس‌کروم به‌آنان گردیدم . طبعا باید آن‌خانم کلادیس کروم باید باشد.

مالچت گفت :

- امکان دارد ، وقتی اینهمه دقیق هستید آیاتوانستید متوجه شویدکه موقع خروج‌آقای ریدینگ وخانم پروتیرو درچهرة شان چه حالتی نقش بسته بود؟

پیرزن خندة معنی داری برلب رانده جواب داد :

- باهم حرف میزدند . چون درکنارهم‌بودند خیلی خوشبخت جلوه میکردنددرهرحال متوجه هستیدکه من چه میخواهم بگویم ؟

- پس سیمایی گرفته یااندوهگین نداشتند؟

- خیر، خیر ، بالعکس .

مالچت گفت :

- خیلی عجیب است . درتمام این جریان نوعی غرابت وجود دارد .

گفته های بعدی میس ماریل عادتا جان ما رابه لب رساند . درنهایت سوال کرد: مثل اینکه خانم پروتیرو ادعا میکند که قاتـل است.

مالچت نعره زد :

- این راچگونه حدس زدید، میس‌ماریل ؟

- من فکر میکردم چنین چیز ی اتفـاق می افتد . تصور میکنم لیتس عزیز هم‌باین فکر باشد اودختر ذکی وتیز هوشی است‌ولی زیاد صداقت ندارد . بگذریم . یعـنی آ ن پروتیرو مدعی است که شوهر خودش را به قتل رسانده است . من این حرف را باور نمیکنم آنهم ازازبان زنی بخوبی خانم پروتیرو خیر، من چنین روایتی رانمیتوانم قبول کنم. البته انسان نمیتواند نسبت بهمه اشـخاص اعتماد داشته باشدکه‌این حرف جداگانه‌ایست. من این مساله راقبلا حدس زدم. خوب نگفتید آن راجع‌به ساعت قتل چه میگوید؟

- ساعت شش وسی دقیقه . یعنی لحظه‌ای بعداز آنکه باشما صحبت کرده بود .

میس ماریل سرخودرا بامهربانی اینسو و آنسو حرکت داده پرسید :

- خوب باچه سلاحی اورا کشته است ؟

- باتپانچه .

- سلاح راازکجا بدست آورده ؟

- ازخانه باخود آورده است .

میس ماریل باقاطعیت غیر منظره ای‌گفت: این قسمت‌راست نیست میتوانم این‌راسوگند یادکنم . چنین چیزی نزداونبود .

- ممکن است شما سلاح رانديده باشید؟

- خیلی خوب میتوانستم ببینم .

- شاید تپانچه دردستکول او قرارداشته است .

- آن، درآن روز دستکولی باخود نداشت .

- بالاخره شاید جایی آنرا پنهان کـرده بود .

پیرزن نگاهی حقارت آمیز به مالچت افگنده گفت: شما بهتر میدانید زنان جوان با چـه لباس وقیافه ای ازخانه بیرون می آیند. هرگز فراموش نمی‌کنند که خداآنان را دربدو خلقت چگونه آفریده بود. (آن) حتی یك دستمال را هم لای جرابش پنهان نکرده بود تاچه رسد به يك تپانچه . این کاملا پیدا بودکه چیزی مخفی باخود ندارد .

مالچت روی عناد گفت: ولی این رابایـد قبول کنیدکه برگه هاودعای آنرا تایید میکند. مثلا ساعت‌که روی زمین افتاده بود، شش و ۲۲ دقیقه رانشان میداد واین ....

میس ماریل حرف اورابریده بمن گفـت : این موضوع ساعت چیست آقای کلمنت ؟

مساله راشرح دادم . مالچت ناراحت شده گفت چرااین مساله رادیشب به مفتش سلاك نگفتید ؟

- بدلیل آنکه اومرابه حرف زدن نگذاشت وازمن چیزی نپرسید .

- اشتباه شده، باید برای تذکراینموضوع اصرار میورزیدید .

- مفتش سلاك آنطوریکه در برابر شماآرام است واطاعت می‌کند، بامن این بردباری را نشان نمیدهد. اصرار من‌غیر ممکن بود.

- واقعه عجیبی است . اگر شخص سومی پیدا شده وادعاکند که پروتیرورا او کشته است، مسلما کارمن بدارالمجانین می کشد .

میس ماریل زیرلب گفت: میتوانم توصیه‌ای بشما بکنم ؟

- آری .

- به آقای ریدینگ بگوئید که خانم (آن) پروتیرو به قتل شوهرش اعتراف کرده وبعد هم اظهار عقیده‌کنید که بنظر شما هم «آن» ممکن است قاتل باشد .

بعدهم به‌خانم «آن» مراجعه کرده اطمینان بدهیدکه برای آقای ریدینگ، دیگر خطـری وجود ندارد . درچنین شرایطی است کـه هردو حاضر به‌گفتن حقیقت میشوند و ایـن خیلی نفع دارد. امامن یقین دارم‌که این دو عاشق بدشانس دربارهٔ قتل چیـز زیـادی نمیدانند .

ولی ازبین بردن پروتیرو فقط به نفع این دونفر تمام میشود .

پیرزن اعتراض کرد :

ـ اینطور نگوئید آقای مالچت .

ـ چرا؟ آیاچیز دیگری بخاطر شمامیگذرد ؟

ـ طبعا .

سپس شروع به‌شمارش انگشتان خودکرده گفت: یك، دو، سه ، چهار، پنج، شش وحتی هفت نفر . آری قتل پروتیرو بنفع هفت نفر است وهرهفت درآرزوی ازبین رفتن پروتیرو بودند .

مدیر پلیس درحالیکه حیران حیران به‌این بانوی پیرمی نگریست گفت :

هفت نفروآنهم درسنت ماری مید ؟

میس مارپل سرخودرا به شیرینی جنبانده اظهار داشت : امامن حاضر به معرفی اسامی آنان نیستم چه این درست نیست می ترسم اشتباهی رخ دهد. حقیقت راخدامیداندوانسانها کاملاآگاه نیستند ، آقای مالچت.

مدیر پلیس ترجیح داد خاموش بماند .

• • •

پس ازخروج ازمنزل میس مارپل ، آنچه افسر پلیس راجع به پیرزن میگفت چندان مناسب وخوب تلقی شده نمیتوانست : (این مادموازل پیرتصور می‌کند ازهمه چیز بااطلاع است . درحالیکه ازداخل این دهکده تایك فرسخ به مسایل پیچیدهٔ زندگی نمیداند.)

بملایمت توضیح‌دادم‌که میس‌مارپل‌راجع به‌آنچه دردهکده اتفاق‌افتاده معلومات خوبی میتواند ارائه کند. ومالچت اظهارات مرابادل نخواسته تایید کرد وگفت : درهرحال او شایدباارزشی است . مخصوصا ازلحاظ خانم پروتیرو . درگفتارش هیچگونه شبهه‌ای وجود ندارد .

ـ میس مارپل اظهارمیداردکه خانم‌پروتیرو تپانچه باخودنداشته است . واین عین حقیقت است زیرا اگر آن پروتیرو باخود سلاح میداشت میس مارپل حتما آنرامیدید .

ـ این قسمت درست است . حال برویم سری باین آتلیهٔ نقاش ریدینگ بزنیم .

آتلیه ساختمان کوچکی بود که از سنگ اعمار شده بود، یك درداشت ودر سقف آن شیشه کارشده بود. پنجرهٔ دیگری درآن دیده نمی شد. مالچت که اینك ازاینکه خروج رسام وخانم آن ، بدون آنکه دیده شوند . ناممکن است ، مطمئن بنظر میرسید، گفت : من ازینجابه مرکزمیروم وبعدر محبت مفتش سلاك نزدشما خواهیم شد .

وقتی ازدرخانه داخل می شدم یك سلسله زمزمه هابگوشم خورد. درب اتاق پذیرایی را کشودم‌دیدم گریزلدا باهیجان زیاد بامیس‌کرام صحبت میکند. گلادیس کرام جرابهای سپید بپاداشت ودرحالیکه پاهایش راورویهم افگنده بود گوش میداد .

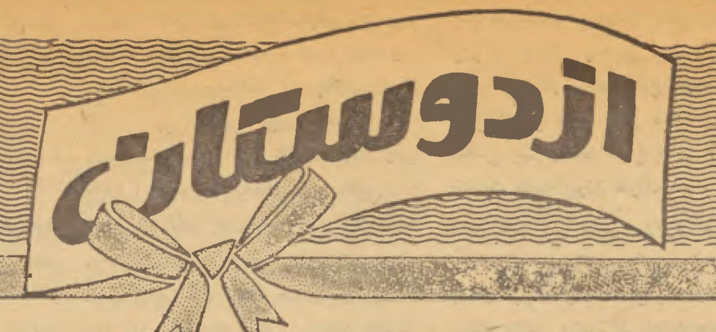
وقتی حرف گریزلدا تمام شد، میس کرام مرادیده گفت: صبح بخیرپدر مقدس . واقعهٔ پروتیرو خیلی وحشت آور است ، اینطور نیست ؟ وقتی خبرراشنیدم خیلی دچارحیرت شدم . باخودگفتم : عجیب است آیادرین دهکدهٔ بی سروصداوآرام آیا جنایتی اتفاق افتاده ؟ بی سروصدا بودن دهکده را البته ردنمیکنید زیرا دراینجا اقلایك سینما وجود ندارد . بعدش هم ازاینکه اطلاع یافتم او را کشته اندبازهم باورم نیامد زیرا تاجائیکه من می شناختم مردك تیپ قابل کشتن نبود. درهرحال این یك حادثه هیجان آور است ومن دلم برای یك سرگرمی هیجان انگیز سخت‌مشتاق بود. البته نه بخاطر اینکه کارم خسته کننده است . نه‌کارم خوب است وپول خوبی هم بدست می آورم. دوکتور ستون هم مردی بتمام معنی جنتلمین است ولی هر چه باشد انسان در ساعات خارج کاربه یك‌اندازه تفریح احتیاج دارد. درین دهکده راستش مصاحبی بهتراز شما سراغ ندارم خانم‌کلمنت بقیه یك مشت پیرزن صراف اند .

من گفتم: ولی لیتس پروتیرو هم هست .

میس کرام سرخودرا بیکسو جنبانده گفت: اوامثال مرابه نظرحقارت می بیند وخودراخیلی درسطح بالافکر میکند. ازینجهت حاضرنیست بادخترانی امثال من‌که خودرا بطریق‌کارزندگی خودرا تامین میکنند، به صحبت بنشیند . باری شنیدم وی اظهار علاقه کرده که خوش دارد ازطریق کار زندگی خودراپیش ببرد ولی چه‌کسی اورااستخدام خواهد کرد؟ دریك هفته اورا جواب خواهند داد. ولی اگربخواهد مانکن شود بااین وضع لباسی که می پوشد وشق ورق راه میرود، موفق خواهد شد ... آری بنظرمن لیتس فقط به دردابن شغل میتواند بخورد .

گریزلدا باسر اشارهٔ مثبت کرده گفت : آری لیتس میتواند مانکن خوبی بشود. اندام فوق العاده متناسب وزیبا دارد . راستی اوچه موقع این حرف رازدکه ازطریق کار میخواهد زندگی کند ؟

«باقیدارد»



گمشکو

دلا دلبردل آزار است گمشکـــو ... به قلبش مهر اغیار است گمشکو
ترا در آتش هجرش بسوزانـــد ... لبش گر لعل آبدار است گمشکو
بروز اولت گفت من تر ا دوست ... کنون دوستت ریاکار است گمشکو
به تنهایی بسوز و باالم ســاز ... قدش چون نخل بی‌باراست‌گمشکو
به مکروحیله گرید پیش رویـــت ... به پشتت مست‌گفتاراست گمشکو
نباشد در غم بو د و نبـــودت ... به مود (نو) گرفتار است گمشکو
خونت بر لب بمالد عو ض رنگ ... رخش چون نقش‌دیواراست‌گمشکو
به عرف وعادت فرتوت بـود بند ... سراپا پوش طومار است گمشکو
چو درخانه درآیی او بـر آیـد ... اگر شوقش به بازار است گمشکو
ندارد طـوق دانش یاکـه بینش ... بگردن زر بخـروار است گمشکو

به خواستهای زمان گرنیست تابـــع
نه بی‌دین بلکه دینداراست‌گمشکو

پویان سیدی

رفا نجفی

مهرگان

شراب کهنه آوربهرمن ای باغبان امشب ... جنون آمادهٔ عشقم دراین فصل خزان‌امشب
ز سوز قلب پر داغم مگر بلبل خبر دارد ... چومن پیوسته مینالد زهجر گلرخان‌امشب
شمال سرد پائیزی دل وجان مرا افســرد ... مگر از گرمی آغوش گردم شادمان امشب
بحسرت یاد می آرم بهار پار پغمان‌را ... فراموشم نگردد بزم وعیش دوستان امشب
بجزاز صحبت مستان نمی خواهددلم چیزی ... مددگاری کند باما مگر پیر مغـان امشب
بیاای مونس دیرین فراموشــم مکن دیگر ... به دیدار گل رویت‌مراکـن نغمه‌خواه‌امشب
جهان بیوفا راچون وفائـی نیست میدانم ... دل بلبل بلرزاند هـوای مهرگـــان امشب

سخنان نغز درباره زن

- زن بهترین وآخرین تحفهٔ آسمانی است.

(میلتون)

- زن کودکی است‌که باندك تبسمی خندان‌وباکمترین بی مهری گریان می شود .

(هرود)

- زن تانزاید دلبراست وچون بزاید مادراست .

(انگلیسی)

- قلب زن هرگناه مردرا می بخشدبه‌جزیك‌گناه وآن علاقه داشتن به‌زن‌دیگر است.

(روسو)

زن در عشق ضررنمی کند زیرا اگر ضررمی‌کرد هرگزدل به عشق نمی سپرد .

(گریگوری پك)

- آن جاه که ازدواج بدون عشق صـــورت‌بگیرد حتما عشق بدون ازدواج درآن رخنه خواهد کرد .

(فرانکین)

- یك زن که دانا ووظیفه شناس‌نیست‌نقش یك جسم متحرك رابازی می کند .

(ژرژساند)

- زن درجوانی معشوقهٔ مردودر زمان پیری پرستار اوست .

(بایکون)

ارسالی : آمنه ازولایت کندز

فکر او عمل

دیونان فیلسو فا نو په تیره بیا ارسطو ددی دپاره چه‌فکر له خطاؤ څخه سالم او محفوظ پاتی‌شی، یـو شمیر قواعد او کلیات ایښی دی چه دی‌قواعدواو کلیاتو ته‌منطق وا یـی ځرنگه چه‌دغه قواعد او کلیا ت په صوری اومادی دوو برخو ویشـــل شویدی نو له همدی کبله منطق هم دوه ډوله لری‌چه‌یوه ته‌زوړ اوصوری منطق وایی اوبل‌ته‌مادی اونوی‌منطق وایی دمنطق موضوع هغه کلیا ت‌او قواعددی چه دسم فکر په‌پیدا کولو کښی له هغو څخه‌کار اخیستل‌کیږی دغه قواعد یوازی تش خیا لی او- تصوری قواعد نه‌دی ،بلکه مهمه او اساسی برخه انسان دشعور پـــه مرسته له‌طبیعت‌او ټولنی څخه لاس ته‌راوړی دی نو یوازی طبیعت او ټولنه ده‌چه انسان ته یی سم منطـق ښودلی دی‌له همدی کبله انسان په دی‌پوه شویدی چه هره چاره چه‌له طبیعت او ټولنی سره سمون نه‌لری دداسی چاری په‌سرته رسو لوهیڅ سبك او قدرت نه لری انسان یوازی هغه څه کوی چه‌له طبیعت او ټولنی سره سمون لری اوداسی کارتـــه وړاندی کیدل چه‌له طبیعت او ټولنی سره سمون نه خوری عبث بو لی.

ځرنگه چه طبیعت او ټولنه یـو واقعیت دی اوواقعیت بی شمیـــره متضاد اړخونه‌لری‌نودهمدغو متضادو اړخونو یووالی اووحدت‌دټولو طبیعی اواجتماعی فعالیتو نو دعلت یعنـــی حرکت بنسټ اواساس دی دواقعیت اړخونه سره یوتر بله یو پربل‌اغیزه اوتاثیر کوی اوددی اړ خو نو تــر منځ ټینګ ارتباط اواړیکی وجودلری دواقعیت داړخو نو ترمنځ اړیکـــی یامثبتی اویا منفی انسان دشعور په مرسته دگټورو او مضرو اړیکو پـــه پیژندنه بریالی کیږی اود خپلی‌گټی دپاره له‌دغو اړیکو څخه کار اخلی ځرنگه چه‌حر کت مطلق او سکو ن نسبی دی یعنی دسکون په حالت‌کی هم یوډول حر کت شته نوویلی شو چه دواقعیت ټول اجزاء تل ترتلـــه متغییرمتحرك اوپر مختلونکی او په نوی رنگ ځرگند یږی، چه دغه‌نوی رنگونه له‌زړو رنگو نو څخه‌تو پیر لری اودنویو حالاتو له غو ښتنوسره سمون خوری‌هیڅ لیك‌ددغه پرمختگ مخه نه‌شی نیولی‌ددغه‌پرمختگ موقتی مخنیوی دهمدغه پر مختگ متا نت اوپو خوالی زیاتوی دواقعیت دبدلون اوپرمختگ علت یوازی حر کت د- واقعیت دمتضادو اړخو نو دمبارزی نتیجه ده‌مثلا که‌د واقعیت اړخو نو ترمنځ تضاد نه‌وای نو دغه وا قعیت به‌هیڅکله تغییر او تحول نکاوه نـــو ویلی شو چه‌دواقعیت‌دبدلون اوتحول اساسی علت په خپله په‌وا قعیـــت کښی دننه دی‌چه عبارت دواقعیـــت داړخونو له‌تضادو نو اوتنا قضاتـــو څخه دی‌دا چه بد لو ن او تحـــول پخپله داضدا دو لـــه مبــــار زی څخه عبارت دی او خارجی عوا مـــل په‌کښی مستقیمه برخه نه لری مثلا کله‌که‌په کوچنی کی عضوی لیـــك او قدرت نه‌وی چه وگر ځی نو که‌ده ته‌دگر ځیدو ټول وسا بل چمتو هم شی داکوچنی گرځیدی نه شی دا- کوچنی هغه وخت گر ځید لی شـــی چه‌دده غړی په خپله غښتلی اوقوی شی.

په واقعیت کی بدلون او تحـــو ل اورمرو مهال غواړی ځکه دوا قعیـــت زاړه اړخو نه اونوی اړ خو نه سره مبارزه کوی،نوی‌په‌زړو بریالی کیږی له‌منځه ځی‌او نوی وده اوانکشا ف کوی، نوی په خپله په‌زاړه کښی‌پیدا کیږی اوپه‌پای کی په عین حال کښی چه‌په زاړه متکی هم‌وی زوړ له‌م نځه وړی اوځای یی نوی نیسی دغه نوی اړخ نسبتاً دیوبل زیات نوی داخلی اړخ سره بیا په مبارزه لگیا کیږی په‌پای کښی زیات نوی بریا لـــی کیږی اونسبی نوی له‌منځه وړی په

پاتی په (٦٠) مخکښی

از لابلای دوسیه...

گوناگون صورت میگرفت تا در اثر آن، شخص متهم مجبور باعتراف ساخته شود ودر نتیجه سبب آرامش واطمینان و جدان محکمه گردد .

چنین حکم صادر شد که بایستی نخست دست هایش را ازبند قطع کنند و سپس خودش را زنده در آتش افگنند و اینگونه جزا ها بصورت استثنایی در مورد کسانی اجرا میگردید که مرتکب قتل پدر ویا مادر میشدند، اما در مورد همسراو، حکم چنان صادرگردید که وی‌رابدون قطع دست همچنان زنده وسالم در آتش بسوزانند .

مطابق بحکم محکمه ، سوال‌معینی ومورد نظر اجرا گردید ، طوریکه متهم را از دوشانه آوریختند وکره های بزرگ آهنین را درپا ها بستند و تمام اطراف بدنش را با تناب ها در هم پیچیدند وافرادموظف در حالیکه سر تناب ها را در دست داشتند بسمت های مختلف کش میکردند و عذاب بدان حد رسید که برخی از اعضای بدنش از هم جدا گردید وچون این عذاب در حقیقت ، عذاب در جریان تحقیق و به قصد اعتراف متهم انجام می یافت ، این متهم در آن حال نیز با کلمات لرزان وحزین پیوسته برائت وبی گناهی خویش را ابراز میداشت و مقاومت وتحمل او بحدی بود که موظفین‌همه در حیرت رفته بودند ومتهم‌درحالیکه کلمهٔ برائت وشعار اینکه دستش بخون مادرش آلوده نشده ، حکم محکمه نافذ گردید و اعدام وی انجام گرفت اما او همانطور بدون اعتراف از جهان رفت .

قبل از اعدام ، مردم همه درعرض راه در انتظار رسیدن متهم بودند وچون اورا دیدند برخی کلمات‌زشت وطعن آمیز بوی حواله کردند و او پیوسته برائت خویش را بر زبان داشت وچون به محل موعود اعدام رسید ومحل آتشی را که اکنون‌دران انداخته میشد بچشم دید باز هم اصرار خویش را دوام دادند تابقتل اعتراف نماید ، ولی او میگفت : «مغفرت میخواهم از خداوند در گناهانی که از من سر زده است ولیکن از گناهی که هر گز از من سر نزده چه مغفرت‌بخواهم ؟»

درعذاب و شکنجهٔ او بحدی‌مبالغه وافراط صورت گرفت که نظیر آن در تاریخ محاکمات جزایی آنجا سراغ نمیشد . مقاومت‌وکلمات‌پراز راستی متهم تاآنجا درروحیه گروه‌مشاهدین آن عده‌ایکه چند لحظه قبل‌اورا بحیث مجرمی ناپاك مورد لعن قرارمیدادند واعدام وی را در وحشیانه ترین وضعی مطالبه میکردند ، تاثیر انداخت که همه از نظر خویش برگشتند و خواهان عفو او شدند و همه اورا بی گناه و بری الزمه خواندند ، اما چه چاره که دیگر کار از کار گذشته و او در میان آتش پدرود زندگی گفته بود .

این احساس که شخص‌متهم اصلا بی گناه است در میان مردم پهن ترشد و در نتیجه عدهٔ زیادی‌ازمردم بمقامات مسؤول عارض شدند تادر بارهٔ موضوع تجدید نظر دو باره صورت بگیرد و موضوع نزد لویی پانزدهم رسید و امر صادر کرد که بموجب آن حکم وقرار محکمهٔ استیناف که در نهم نومبر سال ۱۷۷۰ در مورد این متهم صادر شده بود نقض و فسخ گردید،درعین حال «ولتر» نیز که ازین جریان نهایت متأثر شده بود انتقادات شدیدش را علیه نظام وقانون عدالت آنجا وارد ساخت و ضمن هزاران نسخه‌نشرات جریان موضوع و دور از واقعیت بودن آن را بگوش همه مردم رسانید .

اطبای معروف جراحی احضار شدند و مجلس بزرگی تشکیل‌گردید تا حقیقت موضوع روشن شود که علت مرگ آن زن چه و مسؤلین محکمه نیز روی چه دلیلی واستنادی اینگونه فیصله و حکم صادرکرده‌اند، در مجلس همه جوانب قضیه چه از نظر طبی وچه از نگاه قانونی مورد مباحثه قرار گرفت و بالاخره ثابت شد که سبب مرگ زن مذکور حملهٔ قلبی بوده که در اثر خوردن افراطی مشروب الکلی اتفاق افتاده و چون او بی اختیار بر زمین سقوط کرده لذا این جراحات و صدمه ها را بار آورده است واز نگاه دلایل طبی وجراحی هیچ دستی درین حادثه دخیل نیست ، ازانرو حکم محکمه درین باره عاری از حقیقت ودور از هرگونه دلیل قانونی است ، ولی افسوس که اکنون شخصی بموجب این حکم با درد ناکترین حالی زندگی اش را از دست داده است .

در نتیجه بتاریخ ۸ اپریل سال ۱۷۷۲ حکمی در بارهٔ برائت و بی گناهی این زن و مرد صادر گردید، ولی چه حاصل که این حکم در برابر یك عمل انجام شده قرار داشت، مردم در حالت تأثر میگفتند: این قربانی انحرافات قضایی، چه‌شهیدی است بزرگ و عالیمقام !»

هستم میباشم

حیران میماند ونمیداند چه کند؟ـ بالاخره ازانتوانت وقت میگیرد تادرباره فکر نماید .

کنتس، خاله هوبرت سخت مخالف طلاق است . ازاینرو نمیداند چگونه موضوع رابه کنتس بفهماند .

روزی کنتس نیزازموضوع باخبر میشود . این صحنه نیز تماشایی وجالب است .

همه هنرمندان نمایشنامه دررول خود موفق به نظرمیرسند وکمتر خلایی درکار هایشان بملاحظه میرسد، تازه این هنرمندان حرفه‌ای نیستند ودرهمین جا درکابل همکاری خویشرا بامرکز کلتوری فرانسه شروع نموده اند که به این اساس میتوان بازی شان را تحسین نمود، به دیده قدر نگریست وچشم گیر دانست .

چندنفر محدودازهنرمندان این‌کمیدی سابقهٔ خیلی‌کم ازهنرتیاتر دارند وبس .

موقعیکه کنتس ازواقعه ایکه به وقوع پیوسته مطلع میگردد، مجبور میشود تاکوشش نماید موقعیکه کاردینال به آنجا آمد از موضوع چیزی نفهمد اظهار میدارد که اگر کادرینال ازموضوع آگاه نشد و خواهرزاده دیگرخودرا یعنی برادر هوبرت را کاردینال مقرر نمود به طلاق آنها موافقت خواهد کرد.

انتوانت که نامزد خودرا نیز باخود آورده درقصر مدت کوتاه راسپری مینمایند .

درین مدت هوبرت تغییر عقیده داده وحالا میخواهد تابا همین انتوانت اصلی زندگی نماید .



گوشه‌ای ازصحنه‌ای درام هستم میباشم دراديتورم لیسه استقلال

نامزد انتوانت نیز بایکی ازخدمه های قصرآشنا میشود وپنهانی باهم ملاقات نموده وعاشق سینه چاك یکدیگر میگردند .

صحنه دیدنی دیگر این نمایشنامه موقعی است‌که کاردینال ازموضوع باخبر میشود وآن وقتی است که کاردینال درتراس‌مشغول‌مطالعه میباشدکه زمزمه عاشقانه هوبرت وژیزیل را میشنود ، ازین بابت خیلی مایوس میگردد وانتوانت را که فکر میکندخانم اصلی هوبرت است ازجریان باخبر بسازد، امامتوجه میگردد که انتوانت هیچ عکس‌العمل منفی ازخودنشان نمیدهد. کاردینال سخت متعجب میگردد .

بالاخره هوبرت تصمیم میگیردکه باانتوانت مرسیه زندگی کند. ژول وآن خدمه اظهار میدارندکه میخواهند باهم ازدواج نمایند .

به ژول ومعشوقه‌اش، انتوانت مرسیه‌وعده میدهد که آنهارا سرپرست رستوران خود در پاریس مقرر نموده است .

ایزابل دیلوی درنقش ژیزل که خوب درخشیده قصرراترك گفته وازآنجا دورمیشود.

ژی میشل کربوکه یکتن از معلمین لیسه استقلال است رول وکاردینال رابه عهده‌دارد وضمنا دایرکتر نمایشنامه نیز میبا شد وتوانسته است بابازی اش تماشاچیان‌راراضی نگه دارد ، درحالیکه هنوز هم ازقضایا سر درنمی آورد بابی صبری تمام‌که برای اقامت مختصربه آنجا رفته بود، ازقصربیرون‌میشود.

پرده پایین میاید، نمایشنامه به پایا ن میرسد وتماشاچیان که هنوز هم بیاد صحنه های‌نمایشنامه خنده بردهان دارند سالون ادیتوریم راترك میگویند .

دغابنونو په ډاکټری ګنبی

کړی شی اود غابنو نو دوینځلو په ـخت ګنبی باید دمسواك نیما یــی برخه دغابنو نو پهمځاونیما یی نوره برخهیی دغابنو نو پهاړخ والګیری دوهمه داچه هغه وکړی چهدغابنو نو ترمنځ ځایونه اوپهتیره بیا هغه غابنو نهچه یودبل سرهزیات نښتی وی دغابنونو دمخصو صو تارونو پهوسیله پا ك کړی.

دریم داچه هغه تابلیتونه چهدـ غابنونو ډاکټر تاسی ته در کړیاو بی ضرره دی وژویی دغه تابلیتونه دغابنو نودباکتریو ټوټی راسپړیاو تاسی کولی شی چهدهیندداری پــه مرسته هغه ووینی دغه برخی بیاپه مسواك ومړی ترڅو ښی پاکی شی.

ښرنګه چه ښیړنو ښر ګنده کړی ده دباکتریو ټوټی کولی شی چهپه ځلیر ویشتو ساعتو کبنی بیاجوړی شی کههره ورځ مسواك وهلوتهدوام ورکړی ستاسیغابنو نهبهد باکتریو لهناحیی څخه دضرر او خطر څخــه خوندی پاتی وی.

دغابنونو ډاکټران یقین لری چه پهدغو لارو عمل کول بالا خــــره ستا سی غابنو ته روغ وساتی.

دغابنو نو ډاکټران وایی چهدفلور لهمادی څخهاستفادیدامریکی پهزیاتو ښارونو کبنی دغابنو نو خرا بوا لی اوچنجی خوړل پهناځاپی او حیراـ نوونکی توګه کم کړی دی.

دفلور څخه داستفادی فکر ۱۹۰۰ کالونو په لومړیو وختو نو کبنیپیدا شو یعنی هغه وخت چه دکلورا دو پهایالت کبنی دغابنو نو ډاکتـــر لردریك مك کی دی تهمتوجه شوچه ددغه ایالت دخلکو غابنو نه قهـوه ایزه بنه لری اوپه دی ترځ کیهمدغه خلك ډیر لږ دغابنو نو پهدرد اود غابنو نو پهریژیدو اختهوو ډیر کلونه تیر شول ترڅو ښرګنده شوه چــهد هغوی دغابنو نو دقهوه ایزی بنـی اود چنجیو خوړلو داندازیدکموا لی علتهغه څهوو چهدهغوی دڅښلو په اوبو کبنی یيځای نیولیو او هغه د فلورڅخه عبارتوفلوریوډول کیمیاـ وی ماده ده چه غابنو نو جذبکړی اوهغه یی سخت او کلك کړی دیاو پهنتیجه هکبنی دچنجی خوړ لو پــه ناروغی لږ اخته کیږی پهپای کبنی ښیړونکو داخبره ښر ګنده کړه چهپه

اوبو کبنی دفلور دمادیدانداژی په کمولو سره کیدای شی چهد غابنو دبدرنګی مخه ونیوله شی پدا ســی حال کبنی چهد غابنو نود کلکوا لی اغیزی هم کمی نهشی.از ما یښـــت وښودل چهد څښلوداوبو پهیو ملیون برخو کبنی دفلور اته برخی دغابنو درنګ دتیزوا لی سبب کیــږی او یوازی یوه برخه فلور دڅښلو داوبو پهیوملیون برخو کبنی کو لای شی چهد غابنونو سرونه کلك کړیاود غابنونو دخرابوالی اندازه پهسلوکی لهپنځو سو څخه تر شپیتو پوری لږه شی.

ددوهمی جهانی جګړی نه وروسته ددغوښیړنو نتیجه دعملی کولوپراوته ورواندی شوه اود هغوپهباره کبنید نیویارك دایالت پهدوو ښا رو نوکی چهیویی نیوبرګ اوبل یی کینګستاون وازمایښت وشودنیو برګد ښار د څښلو پهاوبو کبنی یوه برخه فلور پهیو ملیون بر خو کبنی زیا تهشوه خود کینګستاوندښار خلکو او بــه له فلورنهپرته وڅښلی تاکل شویوه چه دغه ښیړنه تر لسو کلونو پوری تعقیب شیمګر دنیوبرګ دکوچنیانو دغابنونو دچنجیو خوړلو دانـــدازی کموالی دومره زیات اود حیرا نتیا وړو چهلار ښوونه وشوه چه دلسو کالونو لهپای تهرسیدومخه دامریکی دټولو ښارونو دڅښلو په اوبو کبنی دفلور ماده زیاته شی.

نن ورځ ۹۵ ملیونه امریکا ییانیا دهغه هیواد دنفو سو نیمایی برخه فلور لرونکی اوبه څښی اوپه ملیونو نور خلك هم ځیل غا بنو نه پــه فلور لرونکی کریمو وینځی لهدینه پرته دغابنونویوزیات شمیر ډاکتران دخوانانو غابنو نه دفلور پهوسیلــه تداوی کوی.

ددیسره سره دفلور لرونکواوبو څښل دټولو خلکو دپاره یو ډولګټه نهلری اوباید پهدی برخه کبنیځینی شرا یط پهنظر کبنی ونیول شیاول داچهباید دغه ماده په ځوانی کبنی سړی ته ورکړی شی ترڅو اغیزمنه واقع شی فلور په لومړیو کلونو کی چه غابنونه وده کوی دغابنو نودبوی برخی بنه غوره کوی، هغه کسانچه غابنونو یيپه کافی انـــدازه وده کړیوی هغوی لهفلور څخهتر یوی

اندازی پوریدساتنی استفاده نهشی کولی، سر بیره پهدی یوزیا تشمیر امریکا ئیان یعنی لههرو څلورو تنو څخه یونی یی ځیلی دڅښلو اوبــه لهځاه څخهترلاسه کوی چهپه هغوکی فلور اچولی نهشو.

لهدی امله دغابنو نو دډاکتریدڅانګی پوهان هڅه کوی چهدساتنی نوی طریقی پیدا کړی.

دمیکرو بونو په مقابل کبنیدـ غابنو نود ساتنی دپاره یوه لارهداده چه قند لږ وخوړل شی څکه پوهان دی نتیجیته رسید لی دی چهدغــه باکتری پهقند دخوږو شیانو کبنی وده کوی اوضمنا خواږه شیاناسید تولیدوی اواسید هم دغابنو نــود خرابی سبب کیږی. لهدی املهچــه هرامریکا یی پهمنځنی ډول په کا ل کبنی د٤٥ کیلو پهشا وخوا کیقندی مواد لګوی شك نهشته چه خوراکی تاوړه رژیم بههغویتهصد مه ورسوی دغه مطلب پهتیرهبیاپههغو کوچنیانو کبنی زیات صدق کوی چهد خوږو اوخوږو لرونکو شیانو دخوړ لــو سره زیاته علا قه لری.

لهدی امله چه دخوږو شیا نـــو دخوړلو څخه دکوچنیانو مخه نهشو نیولی نو پوهان دهغوی دغابنو نــو دساتنی دپاره بله لاره پیشنهاد وی دمثال پهډولدغابنو نواو میکروبونو ترمنځ دساتنید یوسپر په جوړ ولو سره دهغوی دغابنو دساتنی ســره مرسته کیدلی شی.

پوها نو له کلونو کلونو ازمــاـ ینښتونو نهوروسته یو ډول پلاستیکی ماده جوړهکړی ده اود غابنو نو په مخ مزل کیږی اوپه لږه موده کبنی وچه اوسخنیږی او دغابنونو دپاره یونامریی پوښ جوړ وی دغه پلاـ ستیکی پوښ دوه مشکله ایجادوی لومړی داچه یوازی دغابنو نودیـــو ډول فساد په مقابل کبنی اغیز من دی اوهغهله هغه فساد اوخرابوالی څخه عبارت دی چهد غابنونو پـــه غاړو پیدا کیږی.

دوهم سره لهدی چه دغی مادیپه ازمایښتو نو کبنی مطلو به نتیجــه ورکړی دهښرنګه چهد کار له پیل څخه تراوسه پوری زیاته موده نه تیریږی نود غابنونو ډاکتران نهشی کولی بیخی ډاډورکړی چهدټولوخلکو دپاره به مطلو بی اغیزی ولری لهدی نهپرته نوموړی پلاستیکی پو ښ باید کله کله بدل شی.

دغابنونو دساتنی دپاره نـــوری لاری دغا ښونودښیړ نیدملیمؤسسی دپوهانو پهوسیله پیشنهاد شویدی چهد غابنونو دروغتیا دمسؤولودولتی اداروڅخهده ددغه پرو ګرام هد ف ډیر ساده دیاو هغه دغابنونو دټولو خرابیو لهمنځه وړل دی.

دهغو نظریو لهجملی څخه چــهد غابنونو دروغتیا دساتنی دپاره یی سپارښت شویدی یوهم داده چهدـ باکتریو دتولیدوو نکو میکرو بو نو دلهمنځه وړلو دپاره واکسین تطبیق کړی اوپه آنتی بیو تیکو نولرونکو اوبو باندی غابنونه ووینځل شی. دغه اوبه میکروبونه وژنی او حتــی دفلور څخه هم ښه غابنونه کلـك ساتی ددغو نظریو څخه یوه یی هــم تراوسهپوری استفادی تهتیارهنه ده خوامید دیچه ځینی نظریی به یی تر څور تالمونکو کلونوپوریلهلابراتوارونو څخه را ووځی اود غابنونو ډاکتران بهدغابنو نو دنارو غیو په تداوی کی استفاده تری وکړی.

ددی په څنګ کبنی لکه څنګــه چهوویل شول دغابنونو دډاکترا نو کتنځی بهتردی وروسته دخلکودپاره دویړی اوډار ځای نهوی په لومړیو کلونو کبنی دغا بنونو ډاکتر تـــه دورتللو دګټو څخه دخلکو خبرول به ددیسببشیچهدامریکی راتلونکــی نسل بهد غابنونو ډاکترته دورتګ څخه څه ویره اوډار نه لری.

دغابنونو دناروغیو کنټرول اوـ مخنیوی تقریبا دمخنیوی وړ ناروغیو څخه دغابنونو ساتل دامریکی دغابنو داوسنیو ډاکترانو ستر هدف دی اوسنی اقدا مات اوفعا لیتونــــه ښرګند وی چهتر څو نورو لسیـزو پوری په متحده ایا لاتو کبنیدغابنو د ډا کتر ی کسب دکسبو نو نـــه ردیف څخه ووځی.



اطلا عات وکلتور

رئیس تحریر: محمد ابراهیمعباسی

مدیر مسؤل نجیب رحیق

معاون :پیغله راحله راسخ

متهمم: علی محمد عثمان زاده

تیلفون دفتر رئیستحریر۲٦۹٤٥

تیلفون منزلر ئیس تحریر۲۲۹٥۹

تیلفون دفتر مدیر مسوول ۲٦۸٤۹

تیلفون ارتباطی معاون ۱۰

تیلفون منزل معاون ٤۰۷٦۰

سو چبورد ۲٦۸٥۱

مدیریت توزیع ٥۹

آدرس: انصا ری وا ټ

وجه اشتراك:

درداخل کشور ٥۰۰ افغانی

فامیل پر معلومات

یك شب که با اعضای فامیل پولدار- زاده دور یك میز نشسته بودم ازمن خواستند تادرباره موضو عی صحبت کنم ناچار گلویم راصاف کره بـــه سخنرانی آغاز نمودم ،میخوا ستم درباره سیا ست حرف بزنـــم، از استعمار وامپر یالیزم ،مشکلا ت کشور های روبه انکشا ف، بلا ك های سیاسی وخلع سلاح صحبـت- نمودم،دیدم، قیافه های همگی شا ن درهم رفت.

خشویم طا قت نیاورده گفت:

-خلع سلاح.. ای چه مز حر فات اس بعو ض ایکه راجع به دست پخت مه صحبت کند چه میگه انسان به خوراك زنده اس.. چراازخوردنی ها گپ نمیزنی.. آدم باید وقت خوده صرف معلو مات غذایی کند آخر گفته اند که عقل سلیم درشکم سیر است مه خوبه دخترم گفته بودم که سرای بچه بوی قورمه چلو کوفته دارمیتـه.

نامزدم در حالیکه ازخشم مثل لبلوی فندی سرخ شده بود گفت،

-چرا درباره سینما صحبت نمی کنی ..ای چه چرند یا ت اس کـه- میگی

برادرش هم اعتراض کرد:

-بابا از فو تبا لیست ها گپ بزن یا قهر مانان زیبا یی اندام.

وخسرم انتقاد نمود:

-پرند گان ،،خز ند گان. پستا- نداران ازدنیای اینها حر ف بـزن ماره به استعمار وخلع سلاح چه غرض دنیای سوم وممالك روبه انکشا فـه چه کنیم؟

خلاصه دیدم وضعم بکلی خرا ب است، یا از وصلت با این فا میـل دست بشویم ویاباید «آدم» شـوم یعنی آدم پر معلو ماتی که به سازهر یك ازاعضای فامیل پو لدار زاده- رقصیده بتوا ند، خلا صه من آد م دلخواه آنها شدم، آخر خسرم کار خوب وچو کی قشنگی برایم دستو پاکرده بود.

بعداز آن من فهمیدم که چگو نه بحث کنم ،ولی مشکل من این بود که باید زمانیکه تمام اعضای فامیـل پولدار زاده یکجا هستند طـوری صحبت کنم که دل همه را بدسـت آورم،آنوقت سخنرانی من چنین شکلی رابخود میگر فت.

-عرض کنم حضور شما کـه فرا نك سینما ترا اخیرا بـرا ی ششمین بار ازدواج نموده ولـــی برژیت بار دوکی از اوپس می ماند اوهم شوهر هفتم خودرا عنقر یـب طلاق خواهد کرد اما جالب اینست که زرافه عجب گردن درازی دارداین گردن دراز کمك میکند تا برگ های درختان را خورده بتواند خر طـوم فیل خیلی بدردش میخورد ولی یـك قاشق مرچ، قدری لیمو مقداری لوبیا نخود ،گندم وبا قلی آش را فوق- العاده مزه دار می سازد گر چه محمد علی کلی هنوز هم یکه تاز میـــدان بوکس وپله ستاره فو تبا ل است ولی پلنگ افریقا یی ومار بووا از خطر ناکترین حیوا نا ت محسو ب میشوندوباید علاوه کرد که کاباره مولن روژ درشانزه لیزه پاریـــس محل تجموغ ستاره های سینمـــا است و..

بلی طوریکه می بینید حالا آدم پرمعلو ماتی شده ام راستی خو ب شد یادم آمد، اکنون من باید سری به باغ وحش بزنم تاحر فهای تازه ای برای خسرم داشته باشم وضمناً بایست کتا ب آشپزی مد رن را با چند عکس فلمی خریده باخود برای نامزد وخشویم ببرم.

شرایط عادلانه زیست و کار

شده تجار ب گرانبها و سنت های ارزنده ای با خویش دارند که بـا تحلیل خاص شرایط اجتما عی قابل تطبیق به حسا ب می آیـــد.و کنفرانس های بین المللی راه تباد ل افکار وآموختن تجر به های علمـــی وثمر بخش راباز می نماید .

آنچه نمایندگا ن کشور هـــای افریقا، اسیا و امریکا ی لاتین طرح مینماید به یقین باهمه مختصات بین- المللی، مطالب مذکور نشانه های ملی وقاره وی را باخود دارد وبر عکس صحبت نمایندگا ن کشور هـــای مترقی از نتایج مبارزا ت نمایندگی می نماید که برای زنان کشور های عقب گذ اشته شده آ مو زنـــــده است.

این تبادل افکار و اتخاذ تصامیم درطول سال ۱۹۷۵ به سویه ملی وبین المللی چنان ذی اثر وباتاثیـر است که باگام های بعد ی در د هه انکشاف زن وآتیه نهضت پیروزمند زنان چهره جهان را دگر گو ن - خواهد نمود وآن اینکه امرو ز همه انسان دوستا ن وطر فدارا ن عدالت اجتماعی و رفاه همگانی . آ ینده سعادتمند رادر پیوند تساو ی زنان بامردان بدو ن تبعیض در همه ساحه هامی بینند وامید وار ی ها ازجهتی هم دوبالا می شود که کشور هـای مترقی و ساز مان های آزاد ی - آفرین ومردان آزادی دوست وآزادی پسند جهان یکجا بازنا ن، د ست بدست هم در رفع مظالمی مـــــی کوشند که سالهای سال برابر طول تاریخ بر زنا ن تحمیل شده است.

در اعلا میه ، اختتا میه کنفرانس ماسکو خوا ست اساسی و انسا نی کنفرانس راتامین صلح پا یدار و دایمی جهان، رفع تبعیض لسـا نی ونژادی وایجاد محیط مصئون از بی عدالتی های اجتما عی خاطر نشان ساخته واز مبا رزه مردمان جنو ب آسیا، کشور های عر بی و مبارزان فلسطینی و مما لك تحت استعمار قویاً دفاع گردیده است.

به امید تدویر کنفرا نسها ی ملی وبین المللی زن

زند باد نهضت ملی وبین المللی زنان.

زندگی انسان

درست نکند وار غنایم وداشتـه های آن به نفع خود استفاده نکند وتـمدن خویشرا ازین طریق وسعت نــــه بخشد ؟

چنانچه در هسپانیه پلان هـا ی اعمار خانه های تحت البحر ی نیـز رویدست گرفته شده است.

-بشر بااین تمدن نوین یعنی با آغاز زندگی دربحرمیتواند به طبقات مختلف بحر آشنا شده بز ند گـی خرچنگ ها، ماهیان ،نهنگ هـا، صدف هاوسایر موجو دات بحـر ی که شاید خیلی ها برای زند گی بشر مهم نافع وارزشمند باشد آشنایی یابد .زیرا ابحار نیز در قلبـــش خزاین را نهفته دارد .

طوریکه میدانیم کانال هـــا ی منگان همه درسطح ابحار قرار دارد گذشته ازآن ابحار دارای منرال ها میباشند واگر ما همه منرال ها را امتزاج دهیم همه قارها از پنجـــاه مترمنرا لها پوشیده شده میتوا ند بهمه حال اگر بشر مستقیما دربحر اقامت اختیار کند ویانکند بو جود اقیانوس ها وابحار تازنده است نیازدارد ومفکوره اعمار شهر هـای زیرآب بوسیله دانشمندان جاپا نی درنوع خود بیسابقه وعالی است .

نمایشگاه آثار

چنان باآن انس گرفته که بگفته خودش وقتی میخواهم پورتریتی رسم کنم تنها یکبار لازم است تاچهرهٔ یك افغان راببینم از ینرو آرزو داردکه مدت زیادی رادرین کشور سپر ی نماید گرچه چندی بعداو بوطنش خواهد رفت ولی آرزوی بازگشت به افغانستان را ازهمین حالادرذهن خویش دارد .

(نانا) که درپورتریت های خویش نام های چون «عبدل» ، «گل جان» وغیره گذاشته نه تنها چهره هادرآن تابلو هاخیلی بواقعیت کشیده شده بلکه نام های انتخابی آن نیز باواقعیت توام است وقتی متوجه شدم که یکی ازتابلو هایش «قیمت عروس» نام داردبرآن قیمت زیادی راگذاشته پرسیده شدکه ازچه میدانی عروس هاقیمت دارد وبه پول خریدو فروش میشوند گفت :

- این یك واقعیت است که عروس دارای ارزش است واین درمیان مردم اروپاومخصوصا جرمن هامتداول است که میگویند : (عروس با ارزش) وغیره که من هم روی همین علیـــه ارزش زیادبه این تابلو قایل شدم .

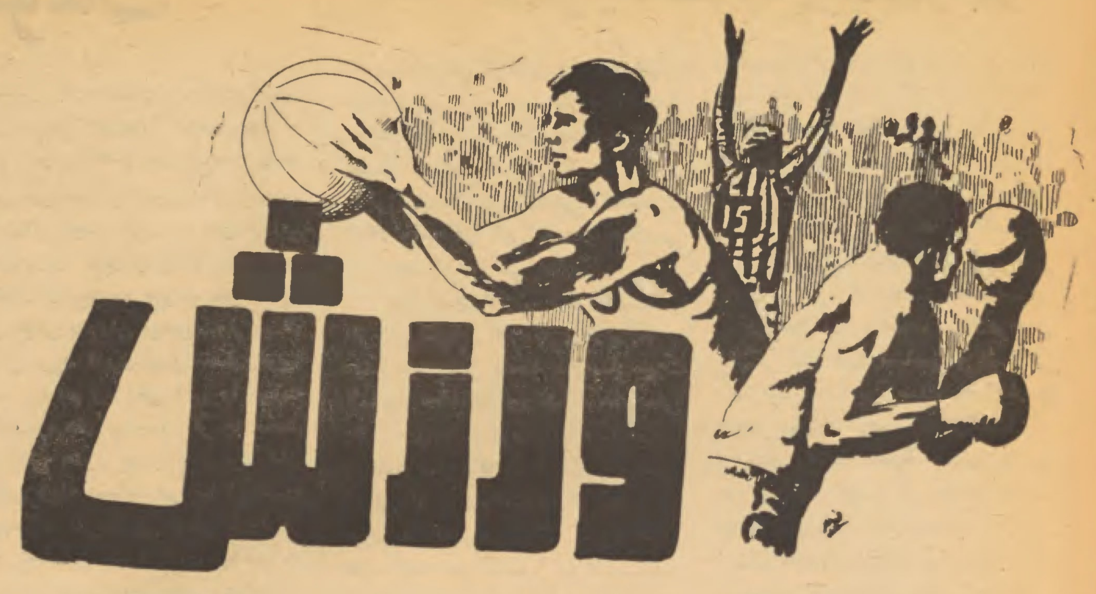
از(نانا) پرسیدم که آینده هنر رادر جهان چه میبینی گفت :

- هرجاکه رویم وهرسبکی راکه انتخاب کنیم وهرمکتبی راکه بوجود آوریم بالاخره به ریالیزم روخواهیم آورد وآنرا نمیتوانیم ازبین ببریم .

وقتی خواستم هنرش رابا یگانه طفلش در معرض مقایسه بگذارد وبگوید که کدامیـك نزدش ارزش بیشتر دارد این مادر که واقعا احساسات مادری اش طغیان کرده بود گفت: اگرروزی مصروف نقاشی باشم وطفلم گریه کند همان لحظه است که هنرم فراموشم خواهد شدوبدنبال طفل خویش خواهم رفت نه بـه عقب نقاشی هایم ولی اگر شوهرم مانع کارم شود جداً دنبال نقاشی راخواهم گرفت وبـه تقاضای اوتوجه زیادی نخواهم کرد.

آخرین پرسشم راازا میرمن (نانا شورماير) چنین مطرح کردم که اگر روزی خواسته باشد که پور تریتی ازخود بکشدچه سبکی رابکار خواهد گرفت.

درحالیکه میخندید گفت: من ازکوبیزم پیروی خواهم کرد ولی ازریالیزم بیرون نخواهم شد.



تیم فتبال کابل به عراق میرود

یازدهمین دور مسابقات فتبال جوانان آسیا روز۲۹ عقرب درعراق دایر میشود .

هیات بیست ودونفری فتبال بازان افغانی غرض اشتراك درپانزدهمین دور مسابقات‌فتبال کشور های آسیایی که درعراق برگزار میشود یك سلسله مسابقات فتبال‌رامطابق به‌پروگرام مرتبه فدراسیون فتبال آسیایی باکشور های بنگله‌دیش، عراق، عربستان‌سعودی،هندوستان نیپال وقطرانجام خواهند داد .

بعدازختم این مسابقات تیم هائیکه در ین دورسهم میگیرند برای باردوم به‌کشور بنکاك وبرای بارسوم به هانکانگ دور هم جمع‌میشوند ومسابقاتی راانجام خواهند داد و

تیمی‌که فعلا بنا م فتبال افغانستـــان در یازدهمین دور مسابقات فتبال کشور هـــای آسیایی اشتراك میکند ازنگاه تشکیلات خود خوب است ولی ازنظر استراتیژی مسابقـــه چندان آشنائی ندارند ودربین بازیکنان ایـن تیم جوانان خیلی خوب ورزیده وآزموده دیده میشودکه ازنگاه تاکتیك تخنیك خو ب بازی موفق هستند ولی عدهٔ هستندکه درین شرایط خاص بازی‌که اشتراك عده یی زیاد از فتبال بازان ماهر وچیره دست کشور های شرکت کننده میباشد آنان کمترآموختن وکمتر خودرا باساسات وپرنسیپ های فتبال امروز آشنا ساخته که این نقیصه در چنین مسابقات خلای بسا بزرگ وجبران ناپذیر است بودند عدهٔ‌که عضویت رادرین تیم‌حاصل نمودندازعدهٔ همچو مسابقات باشرکت شان به خوبی بدر آینـد، زیراآنان باتجربه ترچیزفهم ترومیدان دیـده تراند که کمیتهٔ انتخاب تیم اندکی توجه به خرچ میداد به یقین کامل گفته میتوانیم کـه نتیجه خوبتر وبهترحاصل میشد امید اســت جوانان پرقدرت وآزموده که درین مسابقـــات شرکت میکنند بانتایج خوب وسودمند بـــه کشور باز گردند .

ع - لطیف



پله همه گفته هایش رابه دالر ترجیح داد



پله مروارید سیاه بازیکن سرشناس فتبال جهان از گوشه‌گیری خارج میشود به همه‌گفته هایش که پشت پامیزد برای دیگر داخل میدان سبز فتبال میشود .

اوکه قول داده بود دیگر پیراهن تیمی رابه جز سانتوزرابه تن نکند وی به تمام قولهای خود وفانکرده همه گوشه گیری وقول دادن‌ها رابه دلارترجیح داد .

پله می گوید: خودش میداند که چـه در انتظارش است ومی افزاید همه فکر می‌کنند که فتبال امریکا درچه حالتی قـــرار دارد و هیچکسی آنرا جدی نمی‌گیرد ومن پی برده ام که حریفانم بامن هیچ معامله یی ندارند من برای دفاع ازخود وتیم‌که درآن عضویت را قبول میکنم باید همیشه در شرایط بدنی‌کامل قرار داشته باشم.

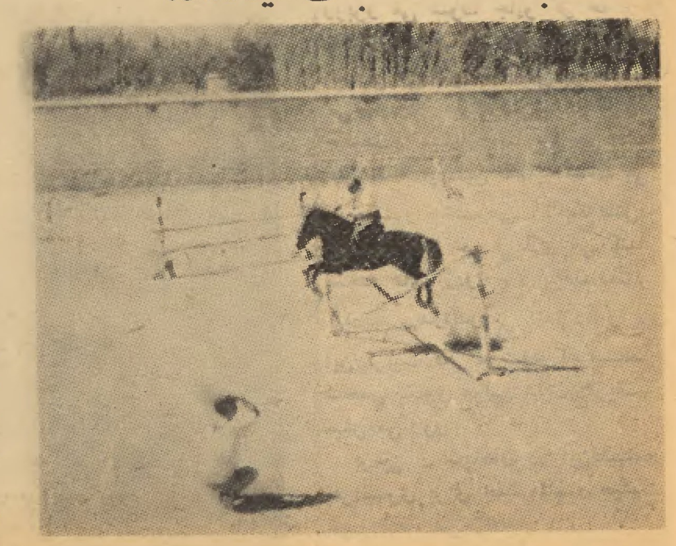
پله درجای دیگری می گوید این یك‌ماجرای هیجان انگیز است وممکن است راه یکی از بزرگترین کشور های‌جهانرا بروی‌محبوبترین فوتبالیست جهان بکشاید من‌امیدوارم‌علمبردار این نبرد باشم ظاهرا نبردکنندگان آماده اند تابر تارك اسپهای شان شوند و به دنبال پله خودبه راه بیفتند .



باداشتن‌اسب خوب چاپ‌اندازش افتخارمیکند

حکم‌بز کشی پیرامون اسب‌وسوار کاری

باشماصحبت‌میکند!



بناغلی عبدالقیوم درحالیکه بااسب‌ازیك مانع می پرد.

دوستان محترم به شما معلوم است که از چند سال بدینطرف یك سلسله مسابقـات بزکشی درشهر کابل و ولایـات به اساس پروگرام مرتبه کمیته عالی المپیك دایرمیگردد وازهمه مهمتر اینکه همه ساله یك سلسله اصلاحات در قوانین آن رونما گردیده که بر زیبایی وانتظام این بازی افزوده وآنرامنحیث هیجانی ترین بازی در میان همه رشته هـای ورزشی درکشور ما قرار داده است .

درینجا صحبتی داریم بابناغلی عبدالقیوم عضو فنی ریاست المپیك و حـکم مسابقات بزکشی . گرچه سن این سوارکار خیلی زیاد است اماوقتی اورا برپشت اسپی سوارببینید مانند یك جوان تنومند استوار است وبراسپ وسواری چنان مسلط است که گویی سوارکار تولد شده است .

نخست این پیر پرازتجارب درمورد اسب صحبتی کرد واسپ رایگانه موجود خودورفیق دیرین انسانها دانسته درحالیکه دستش از فرط کهنسالی رعشه میکرد یادداشتی را از جیب خویش برآورده وبعدآن‌به سخنش‌ادامه داد :

– درمیان همه حیوانات که بدنیا موجودیت دارند وتاامروز در خدمت بشر قرار گرفته‌یك حیوان خـوش هیکـل و جسور که هم قـوی ممتاز است اسپ رامیتوان نام برد. ایـــن حیوان خوش هیکل وجسور کـه هـم قـوی است وهم چالاك درداشتن حس کمتر رقیب درمیان سایر حیوانات دارد وبرای هر وقت وزمان صادق وبااطاعت است .

این حیوان حتی قبل اهلی شدن‌ازخصایل خوب بر خورداربودزیرانه برحیوانات ضعیف تعرض‌میکردونه برحیوانات‌قوی اطاعت‌داشت او خودآزاده زندگی‌میکردوباهمنوع‌خویش گله‌هارا میساخت وباهم به چرا میرفت . اصالـــت خویش را زایل نکرد تابالاخره خوبتریـــن دوست انسان شد وبااو کاروان زندگی را به پیش برد .

بناغلی عبدالقیوم : مناسبت اسپ را بـــا انسانها قبل از هفتاد عصر تاریخ میداند و اولین باراین حیوان را انسانهای بخاطرتغذیه شکار میکردند، اورا باوسایلی که در دست داشتند شکار میکردند ، می کشتندوازگوشت وپوست آن استفاده میبردند .

اینکه اسپ اولین بار درکدام نقطه دنیا ظهور کرده وانسانهای کدام قسمت بـرای باراول بااین حیوان انس گرفته اند چندان معلوم نیست تنها طوریکه بسیاری از کتـب تاریخ گواه مطلب است برای نخستین بار ظهوراین حیوان را درآسیای مرکزی میدانند وازین قسمت است که به اروپا وکشور های عربی رفته وازآنجا به امریکا وسایر نقـــاط جهان نسل آن گسترش یافته است .

اسب رابطوربسیارشایسته وعالی آن برای اولین بارمغل هامورد استفاده قــرار داده و اهمیت آنرا درجنگ هابه اثبات رساندند .

ازهمین زمان بودکه هم درافغانستان اسپ را برای بزکشی انتخاب کردند وهم ارو پائیان نسل زیاد آنراکه نسبت لشکر کشی هاوهجوم وجنگ هابه آنجارسیده بود تحت تربیه‌گرفت درین زمان بودکه عرب هانیزدرتربیه اســپ بزل مساعی نموده وبهترین نسل آنرا بنـام نسل عربی پرورش داده وآنرادرسراسرممالك عربی پخش نمودند بالاخره ازین نسل بـــه امریکا رفت وامروز درآن سرزمین ازبهترین نسل اسب های عربی میتوان نمونه های‌دید.

درتاریخ یونان تذکری ازاسپ وسوارکاری تاتار رفته آنهم طوریکه تاتار هارا یونانیان براسپ لچ‌دیده وتصورنمودند کـــه ا یـــن یکنوع اسپ جدیدست یا انسانیست کـــه پاهایش به‌اسپ تبدیل شده که این نمایندگی ازسوارکاری های عجیب وغریب این مـــردم میکند .

برای باراول درمیان عرب عبرانی ها درزمان حضرت سلیمان ازاسپ استفاده راآغازکردند. ولی انکشاف درست آن بعداز ظهور اســلام تصادف کرده وبعدازین ایام‌که امپراتـــوری اسلامی خیلی وسیع شده بود یگانه وسیلـه بهم پیوستن نقاط مختلف اسپ بود ازینرو درتربیه ونسل بهترآن توجه زیادی مبـذول گردیدکه این عمل باعث امتیاز اسپ هـــای عرب نسبت به سایر اسپ ها گردیده آنرا ازبهترین نسل هادر جهان بوجـــود آورد . نسل اسپ عرب برای اولین بار بعداز فتح اندلس درزمان اموی هابه اروپا قدم‌گذاشت .

درمورد تاریخ (عراق)یعنی چیز هایکه‌براسب زده میشود بناغلی عبدالقیوم گفت: عراق را هم آنطوریکه‌میدانم اززمان حضرت یوسف(ع) رایج شده که درآن زمان نیز بدو قسم بوده یکی برای سواری اسپ ودیگرش برای بـار کشی مورد استعمال قرار میگرفت .

درین جااز بناغلی عبدالقیوم خواستم تا از اسپ هائیکه در افغانستان است وتاحال مورد استفاده بزکش های ماقرار گرفته اند صحبتی نمایند .

بناغلی عبدالقیوم نخست در مورد تاریخچه بزکشی صحبت راآغاز کرده وبعد به جـــوابم پرداخت وچنین به صحبت پرداخت .

بسیاری رااعتقاد براین است که بزکشـــی بعداز لشکر کشی سکندر کبیر دز آریانا شده ولی ازآنجائیکه من میدانم شروع این بازی ممکن است ازآن آوان بوده باشد ولی چـون مغل هاازاسب برای محاربات بـشکل بسیار عالی آن استفاده کردند فکرمیکنم ازین ایـام ببعد این بازی بمیان آمده است .

درزمان حمله چنگیز چون جنگ توســـط سوار کاران آغاز وتوسط آنها مدافعه میگردید وپیاده نظام درمقام دوم قرار داشتند وهمیشه این جنگها شکل تن به تن رابخود میگرفت وشمشیر بازی یانیزه بازی های زیاد میا ن

بقیه در صفحه ۵۵

ترجمه ـ رهپو

شمه‌ای از فیستوال نیویارک



سینما، هنر واقعی و وهم انگیز، اکنون بسوی جاده شکستن قرار داد های اداره ای، گام برمیدارد. روی همین دلیل عنوان سیزدهمین، فیستوال فلم در نیو یارك را «میتوان وهم وواقعیت در جهان ما» نام گذارد.

سینماگرانی از سویس تا سنگال وازآلمان غرب تا امریکای جنوبی صرف نظر از عقاید سیاسی شان، خواه بوسیله فلم‌دراز دوساعته ویا یك فلم کوتاه چند دقیقه ای، سعی کرده اند پرده از اسرار جامعه‌شان بردارند.

دو فلم‌قابل توجه‌امریکایی در مرکز این‌دو نمایه واقعی وغیر واقعی‌قرار دارد، درحقیقت فلم (اف فار فك) یا «اف برای دزدی» ساخته اورسن ویلز دررده اول قرار می‌گیرد این فلم که درآن اثرات روح هنری‌پابلو پیکاسو بشدت دیده می شود سمبول ازهنر معاصر غرب است او میخواهد همچنان که‌پیکاسو هنر نقاشی رابرای تظاهر احساسا تش به خدمت بگیرد هنر سینما را نیز به همین منظور استخدام کند، او سعی دارد تاواقعیت رادوباره آرایی کرده وباآن رنگ واقعیت جدید، بدهد که روح‌ومغز بیننده را تکان داده‌وزندگی نوی راباز یابد.

جدیدترین سینما را می توان، درجدید ترین کشورهاجاییکه و هم به شدت وهم ازواقعیت است، یافت‌به این دلیل فلم (خلا) ساخته عثمان سمبین ازسنگال‌که‌یکی از معروف ترین ناول نویسان وفلم سازان‌جهان است، میتوان به اینگونه‌پنداشت. درین کمیدی ظریف و دقیق سیاهان ازسپیدان پیشی می گیرند، این پیشی‌رادروجود لحاجی میتوان دید که تاآبی که از فرانسه نیامده باشد نمی نوشد و در جای دیگر مرسدس بنزش را می شوید این مردزن‌سوم میگیردوبه نفرین «خدا» روبرو می شود. جادو گرها، و داکتران کاری نمی‌توانندبکنند اوغیر انسانی می شود تجارتش بر هم می‌خوردواز ولیگارشی‌سوداگری‌که حکومت‌را میسازد بپایین می افتد هنرمندان در این فلم به شدت می، درخشندو بخصوص زنانیکه‌نقش‌دو زن اول الحاجی را بازی می کنند، صحنه های ازدواج درین‌فلم‌انسانرا بیادفلم «پدراندر»می اندازد، و به، این ترتیب فکر می‌شود که این شخص بسوی مولیر شدن افریقا پیش می رود.

برخی از سیاهان در این‌فلم بفرانسوی برای حفظ مقام و حیثیت خود حرف می زنند.

بقیه در صفحه ۵۵

داستان بروی یك

فلم باغ های خاکستری

این‌فلم‌تکان دهنده‌است ولی بگونه دیگرقصرفرسوده‌که‌در کناربحرقرار دارد ودرآن ادیت بیل هفتادو نه ساله ودختر پنجاو ششی ساله اش بنام‌ادی زندگی مکند، بنا میبابد.

کمره‌های داویدوالبرت ماسل این فلم مستندرا رهبری کرده اند، درژرفای زندگی ایندو پیر زن که از همه جهان بریده اند، راه‌می یابد. ادویت‌وادی در بین دیوار های، که از شدت فرسودگی پوست‌می دهند، سالون که‌در آن‌فقط‌حیوانات می خیزند، بروی بستری که فضله حیوانات آلوده شده است فقط‌نفس می کشند وبزندگی تاثیر انگیز وخنده آور شان ادامه دهند. ادیت دربسترش دراز کشید و باریکارد، کهنه ای آهنگ قدیمیکه با لهجه مردمان سال های بیست خوانده شده، سرمیدهد. مادر ودختر با شدت وحدت دشنمانه با هم‌پرخاش می کنند وبعد در می یابند که به صورت مطلق بیکدیگر ضرورت، دارند.

کمره مایسل گذشته و حال رادر زیبایی‌غم انگیزی‌می آمیزد: عکسهای کهنه‌برده از روی‌تنها ایندو زن برمیدارد درحالیکه ایندو در ایام، شگوفانی زندگیشان عکس گرفته‌با وجودیکه خطهای تلخ زندگی بروی شان آژنگ انداخته، این دو زن هنوز زیبایند. این فلم تصویر گر زندگی طبقه ای است که درحال زوال است وعکسهای جوانی آنان نمی تواند جلو این انقراض را بگیرد ■



درحمت خیر زوی ژباړه

دملګرو ملتو دمنابعو څخه

دنفوسوزیاتوالی اواقتصادی ستونزی

په یوه هیواد کی دخلکو دپــــا ره دژوند دوام او تحول په خپله دمغی ټولنی دافرادو دزیا توب ،کمښــت، زیږیدنی اومړینی سره مستقیمــــه اړیکه لری. دغه تعادل په دوومتضادو ډولو نو سره څر ګند یږی یوتعادل پدی تو ګه منځ ته راځی چه زیات وزیږی اوبه همدغه پیمانه مړه شی اوبل هغه تعادل دی چه به مؤ ثــر ډول دنفو سو دزیا توب دمخنیوی په صورت کی تحقوق مو ند لی‌شی

دنفو سو دزیا توب دمخنیـــــوی څخه یوازینی هـ دف باید داوی چه دنوو زیږ یدونکو اومړو تر منــځ پوره تعادل وساتل شی اودانسانانو داقتصا دی ستو نزو درفع کو لوپه مقصد دډاډ وړ شرایط منځ ته‌راوړل شی.

هغه څه چه‌پورته وویل شو ل دــ انسانی ارزښتو نو له‌پلوه ټول‌شیان په‌یوه پلا اویوه وخت کی په‌ځان کی نه‌ځایوی بلکه تش دیوی مهمـــی او حیاتی مو ضوع په حیث یی جها نی پرابلم منځ ته‌راوړی دی اود خپــل خاص ارزښت له کبله عمو مــــی تشویش پیدا کړ یدی البته انسانان کولی شی چه‌دخپل راتلو نکی‌پوهی په‌زور او قدرت دغی جهانی موضوغ ته‌په ښه وجه پای ورکړی اوپا دــ نفوسو دزیا توالی اواقتصـــــا دی مشکلاتو درفع کیدو په‌بر خه کښی پراخ ګټور تدابیر تر لاس لا نــدی ونیسی اوددغی مو ضوغ په‌با ب پوره کنترول مځ ته‌راوړی.

نن ورځ دنړی دودی په حال کی اووروسته پاتی هیوادونو کښی دــ نفوسو دکمښت او کنترول موضوغ یوه ډیره مهمه او حیاتی مسله ده داځکه‌چه دنفو سودزیا تو بـ‌مخنیوی خامخا ددغو هیوادو داقتصـــــا دی مشکلا تو دحل‌اوانکشا فا تو په‌لاره کښی‌موثری اغیزی منځ ته‌راوړی.

نن ورځ دنړی په‌زیاترو هیوادونو په‌تیره بیا دودی په‌حال کښــــی هیوادونو باندی دفقر ،غر بـــت، بیوزلی اوراز راز اجتما عی ناروغیو

کمبله غو ړیدلی ده‌ددی‌دپاره چه‌ددغو هیوادو نو‌په اقتصا دی اواجتماعی انکشاف کښی اساسی پـر مختګ منځ ته‌راشی ،لازمه بریښی چـه‌ـد نفوسو دزیاتوالی‌دمخنیوی اوکنترول دپاره اساسی لاری چاری وسنجول شی اوزیار وایستل شی چه ملـی ثروت یی په برابره اوعاد لانه تو ګه دټولو افرادو ترمنځ‌وویشل شی دا ځکه‌چه‌د ملی ثروت دښه‌انسجام‌اوپه کار اچولو‌یوازینی لاره داده چـــــه نفو س کنترول شی اود اقتصا دی پرابلمو نود حل په لاره کی زیـــــار وایستل شی.

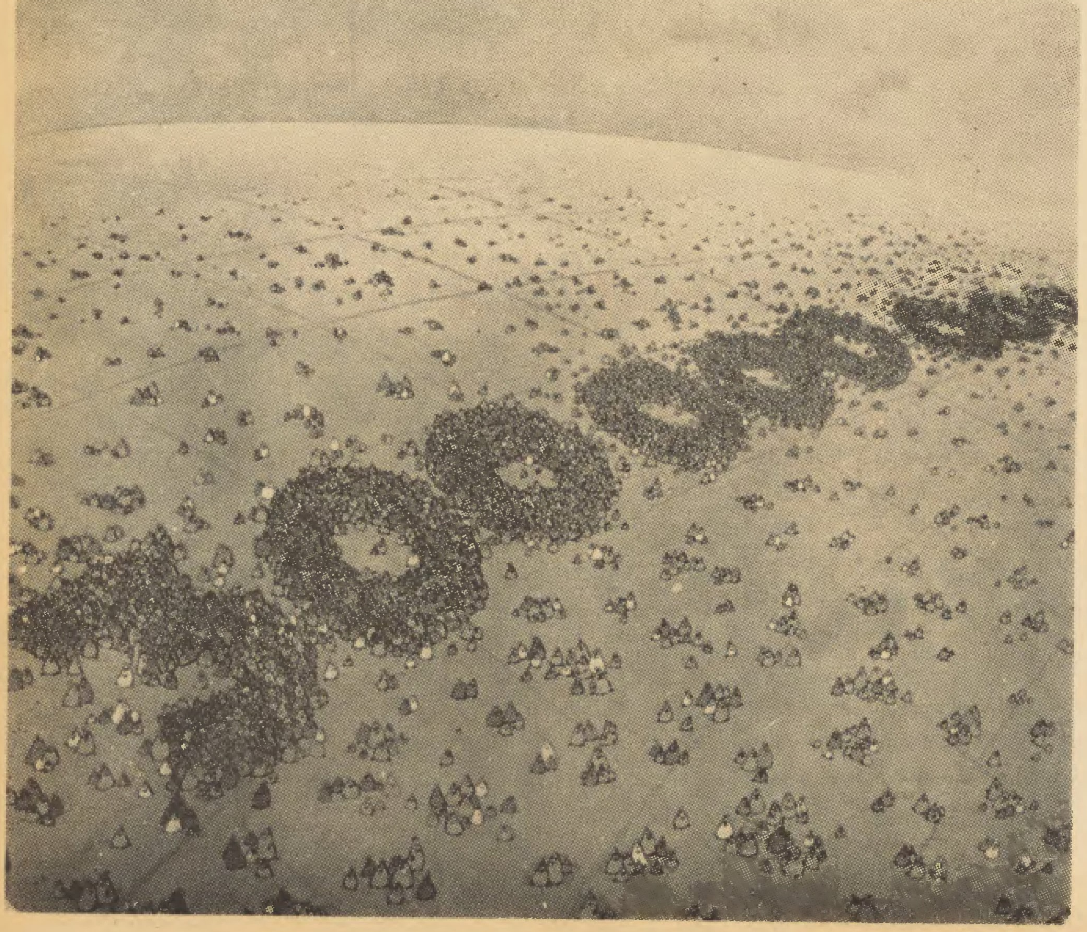
په ډیرو مواردو کښی کیدای‌شی چه‌د زیات نفوس څخه زیاته ګټــه ترلاسه‌شی دنمونی په‌ډول دتولیدی



دغه مور او پلار دخپلو دریـــوما شومانو څخه دنورو زیا تـــــو اولا دونو هیله نه لری

کاردپاره لازمه‌ده چه‌د زیات نفوس څخه استفاده وشی لاکن بل پلو ته بیا لیدل کیږی کله‌چه په‌یوی هیواد کی نفوس زیات‌شی اود هغه ځـــای طبیعی منابع‌او غذایی مواد دخلکود ژوندانه تضمین ونشی کړای ،ځکه نوورځ په ورځ اقتصادی مشکلا ت ډیریږی اوپه‌پای کی‌ستراقتصادی‌او اجتماعی پرابلم منځ ته‌راوړی.

پاتی په ٥٥ مخکی



دنفو سو زیا توالی زیاتی‌اقتصادی‌ستونزی منځ ته راولی

خنده فروشی

پاورقی

داکترکه‌کار وبارش رونقی نداشت پس ازیك ساعت ،که ازبیکاری در بین اطاق قدم میزد نا گهان‌صدایی ازاطاق انتظار شنید!داکتر بی‌اندازه خوشحال شد وبلا فا صله درپشت میز خود قرار گرفت! ولی مد تی صبر کرد وکسی وارد نشد تا چار آهسته دراطاق انتظار را باز کردو

دید مردی روی چوکی نشسته و ـ مشغول مطالعه روزنامه است.گفت:

ـآقا کسی نیست ،می توا نید روز نامه است. گفت:

مرد سری تکان داد وگفت:

ـببخشید آقای‌داکتر.. من مریض نیستم.

آمده ام پاورقی روز نامه دیشب خودرا بخوانم!

کچالوی ایتالوی



بدون شرح

خانم ایتا لوی از سبزی فرو شی تقاضا ی کچالو کرد سبزی فرو ش گفت:

ـبلی کچا لوی هالندی دارم.

ـمن کچا لوی ایتا لوی می‌خواهم

ـشما میخوا هید کچا لوی بخورید یامیخواهیدبا کچالو صحبت کنید؟

این همه‌راه

دزدی محکوم به اعدام شد جلا دی اوراپیاده به میدان اعدام می‌برد که گردنش بزند.

درراه محکوم بی‌چاره گفت‌تو خو مرامی خواهی بکشی پس چرا دیگر این قدرزجرمی دهی واین همـــه راه را پیاده می بردی؟

جلاد گفت ای برادر تو فقط تـــا میدان اعدام بیشتر نخوا هی رفت مرابگو که‌این راه راباز پیاده برگردم

عاشق بی پول

جوانی بادختری آشنا شدو تصمیم گرفت اورا برای‌ناهار به رستورانی دعوت کند .دختر هم دعوت اورا ـ قبول کرد، وبه اتفا ق به‌رستورانی رفتند در رستوران پیشخد مـــت پیش آمد وگفت:

ـبفر مایید صا حب !چه میـــل دارید؟

دختر ،برای آنکه اظهار ادب کند روبه جوان کرد وگفت:

ـهر چه تو میخوری، برای من هم همان سفارش را بده جوا ن از جا بلند شد ،وگفت:

ـمن اصلا امروز میل به غـــذا ندارم ،باشد برای یك روز دیگر.



بدون شرح

پنجره حمام

خانمی ،وقتی‌شو هرش مو قـــع ظهرازاداره به خانه آمد بارا حتـــی گفت:

ـعزیزم باید پشت پنجره حمام پرده بزنیم. چون همسایهٔ روبه‌روی من وقتی که‌من برهنه در حمام‌هستم می تواند به خوبی مرا ببیند

آنمرد سری تکان داد وگفت.

ـناراحت‌نباشی عزیزم! اگر یك روز اوترا برهنه در حمام ببینـــد خودش پشت پنجره اطا قش پرده خواهد زد.

دوستان منتظر الو کاله

آقای می خواست و کیل مجلس شود، به همین جهت از اوپرسیدند

ـاگر انتخا ب شوید ، چه کار خواهید کرد.

منتظر الو کاله جواب داد :

ـ من از این لحا ظ نگـــران نیستم ، چیزی که برایم مهم است این است که اگر انتخا ب نشوم چه کارکنم.

زنده

خانمی زیبا به مامور که احصاییه می‌گرفت گفت که : شو هرش‌چهار سال است فو ت کرده ما مـــور پرسید:

ـچند تابچه دارید ؟

سه‌تا.

ـبچه هایتا ن چندساله اند ؟

ـیك ساله و دوسا له و ســـه ساله !

ـشما خو گفتید شو هر تـــان چهارسال است مرده !

ـولی من خونمرده ام .



حف ،حف، حف خا موش‌باشی
مادرت حالا ازسینما می‌آید
ژوندون



آه! اشاره سبز

در امتحان

پروفیسوری موقع امتحان به‌یکی از شاگردانش گفت:

ـ شما می خواهید به یك نفر مریضی تان که درد زیاد ی دارد مور فین بدهید، چه قدر باید استعمال کنید؟

شاگر گفت:

ـ یك قاشق ماست خور ی، ـ استاد.

درین وقت پرو فیسور شروع کرد به خندید ن محصل که فهمید درست جواب نداده و پاسخ خوب نگفته است بلا فاصله ا ظهار داشت:

استاد: من حالا تاچند د قیقه دیگر جواب مید هم.

پرو فیسور به سا عت خود نگاه کرده گفت:

ـ متاسفانه دیگر و قت نیست زیرا مریض شما باهما ن نسخه اول فوت کرده است.

درس گیاه‌شناسی

یکی از معلما ن کانادا شاگردان خودرا به باغ ملی شهر به گردش برده بود. در ضمن گرد ش به درخت پرشا خ و بر گی رسیدند و معلم به خیالش رسید که از مو قع استفاده کرده چیزی بر معلو ما ت شاگردان بیفزاید.

پس گفت: این در خت کهنی که می‌بینید ناجو است سپس شرحی درخصو صیا ت آن گفته ا ظهار نمودکه سالها از عمر این ناجومی گذرد نسل ها از سایه آن استفا ده کرده اند، واگر این درخت ز بان میداشت چه حکایت های شر ین می توانست برای شما نقل کند.

ازبدبختی معلم در هما ن هنگام پیرمردی از آنجا می گذ شت و همین که عبارا ت اخیر راشنید، روبه شاگردان کرده گفت.

ـ بلی، اگر این در خت کهن زبان میداشت به شما می‌گفت که: (آقایان محتر م، بنده ناجو نیستم اجازه بد هید که خود رابلو طمعرفی کنم).

داماد گریز پاه وخسر چالاك

دندان فیل

یك عتیقه فرو شی عصای بلندی را به اسم این که از دندان فیل ساخته شده به قیمت گزا فی فروخت.

خریدار وقتی عصا ی خود را به متخصص نشان داد معلوم شد از پلاستیك سا خته شده باشد، پیش فروشنده رفت وبا اعترا ض گفت: این عصا از دندا ن فیل نیست.

فر شنده جوا ب داده گفت: مطئین باشید از دندان فیل است، ولی شاید دندان فیل مصنو عی بوده باشد.

گذشت

بین دونفر از رفیق ها، چند وقت نزاعی در گر فته بودوتا مدتی باهم قهر بودند. تصا دفا یکروز هردو دریکی ازپیاده رو هایی که توسط مردم آن منطقه سا خته شده بود، وبرای عبور یکنفر کافی بود نفر دوم قطعا ازآن عبور کرده نمی توانست با هم روبرو شدند چند لحظه بی گذشت و هیچ کدام ا ز طرفین حاضر نشد راه را بر ای دیگری بازکند!

بالاخره یکی از آنها باعصبانیت گفت:

ـ من هیچ وقت برای آدمهای بی‌عقل وپررو راه باز نمی کنم!

دومی و قتی حر ف اورا شنید، خودش راکنار کشید و گفت:

ـ ولی من باز می کنم.

شاعر ورفیق

شاعر مهمل گو یی، قصیده بی نامربو ط سا خته، برای شخصی که رفیقش بود خواند واز اوپرسید.

ـ چگونه است؟

گفت بسیار بی مزه ونامر بوط ساخته ای.

شاعر خشمگین شده واو ر ا دشنام داد آن شخصی گفت:

ـ الحق نثرت به مراتب از شعرت بهتر است.



تکلیف نکاح دو زن دردادگاه

عکسها ومطلب‌ها

جریمه بخاطر سگ:

دهقانی که اوراسگی دندان گرفته بود. نزد صاحب سگ که شوهرش وکیل بود رفت وباا‌و گفت : سگی‌که به همسایه ای‌تعلق دارد مرا دندان گرفته ، حالا چه‌کار میتوانم بکنم ؟

وکیل جواب داد: این کاملا واضح است. زنی‌که سگش شمارا دندان کنده، بایدسی‌مارك جریمه به شما بدهد. دهقان که ازین پاسخ‌خوششش آمده بودگفت: سگ خانم شما بود که مرادندان کنده بود. پس حالا پول رابدهید .

وکیل که ازین ماجرا اوقاتش تلخ شده بودگفت : باکمال میل این‌کاررا میخواهم‌بکنم، امابرای مشورهٔ‌که به شماداده‌ام باید بمن‌چهل وپنج مارك بپردازید. پس حالا پانزده مارك روی میز بگذارید .



جریمه بخاطر سگ

بزرگترین هلیکوپتر جهان

بزرگترین هلیکوپتر جهان ساخت کشورشوری است وزن این هلیکوپتر یک تن است . گنجایش باری آن ۱۲تن و۱۲۰نفر مسافر است. رکورد سرعت راهمین هلیکوپتر با۳۳۹ کیلومتر درساعت شکسته است .



بزرگترین هلیکوپتر جهان

جایزه اوسکار

جوایز اوسکار هرسال درشهر «هاری‌بود» امریکا توسط اکادمی علوم وهنرهای سینمایی درقسمت های مختلف سینما وهنرهای مربوط به آن به هنرپیشگان وهنرمندان امریکا یی وخارجی داده میشود وجایزه یك مجسمه‌کوچك طلایی است‌که برحسب تصادف توسط یکی ازکارمندان اکادمی، اوسکار نامیده شد واز آن به بعد نام اوسکار مترادف باشهرت و ثروت درجهان سینما گردید .

کدام اطاق

مردی‌که درتصادف موتر به‌شدت مجروح شده بود، پس از چند ساعت به هوش آمد درحالیکه به زحمت حرف میزد گفت :

من درکجا هستم ؟ به اوگفتند دراتاق ۱۰۸، مرد بازبه اضطراب گفت : که لطفا واضح تر بگویید اتاق ۱۰۸ شفاخانه یابندی خانه .

• • •

گوته گوید: شخصی اگر فریب دوستانش رابخورد به مراتب بهتر ازآن است که دوستانش رافریب بدهد.

موقف زن در جامعه

برابری ، ترقی وصلح وضع زنان در هر جامعه نمودار ماهیت آن جامعه است . البته دربسیاری ازکشورها وظیفه زن کودك داری، خوراك پزی وخانه داری است ، که اکنون ریشه‌کن گردیده است .

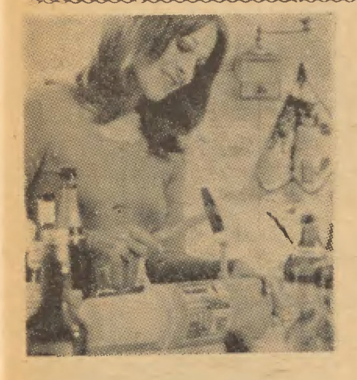
کلمات آزادی ، برابری وحقوق زنان مود شده است ولی این کلمات درهمه جا باشرایط اوضاع فرق میکند .

درکشور های که زنان پابند کار های خانگی نیستند بسیاری ازآنان شامل کار هستند مثلا در جمهوریت فدرالی آلمان تعداد زنان که کارمیکنند تقریبابه نه ملیون نفر میرسد. این‌تقریبا نیمی ازشمارهٔ تمام‌کارکنان کشور راتشکیل میدهد . آیادرین‌کشوربرابری زن ومرد تحقق یافته است نه خیر زنان برای کار تقریبا یك ثلث کمتر از مردان دستمزد میگیرند .

سهم زنان درپوست های اساس از دو فیصد بیشتر نیست از ۴۹۶ نفر نماینده پارلمان آلمان فدرال فقط سی نفرشان ز ن هستند . مخصوصا درحال حاضر در اکثر کشورها تعداد بیکاران به ملیون ها نفر میرسد وهمچنان درحال افزایش است . که روی این اساس قبل ازهمه زنان بیکارمیشوند واین خودیك امرعادی نیست . تبعیض درحق زنان تا امروز به‌حال خود باقی مانده‌است.

شاید آزادی ، برابری، حقوق وتسلط زنان درکلیه شیون حیاتی فقط آرزوی دلکش‌است؟ نه خیرحال عملا به ثبوت رسیده که این هدف کاملا تحقیق پذیر خواهد بود .

بهبود مناسبات بین المللی برای آزاد ی واقعی زنان شرایط نوین فراهم می آوردوامید آنان رابه آینده درخشان تقویت می بخشد . نهضت دیموکراتیك زنان درحیات بین‌المللی بسط وتحکیم نیرو های اجتماعی ، اقتصادی وسیاسی ومبارزه برای صلح واستقلال ملی وترقی اجتماعی بیش ازبیش کمك خواهد کرد .



حکم بزکشی

طرفین صورت میگرفت وگاهگاهی در اثنای محاربه شمشیر ویانیزه یکی ازطرفین به زمین می افتادکه برای‌گرفتن آن فرصت آنرانداشتند تاازاسپ فرود آیند وآنرا بدست آورندازینرو کوشش میکردندباسرعتی‌که اسپ داردشمشیر افتادهٔ خودویاطرف مقابل رابدست آورند و گاهگاهی بسوی شخصی‌که شمشیری بدلش فرورفته حمله میکردند وباچابکی خاصی آنرا بدست می آوردند وبه پیکار خو یش ادامه میدادند واین امربخاطر آمادگی بیشتر عساکر بالاخره رنگ ورخ وارزش را بخود گرفت و میان مردم رواج پیدا نمود .

این ورزش که همه به آن علاقمند بودند در عروسی هابخاطر هیجانی که داشت همیشه برگذار میشد تااینکه تحت نظم ودسپلین خاصی بخود گرفت وبعد مرور قرنها بشکل امروزی آن درآمد این ورزش باعث تشویق مردم گردیده وذوق نگهداری اسپ ها وگله های آن دردل همه مردم پیدا شبده وآنها را به داشتن اسپ هاتشویق نمودند .

امروز آن تعداد ازاسپ هائیکه درافغانستان است ازنسل های مختلفه بارنگهای مختلفه آن است‌که گرگ وسمند وغیره رامیتوان نامبرد.

گرچه اسپ سواری واسپ داری دراعصار مختلفه ازخصلت های مشهور مردم ما بوده ولی برای باراول گله هائیکه در افغانستان بوجود آمددر زمان سلطنت امیرعبدالرحمن‌خان بودکه درین زمان اسپ عربی واسپی راکه زبخارا آورده بودند درمیان گله های آنوقت به نسل گیری آغاز کردند . اسپ عربی یا(کهر) رادرآن وقت (پیوندبچه) که خودش عربی الاصل بود اسپ بخارایی یا «سمند» راملاکریم بای تحت تربیه ونگهداری‌قرارداده وازآن نسل گیری میکردند .

یکی ازکره های (کهر) رامردم تاتار که دردوآب زندگی میکردند بدست آورده تحت تربیه گرفتندکه این کره بعدازمدتی نسبت زخمی‌که دیده بوده همهٔ وجودش پراز زخم های متعددشد یابه اصطلاح این کره را(گرگ) زد ومدت هابعدازآن این‌کره دوباره صحت یافت وازآن نسل گرفتند که تاامروز به نام نسل (گرگ) یادمی کنند ودر بسیاری از ولایات شمال کشور ماتحت این اسم اسپ های قوی هیکل وخوش اندامی وجود دارند که دربزکشی مورد استفاده قرار میگیرند .

(حبش) هم‌که امروز در میان اسپ های افغانستان شهرت دارد ازنسل (کهر) عربی است وآنهم ازبرادر های (گرگ) می باشد. ناگفته نباید گذاشت که وقتی حبش میگوئیم هدف ماحبشی نبوده یعنی کدام نسل ازاسپ های کشور حبشه نیست تنها مردیکه برای اولین بار این اسپ راتربیه کرده واز آ ن نسل گرفته یك سیاه چهره بودکه مردم اورا حبشی میگفتند واسپش نیزبه این نام مشهور شده است .

بناغلی عبدالقیوم دراخیر صحبت خویش ازاسپ هانام برده وچنین گفت :

«سند» اسپ هائیرا میکویندکه‌درخان‌آباد ونهرین تحت تربیه گرفته شده وازآن جا به سایر نقاط رفته است وامروزبسیاری ازاسپ های بزکش ماازهمین نسل است .

(کهر) ـ (کهر سیاه) ـ (کهرتیلی) ازنسل عربی است وهم اسپ های چون (کرنگ) که رنکش نزدیك برنگ حناست مایل به‌طلایی

سیمند سیاه زانو نیزازانواع خوب اسپ هاست (کبود) ـ (کبودسرخون) که در اصل سفید است و گل های کبود دارد .

مشکی (سیاه خالص) ـ ابلق (دو رنگ) شتری میباشند .

گرچه بناغلی عبدالقیوم پیرامون سوارکاری هم صحبتی کردندکه مانسبت ضیقی صفحه ازآن معذرت خواسته وشما خوانندگان ارجمند رابراخواندن آن به یکی ازشماره های آینده انتظار میگذاریم .

دنفوسوزیاتوالی

ځینی اقتصاد پوهان پدی عقیده دی چه‌په یوه هیواد کښی دنفوسو دزیاتوب‌مو ضوغ هیڅ‌ډول اقتصادی علتونه نلری مثلا هغه وخت چه‌په‌یوه هیواد کښی دملی طا قت او ملی بشری پیاوړ تیا مسله منځ ته‌راځی دغه ډول‌استدلا لونه نسبت پخوا ته په اوسنی زما نه کښی‌بی اساسه او غیر اقتصا دی بریښی اونن ورځ په‌یوه هیواد کښی زیات نفو س،ـ حیثیت او‌اعتبار نه گڼل کیږی‌مونږ نن ورځ ډیر داسی ملتو نه پیژ نو چه نفوس یی لږدی لاکن دوړاندی تګ‌اومترقی حالت له پلوه نسبت ډیرو هغو هیوادو نو ته چه نفو س یی زیات‌دی دستاینی او‌اعتبار وړ هیوادونه گڼلی شو اودنړی په بین‌ـ المللی وضعیت کی ستر رول‌لوبوی دمثال په‌ډول: که لویدیځی اروپا هیوادونه ،کاناډا، استرا لیا اونوی زیلا ندتر ژوری کتنی لاندی ونیسو سمد ستی دی نتیجی ته‌رسیدای‌شو چه ددغو هیوادونو دقدرت اونفوذ ساحه نسبت‌د هغوی جمعیت ته زښته ډیره‌ده اودملی تو لید اوملی شتمنی رابطه یی دنفو سو دډیر ـ ښت سره هیڅکله وانه‌ول وړ نه‌ده

که چیری انسان دطبیعی منابعو څخه‌استفاده کوی نوداهم بایدوښی

چه‌ساینس اوتکنالوژی دانسانانو راتلو نکی ژوند تضمینوی او ډیر وی اوتازه منابع یی په خد مت کی گماری.

البته پدی برخه‌کی‌معقول کنترول اود کو چنیانودمړینی‌او ضا یع‌کولو مخنیوی ډیر منطقی‌اودقدر وړکار دی ددی دپاره چه دنړی‌په ټولوهیوادونو له‌ټولو نه زیات دودی په حال او‌ـ وروسته پاتی‌هیوادونوکښی نوموړی مسله پوره تحقق وموږی پکار ده‌چه ټول هیوادونه دخپلو طبیعی شتمنیو څخه دساینس اوتکنالوژی په‌مرسته کار واخلی اود خپلو تولیدا تو حجم ته دماشین په قدرت نظم او تر تیب ورکړی.

شمه ای‌ازفیستوال

سینما منحط سکس‌برمی‌دارد. آن‌ـ فرانسیسکو کار گردان فلم سعی می کند در ژرفای زند گی رنجبار این، هنر مند ازنظر گاه انسا نی نفوذ کنداین فلم پرده از روی قصه ، دختری بر میدارد که جز طبقه‌متوسط بوده به «پاکی» سخت ایمان داردودر سن‌چهارده سالگی بخاطر تجاو ز ی که‌کاکایش براو انجام میدهد ازخانه فرار میکند وجز فحشا می گردد.این زن‌که بخاطر سر نوشت برش. تحقیری که‌میشود سرشك میریزاند، قلب تماشاچی را بلرزه می‌آورد .

نمایشگاه

فلم است که درآن بیگنا هی‌و عصیان بهم می آمیزد وآنرا میتوان اولین فلم سکسی وپروتو گرا فی دراین فستیوال دانست . این فلم پرده از روی زندگی یکی ازستارگان

کاترینابلم

دربین فلم سازا ناین‌فیسوا ل، گروهی که از همه بیشتر بچشم‌می خورد فلم سازان جوان آلمانی اند. درفلم (آبروی از دست رفته کاترینا بلم) ولکرشوند روف و زن‌هنرمندش مارگرت دان تروت ناولی را که ، هانریش‌با ل نوشته است بروی پرده می آورد ،این ناول پرده از ، زندگی یك دختر خانه برمیدارد که شب‌شادی رابایك‌ماجرا جو گذرانده است وزندگی فردایش به تیر گی کشانده می شود ،این‌فلم را میتوان از ریالست ترین‌فلم‌هابحساب آورده که نشان میدهد سینمای بزر گ آلمان که مدتی‌بخواب عمیق رفته بود، دو باره بیدار می شود .



شخصیت زن در آئینه مطبوعات کشور

تهیه وترتیب از: ر.ر

نویسنده : (ارمیت)

پایان تراژیدی زن

آنگائیکه بشر در مغاره هازیست مینمود ، آنروز که انسان بدون از سنگ و صیقل آن، دیگر به چیزی شناخت نداشت و آنزمان که‌انسانها از مکتب تمدن شمهٔ را نمیدا نستند زن با مرد یکجاکار مینمود ودر کوه پایه های خوشرنگ طبیعت قدم‌آزاد بخاطر تامین معیشت میبر داشت.

سیر تاریخ با گذشت ایام فـراز ونشیبی در زندگی این قشرمعصوم پدید آورد . لحظاتی چون‌متاع‌بازاری خرید وفروش شد ، روز گاری‌بسان مرغ های اسیر شده در قلب زمین مدفون گشت وایامی‌مورد تاخت‌وتاز زمانه هاقرار گرفت.

باآنهم این قشر درنها یت‌انس‌و مهربانی توانست موقفش‌را منحیث بشر حفظ کند و حیاتش را به هـر شکلی که بود ادامه داده درپدیدآوری نسل های جدید بذل مساعی‌نماید .

طو ریکـه گفتـه آمد یـم همـــراه با دگرگونی های دیگر در کلیـــه شئون حیاتی بشر ، جهان دانشـــ روشنی انداخت تازن‌هم درساختمان جوامع بشری سهیم گردد ومنحیث افراد مسؤول فردای جا معه طـوری که بایست حرکات فعالانهٔ شانرا به اتمام برسانند .

روی چنین اساس هما نشد کـه سال ۱۹۷۵ از طرف موسسهٔ بیـــن المللی جهان بنام سال پایان‌تراژیدی زن اعلام و روزنه های نمو، تکا مل وارتقا رامنحیث مفکورهٔ نهضـــت خواهی بر ایشان باز نمود .

اگرچه گفته میتوانیم که : ایـــن مفکوره از گذشته ها در مغز بشر و جوامع‌پیشرفته خطور نموده بود که، بایست این طبقه بذل مساعی کنـــد اما مبرهن است که‌در طرز تفکر کلیه افراد جوامع بشری تفاوت هاموجود میباشد و استدلال های منطقی جنبه های‌افراطی وتفریطی دارد ،یعنـــی همانقسمیکه تمدن روشنی و نو رش را در غرب منعکس ساخت مفکوره نهضت نسوان هم رنگ گرفت ودر راه انکشاف دانش این قشر حرکات افراطی‌بعمل‌آمداما برعکس‌در شر ق چون مملکت عزیز ما یکی ازممالك شرقیست باو جود آنکه این پدیـــد آوری نوین را شانزده سال پیش در صحنهٔ عمل داخل ساخت مگر چون سطح دانش را مطالعه کنیم ، در آن روز ها هنوز چند فیصدی بیش از مردم ما از فیض سواد بهره منـــد نبودند .

حالاازینکه سواد ودانش از یکطرف درسرزمین مانور افگنی میکند واز جانب دیگر زمینه فعالیت این طبقـه مساعد گردیده است آرزو مندیم تا کلیه زنان با شهامت افغان سهم‌شان را ایفا کنند وزنان رو شنفکـــر افغانستان عزیز در راه روشنسا زی اذهان عامهٔ نسوان چنانی که بایـــد همراه با جوانان روشنگو درپیریزی اهداف عمده و شرافتمندانهٔ شان رول شانرا طور احسن انجام‌بدهند.

تابا شد با استفا ده از سا ل بین‌المللی‌زن‌همه زنان نهضت‌خواه‌ما از مزا یای زندگی آزاد منشی‌مستفید شده و به خواسته ها و امیال دیرینهٔ شان برسند .

زن در اجتماع

همانگونه که مرد وزن رامکمل یکدیگرگفته اند، این دوعنصر همیشه در سازماندهی حیات وتشکیل خانواده هاو جوامع نقش بـارزی داشته‌اند که ازآغاز پیدایش تاهم اکنون که عصر مدنیت است یکدیگر خودرا درك کـرده ودرکار های زندگی ازیکدیگر کمك جستـه وبهمدیگر کمك کرده اند وهمکار همبستگی در ساختن زمینه های حیاتی خویش بوده اند .

ازدوره بدویت که درکارتقلای غذا مشترکا تلاش کرده درتخم وبذروآبیاری وحاصل‌گیری حتی شکار ونوآوری شریك واقعی یکدیگـر بوده‌اند تادوره دوخت ودوز وپختن غـــذاو گذشتاندن ادوارمختلف حیات الی دورهٔ مدنیت کنونی درشیوه های تکامل مددگار و مکمـــل یکدیگر بوده اند .

گرچه یکروز مدنیت های نیم پخته بنـا م جانبداری از آن وبعنوان وقایه لطافت جسمی زن این موجود تپشگر وکانون ساز را پرده نشین ساخت وبنام دلسوزی ازوی، حصاری ازعنعنات ورسوم وباب ورواج ناشیانه‌گرداگرد اوکشیدکه ازیکطرف پر ده نشینی ایشـــان محرومیت هایی درساحات تـــلا ش وفعالیت برایشان خلق کردو ازجانب دیگرنیروی خلاقه ایشان راآهسته آهسته ازخاطره هابردتابجایی که بنام عضو ناقص اجتماع شهرت یافت .

امایکروز آمد، که جهان بشر یت بسهـــو بزرگ خودپی برده، درپرتو عـلـم و دانش دریافتند که نیم پیکر خود رابدست خودفلج ساخته اند ونیم قدرت خودرا با دست خـود زنده دفن کرده بنام دلسوزی ظلمی برپیکـر اجتماع خویش رواداشته اند .

سرانجام ، جهان باتکای که درخود احساس کردبا تابندگی وجنبش عظیم انسانی درصدد تکریم واقعی زن برآمد، درتنویر ذهنیت هااز موجودیت این ودیعه گرامی و نیروی عظیـم خلقت دامنه مساعی راگسترده ساخت وبـرای احیای حقوق زن کوشید وباصدای بلندایشان رادر ساحه‌کار وعمل خواند، تابه‌آئین آفرینش همدوش بامردان تاحدیکه توان شان است در کار ساختمان زندگی داخل شوند وهمپـای بامردان دارای حقوق مدنی باشند، از مزایای زندگی باحق تساوی برخوردار وهم آهنـگ بامردان جهان درآموزش ، پرورش، فهم و دانش، کار وعمل، فکرو اندیشه، وبهره یاب شدن از آن بساختمان کشور ومردم خـویش سهیم گردند .

امروز کاروان کوشش وفعالیت و بالاخره کاروان زندگی ماباهمراهی زن ومرد بسـوی اهداف مترقی کشور خویش روان میشود .



برزنان ودوشیزگان منور وپیش آهنگ‌است‌تامبارزه دوامداروپیگیرراعلیه جهل وبیسوادی‌واین‌کابوس وحشتناك جهان بشری آغازنمایند وبه مادران و خواهران بیسواد خویش سواد آموزانده وایشانرا در مقابل تخته های‌سواد آموزی قرار دهند .

نقش زن در انکشاف جامعه

نقش زن درپیشرفت وانکشاف جوامع بـا ارزش وروشن است برای آن‌کـه ازاستعداد ونیروی زنان درفعالیت های اقتصادی‌اجتماعی وفرهنگی استفاده موثرشود جنبش جهانی زن گسترش بیشتر می یابد تاشرایط وامکاناتی فراهم گردد‌که حقوق، امتیازات ووجایب زنان محترم شناخته شود وتحقق یابد .

محرومیت های زنان درجوامع در حال رشد بیشتر است .

قیودی که نتیجه عنعنات ، رسوم وعادات کهنه میباشد زن راازاشتراك موثر درساختمان اقتصادی جوامع بازداشته وآن رادر محدوده تنگی ازکار وطرز تفکر قرار داده است .

جنبش جهانی زن ایجاب می‌کند که بـرای بهبود وضع زن در همه‌کشور هاودر تمام‌نقاط جهان مساعی دامنه داری صورت گیرد روشن است . که مشکلات زن روستایی هر گـاه بیشتر ازمشکلات زن شهرنشین نباشد کمتر هم نیست .

ازجانبی هم این مشکلات چنان ریشه دار، عمیق وپیچیده است که برای ازمیان بردن آن هاکار فراوان دقیق ودوامدار باید بعمل آید.

در کشور ما، اکنون تلاش صادقانه صورت میگیرد که زن افغان همدوش بابرادران خوددر تمام امور سهم مساوی داشته باشد .

این تلاش وقتی خوبتر برآورده می‌شود که زنان کشور ما باصمیمیت‌ومطابق با شرایـط جامعه خود درتحقق آنهابذل مساعی نماید .

زن یعنی، نصف ازپیکر اجتما ع بشر اززمانه های‌خیلی‌بعید درتولید نعمات مادی ودیگر فعالیت هـای‌معنوی واجتماعی رول فعال‌داشته‌و حتی دربعضی سا حات نسبت به‌مردان بیشتر ابراز فعالیت ولیا قت نموده وخوا هند نمود

بدختران شرق

ای دختر بـا تمیـز مـا در   ای لخـت جگر عز یز مـادر
ای تازه نهـا ل با غ مشـر ق   ای رو شنی چـرا غ مشر ق
ای شر ق بسا ط گلشن از تو   ای چشم امیـد رو شن از تـو
ای نا مهٔ نـا نو شتـه شر ق   ای خو رو ش ای فر شته‌شرق
ای آمده ها بـــه انتظار ت   اقبـا ل غبـار ر هگـذا ر ت
ای ما در مهـر بـا ن فـر دا   ای کو کـب آسما ن فـر دا
د ربهر محا ط ز نـد گـا نـی   در زو ر ق ایـن جهـا ن فانی
زن لنگر و مرد بـاد بانسـت   زن با زو ی مرد را تـوا نست
زن ها دی کار وا ن هستیست   زن تکیه نـر د با ن هستیست
در حـق و حقو ق اجتما عـی   در جمله شقـو ق اجتما عـی
سهم ز ن و مرد شد بـرا بـر   این است و صیت پیامبر (ص)
در محمل کـار وا ن هستـی   هستند دو همعنـا هستـی

دو دست ز هـم گره گشا ید
یکد ست صـدا نمی بـرا یـد

(ارسالی شمس)

از پروین اعتصامی

ثروت زن

به‌هیچ مبحث ودیباچه ای قضا ننوشت
برای مرد کمال و برای زن نقصـان

اگر فلاطن و سقراط بوده اند بـزرگ
بزرگ بوده پرستار خـردی ایشـان

به گاهواره مادر به کودکی بس خفـت
سپس به مکتب حکمت، حکیم شدلقمان

چه پهلوان وچه‌سالك، چه زاهدوچه‌فقیه
شدند یکسره شاگرد این دبیر ستان

حدیث مهر کجا خواند طفـل بی مـادر
نظام وامن کجا یافت ملـك بی سلطان

همیشه دختر امروز مادر فـرداسـت
ز مادر است میسر بزرگـی پسـران

توان و توش ره مردچیست؟ یاری ز ن
حطام وثروت زن چیست؟ مهروفرزندان

دسرور زوی ژباړه

ستاسی دوادونو په باب یو په زره پوری ازمایښت

گه ژوند دتل‌دپاره ایده آل نـه وی خو له‌بده مر غه چه‌دغه مطلـب زیاتره خلك له‌وادونو نه ورو ستـه درك کوی او کله کله داسی هـم کیږی‌چه دښځی او میړه تر منځ‌د عشق دکموالی مسله نه‌وی چـــه نیکمر غی منځ نه‌رانه وړی بلکه دـ توافق او همفکری نشتوا لی دی‌چه وادونه دنا کامی سره مخا مخ‌کوی.

هغه پو ښتنی چه‌په لاندی ډول وړاندی کیږی له هر ډول کموا لی اوزیاد توالی نه‌پرته ځواب کړی.ـ ستاسی دواده موده دپو ښتنو اوـ ځوابونو په طرح کښی څه اغیـــزه نه‌لری خو موږ ستا سی دمنفی او مثبتو ځوابونو په شمیر لو سـره تاسی ته ویلی شو چه آیا تا سـی دواده دپاره جوړ شوی یا ست اوکه نه‌بنه‌به داوی چه‌یوازی ژوندته‌دوام ورکړی.

داپوښتنی دمیرمنو دپاره دی:

۱ـآیاستاسی ژوند ستاسی‌دمیړه سره ستاسی دپاره ښه ښکاری؟

۲ـآیا سباناری زیاتره تاسی په خپله ورته تیاروی؟

۳ـآیا له‌جسمی نظره دهغه وجود تاسی‌ته خوند در کوی.؟

٤ـآیا له‌رو حی نظره هم دهغه وجود ستاسی دپاره خوند وردی؟

٥ـآیا په‌یوه بستره کی‌ویدیږی؟

٦آیا دهغه بی وفایی بخښلـــی شی؟

۷ـهغی په خپلو افکارو کښی هم دهغه سره وفا لری. ؟

۸آیا ستاسی‌لانجی تل‌په ښکلو نو سره پای ته رسیږی؟

۹ـآیا کله‌چه ستاسی میړه پـه سفر کوی دزړه تنگوا لی احسا س کوی؟

۱۰ـآیا دهغه له اشتبا هاتوځخه تیریږی؟

۱۱ـآیا داسی فکر کوی چه لـه هغه‌نه ښه او غوره میړه نه شـــی پیدا کیدلی؟

ـ۱۲آیا داسی احسا س کوی چه که چیری تاسی پریږدی هر څــه موله لاسه ورکړی دی؟

دنارینه وو دپاره پو ښتنی:

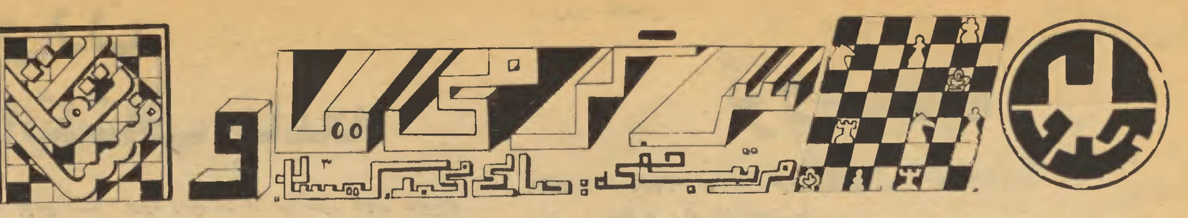
۱ـآیا دهغو کسانو په حـــا ل افسوس کوی چه‌تراوسه‌یی‌وادونه نه دی کړی؟

۲ـآیا دو رځنیو کارو نو له پا ی ته‌رسیدو وروسته کورنه په‌تگ‌کی تلوار او بیړه لری؟

۳ـآیا خپلی میرمنی ته دخپلـو دوستانو په نسبت زیات ارزښـــت ور کوی؟

ورکوی؟

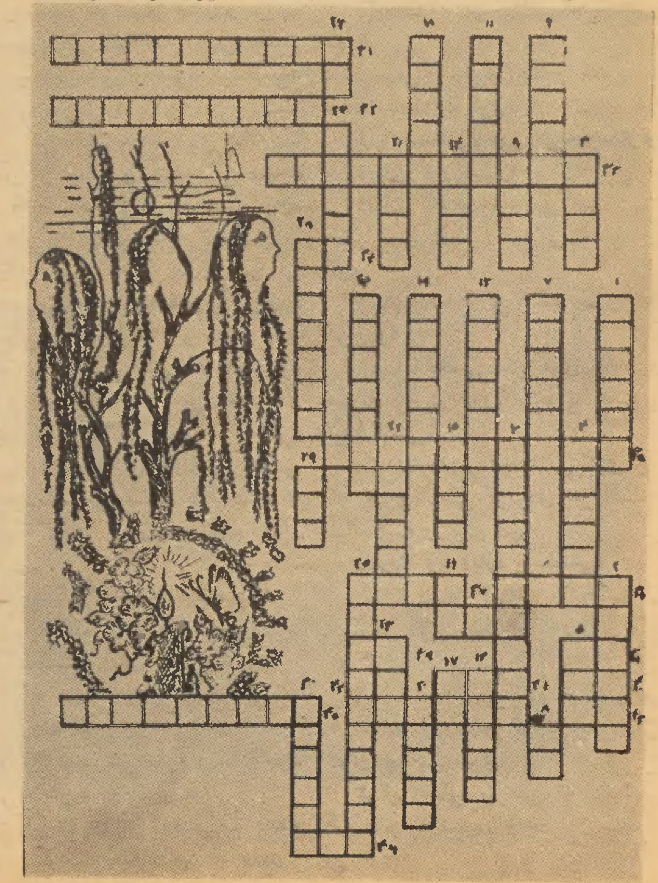
(نوربیا)
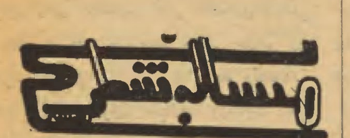


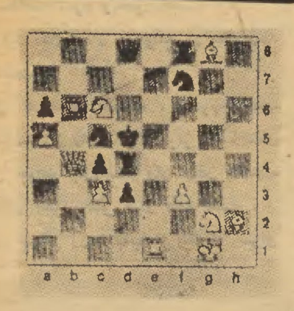
جدول ادبی

این‌بارهم پیغله هو سی غشــــی‌متعلمه صنف هفتم رابعه بلخــی برای ما جدو لی فر ستا ده اســت ماازپیغله غشی‌تشکر نموده از دوستا نی که علاقمند این صفحـه‌می باشند خواهش میکنیم تا با ما همکاری نموده‌انتقادا ت‌وپیشنهادات خود را برای بهبود و زیبا یی این صفحه بما فرستند .

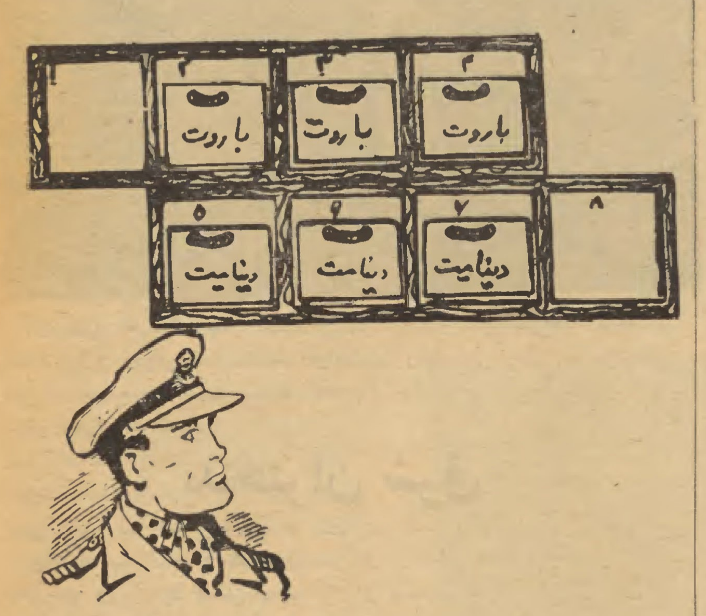
۱ـ اثری از دافنه دو موریه‌ـ۲ ـزاری کردن ۳ نغـر ه سفیــــد نباتی ٤ـ از خواننده های رادیو افغانستا ن ٥ـ در جم مشهـــور است ٦ـ ازولایا ت کشور ما ۷ـ پایتخت کشور تایلند ۸ـ عدد دوم ۹ـ ازفصو ل چهار گا نه سا ل ۱۰ـاثری روژن شو ۱۱ـ کا مــل ومکمل ۱۲ـ از مختر عین الما نی ۱۳ـ ازشعرای کشور ما ۱٤ـ از مخترعین ایتا لیا یی ۱٥ وعــــظ کننده ۱٦ـ مد ت بی آغا ز ۱۷ـ نصف سا عت ۱۸ـ اگر راسته ـ شود آله مو سیقی میگردد ۱۹ـاز ممالك امریکا یی جنو بی ۲۰ـ از فلم های هندی ۲۱ـ مددگار ۲۲ـ افلاطو ن به همین سر ز میــــن منسوب گردیده است ۲۳ـ ا ز ـ مخترعین امریکایی ۲٤ـ اثری بر جسته از لیون تو لستو ی ۲٥ـاز نویسند گان وفیلسو ف افغا نـــی ۲٦ـ درنده ۲۷ـ اثری از نویسنده فرانسوی پرو سپه مریمه ۲۸ـ از ادبای جهان ۲۹ـ از فلمها ی هندی ۳۰ـاثری از شو لو خف ۳۱ـاثری ازبالزاك ۳۲ اثر یکی از نو یسنـده های‌جهان ۳۳ـ مشهور تر یـــن نقاش جها ن۳٤ـ نصف نژند ۳٥ از مشهور ترین ادبای جهان است ۳٦ـ اگر راسته شود در فلـــم ایك مو تی اسمان کار کرده ۳۷ـ قطره قطره ... میشود ۳۸ـ نصف تجمل ۳۹ـ اگر آخر ش تکمیل‌شود فون می شود ٤۰ـخودما ٤۱ـسبب پراگنده ٤۲ـ لعل نارسیده ٤۳ـ مادرعر ب ٤٤ـ آخر ش را کــــم سازید تااثری ازارسطو باقی ماند ٤٥ـ اثری از الکساندر بو شکین ٤٦ـ نام





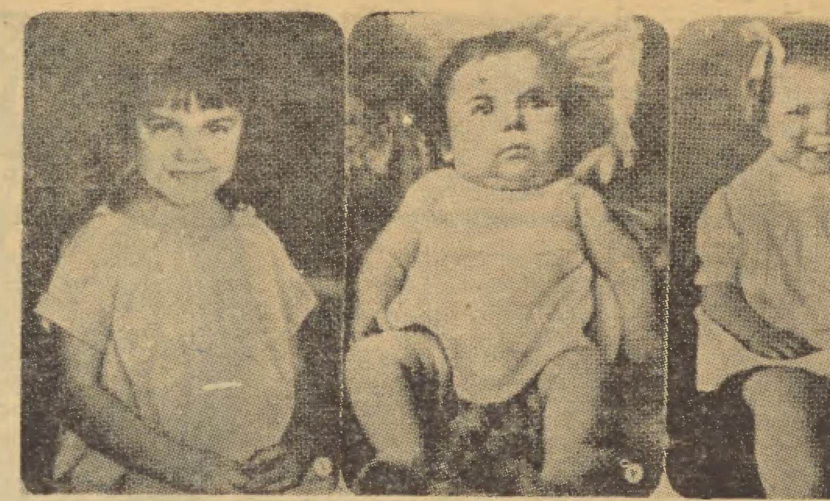


درین مسا له سفید بازی ر ا شروع نموده در دو حر کت سیاه رامات‌میکند ،شما طرز حر کات مهره های سفید رابما بنویسید.



به کاپیتان کشتی دســتور داده‌شده وقتی بمرکز رسید به‌کشتـی بانان خود دستور دهد تا شش‌جعبه‌ای‌راکه مواد محترقه ومنفجره مثـل باروت ودینامیت می باشد آرام ازجای خود بر داشته وداخل کشتـی کوچك بگذارند وبه صا حب منصب‌خویش تحویل دهد کاپیتان پس‌از براه افتادن کشتی میخواست جای‌آنها رابا هم عوض کند وقو طهای مذکور رااز جای خود حرکت دهدودر جاهای مخصوص که برای آنها درنظر گرفته شده بگذارد عقلش‌بجای نرسید حالا شما می‌توانیدبا حداکثر هفت حرکت که بطور افقی‌وعمودی باید انجام شود این جعبه هارایك درمیان در کنارهم بگذارید؟اگر توانستید برای‌ما هم این‌حرکات رابنو سید

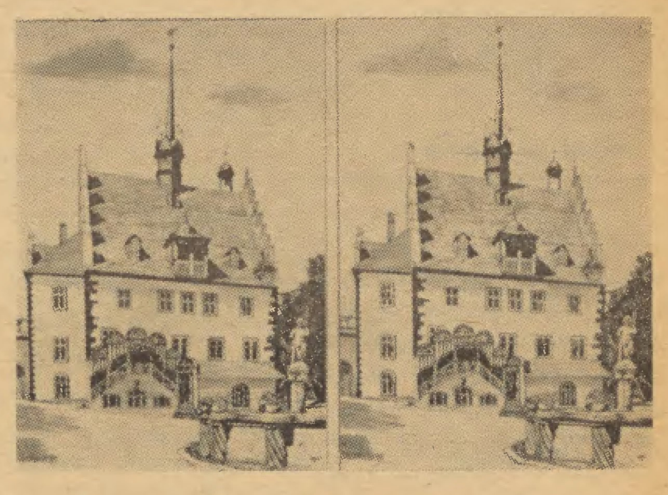
ستاره‌شناسی





درین شش عکس شما سه کودك وسه زن جوان را مشاهده میکنید ، باید عرض‌کنیم که‌این سه زن هر کدام ازمعروفترین‌ستارگان سینمای غرب هستند که‌فلمهای شانرا بارها درسینماهائ مشهوردیده اید اگر موفق به شناختن این سه ستاره زیبا روی سینماشدید اسمای شانرا برای ماهم بنوسید
ولی باید بگوییم که‌قسمت دوم‌سوال شناختن این‌سه کودك است این‌سه‌کودك نیز درحقیقت همین‌سه ستاره‌زیباست حال‌شما بنویسید که‌کدام عکس مربوط به‌کودکی این سه‌هنرمندمی باشد،

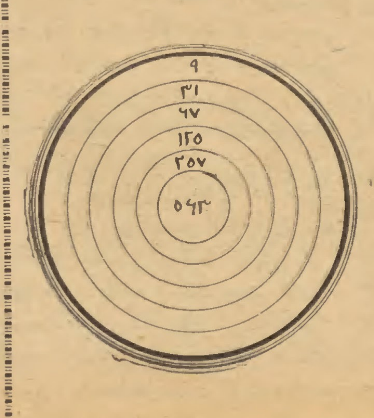
چند اختلاف

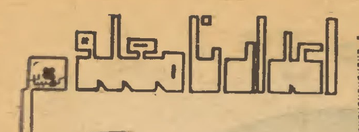


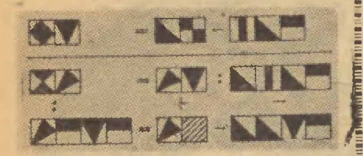
بین این دوعکس که‌شبیه هم بنظرمیرسند هفت اختلاف وجود دارد اگر موفق بیافتن اختلافات شدید برای مابنویسید

عددهزار

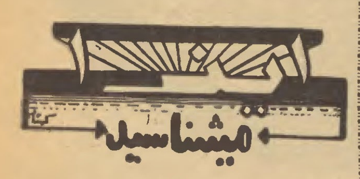
درین دایره چندین عدد را می بینید شما تیری رابه اهداف طوری شش بار فیر کنید که حاصل جمع آنها(۱۰۰۰) گردد تفاوت ندارد اگر درهر خانه چند بار تصادف کند منظور اینست که‌ازشش بار زیادتر فیر نگردد و هم حاصل جمع‌آن‌هزار گردد .







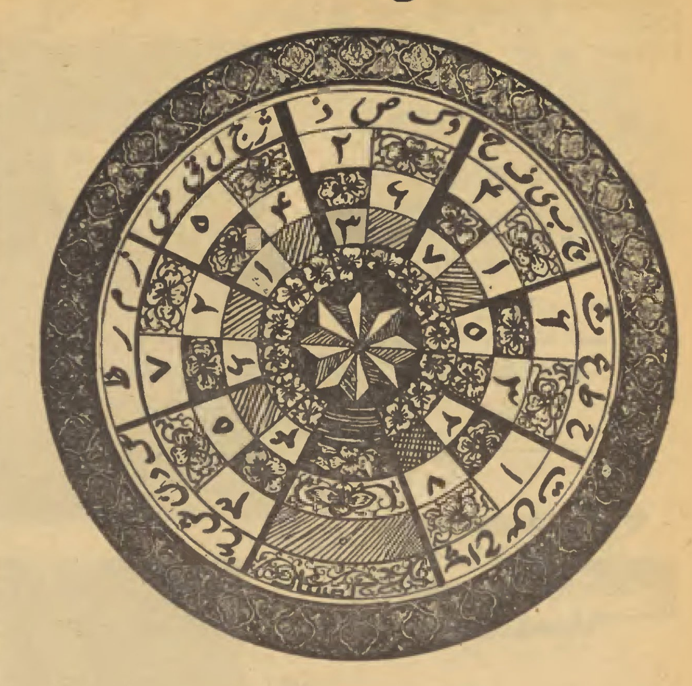
درین مساله حسابی بعوض اعداد اشکال گذاشته شده است آیا می توانید اصل اعداد را پیدا کنید ؟





این ستاره زیبا هندی امروزهم بقدر کافی شهرت ومحبوبیت‌دارد وهنوزهم‌بحیث هیروین فلمهای هندی نقش های رابعهده اش می گذارند،منتهی این عکس وی‌متعلق به‌زمانی است که‌تازه کار هنری‌خود راآغازکرده‌دراولین فلمهایش نقش بازی میکرد اگر موفق به‌شناختن وی‌شدید اسمش رابانام یکی‌از معروفترین‌فلمهایش برای‌مابنویسید

فال حافظ



در هر روز از هفته که میخواهید فال بگیرید به تصویر بالا توجه نموده یك حرف از حروف نام خودرا انتخاب کنید وآنرا از دایرهٔ بزرگ پیدا نمایید .(فرق نمی کند که حرف اول باشد یادوم باشد یامثلا پنجم) درزیر همان حرف مثلثی قرار دارد که دارای خانه های سفیدو سیاه میباشد ودر داخل خانه‌های سفید آن سه عدد ثبت شده است ازآن سه عدد هر کدام راکه دلخواه شماست انتخاب کنید وآنگاه به همان شماره در زیر نام همان روز از هفته مراجعه کنید وجواب خودرا اززبان حافظ شیرین سخن دریافت نمایید.

مثلا روز یکشنبه حرف چهارم نام خودراکه میم است انتخاب واز جمله سه عددی که در زیرقوس مربوطه به این حرف دیده می‌شودبیت «۷» را اختیار نموده اید. باید به بیت هفتم روز یکشنبه به اشعار صفحهٔ مقابل مراجعه کنید وبخوانید لسان اللغیب بشما چه می گوید !

فکر او عمل

همدی ډول دغه سیر مسلسل دوام مومی اوهیڅ قدرت ددغه مسمر سیر مخه نه شی نیو لی کله چه دواقعیت داړخو نو ترمنځ تضاد اوتنا قض وده وکړی نو دتازګی او سمسور- تیا سبب کیږی اویونوی اوبریا لی اړخ ظهور لری له همدی کبله ویلی شو چه طبقاتی مبارزی دیوی لوی اوپر مختللی ټولنی دراپیدا کیـــدو موجب اوسبب دی. دواقعیت متضاد اړخو نه یوتر بله بیلیدو نکی نه دی اومستمر وحدت تشکیلوی دغـــــه اړخونه که له یوی خوا متعار ضدی نو له بلی خوا تنګ ارتباط لری یو په بل اغیزه کوی اویو پر بل بی دډه اچولی ده دغه اړخونه یو په بل تفوق نه لری یعنی که یو تغییر وکړ هغـه بدلیږی اوله ادنی څخه اعلی تـــه بل ورسره ارومرو تغییر کوی او دانتقال لاره هواریږی.

په طبیعت کی دحر کت اسا سی بنه دجذب او دفع دقواو تر منځ له مبارزی څخه عبارت ده مثلادشمسی نظام مجموعه په نظر کی نیسو ګورو چه د لمر نه چاپیره دستورو دګرځیدو اوتاویدو مهم دلمر دجذب اودستورو دفرار ترمنځ له مبارزی څخه پرتـه ممکن نه دی په اتوم کی هم الکترو ن اوپروتون نسبی توازن دمثبت او- منفی برقی چار جونو دجذب اودفعی دمبارزی نتیجه ده نوویلی شو چـــه طبیعت تل ترتله متحول اوبد لیدو- نکی دی اویوه شیبه مطلق سکو ن هم وجود نه لری بشری ټو لنی هم زمونږ دنیکو نواودطبیعت ترمنځ مبارزه له مبارزی څخه راپیدا شوی دی.- زمونږ دنیکو او طبیعت تر منځ مبارزه له کار اوعمل څخه عبارت ده چه هم یی په طبیعت کی بدلون راوستلی دی اوهم یی په انسان کی .اوهمدغه کار اوعمل دی چه د طبیعت په ضـــد مبارزه کی یی دبریالیتوب په هیلـــه زمونږ نیکو نه په یو ځای کی سره راټول کړیدی چه په همدی اسا س کار دانسا نی ټولنو دمنځ ته را تلـو اساسی علت بللی شو اوهمدا کار دی چه انسان یی له حیوا ناتو څخه رایستلی او ممتازه انسانی نوع یی تری جوړه کړیده فکر دکار اوعمل محصول دی اوبیا همدغه کار اوعمل دی چه انسا نی فکرته وده ور کوی اوپر مخ یی بیایی هغه فکر نه سم ویلی شو چه له واقعیت یعنی طبیعت او ټولنی سره سمون خو ری یعنی په طبیعت کی ګټور بد لون راولی او ټولنی ته دترقی په لور حر کت ور- کوی که چیری فکر پخپله همد غـه وظیفه کی نه بریالی کیږی اویا له واقعی تحو لاتو سره اړخ نه لګوی دغه فکر غلط اوناسم فکر دی پـــه دغه ډول فکر ټینګار او کلکیدل یا خود هغه چا کاردی چه د شعـــور سطحه یی ډیره ټیټه وی اوواقعیت سم او په اصلی شکل نه شی درك کولی اویا خوهغه څوك په دغه ډول فکر ټینګ دریږی چه عملا دمثبتـو تحو لاتو مخه نیول غوا ړی .څکـه چه په دغو تحو لاتو کی دخپل آنـی مفاد تاوان ګوری او که دغه مثبـت او ګټور بد لون واقعیت پیدا کړی دده په شا تلونکی او منفی پرستیـږ او نفوذ مخه نیسی بریا لیتوب دسم فکر په برخه دی اوهغه فکر چه ددغه سم فکر په مقابل کښی سر جګ کړی سر یی حتماً تر خاورو لا ندی کیدو نکی دی اوابدی ماتی یی پـــه برخه ده ځکه دواقعیت دتحو لا تـو او بدلون جریا ن حتمی او جبـــری دی اویوه شیبه درید ل هم نـــه منی.

دثریا عادل الیاس رالیږنه

٦٣ نفر دختر و پسر

۱۲ و ۱٤ باشد اینها در لیسه موزیك شامل صنف هفتم میشوند ،شاگردان جدید الشمول در ایام زمستان یك دوره کورس مقد ماتی را تعقیـــب نموده،بعد امتحان کانکور میدهند و شامل میشوند که شمولیت آنهـــا تا صنف (۱۳) دوام میکند امتحـان کانکور در شروع شمولیت اخـــذ میشود .

موقعی که از او میرسم چگونـــه موسیقی افغانی راتقویه کرد؟

درجواب اظهار داشت:

موسیقی اصیل افغانی بذات خود تقویه شده است ، تنها تا حال شامل نوتشین بین المللی نشده است ، اگر شامل نوت گردد و اشخاص فنـــی که بنوت موسیقی بلدیت داشتـــــه میتوانند بصـورت اعظمـــی از آن استفاده نمایند . اما حیف کـــــه موسیقی غیر علمی ، موسیقی افغانی را تحت تاثیرخویش قـــرار داده است .

وی اضافه کرد :

برای آنکه موسیقی اصیل افغانی بهتر تقویه گردد اشخاص فنی موزیك بصورت جدی بکوشند که موسیقی اصیل افغانی را از تاثیرات موسیقی غیر علمی مجزا نمایند .

مدیر لیسه مسلکی موزیك همچنان افزود :

لیسه موزیك در حدود دو صـد پارچه موسیقی اصیل افغانی را بـه همکاری معلمین مربوط خویش از اطراف واکناف مملکت جمع آوری و بصورت تیپ شده در آرشیف خود موجود دارد و ضمناً پارچه هـــای متذکره را شا مل نوت کرده وبقسم کتاب طبع نموده است .

او بپاسخ سوال دیگری چنین بیان داشت :

طبق پرو گرام مرتبه سال بسال شاگردان لیسه موزیك به صنـوف بالاتر ارتقاء نموده ودر صنوف هفتم این لیسه شاگرد جدید پذیرفتـــه میشود ، آخرین صنف لیسه مسلکی موزیك صنف (۱۳) مد نظر گرفته شده که بعد از آن شاگرد یا بـــه پوهنتون شامل خواهند شد و یـــا جهت خدمت به جا معه معرفـــــی خواهند شد .

در آخرین پرسشم میگویم :

تاحال از لیسه مسلکی مو زیـك چه تعداد اشخاص فارغ شده است؟

ښاغلی نبی و هاب مدیر لیسـه میگوید :

لیسه مسلکی موزیك معارف در حمل ۵۳ تاسیس گردیده فعلا دارای یك صنف هشتم و(۲) صنف هفت میباشد . چون دوسال از تاسیس این مکتب میگذرد تا بحال شاگردان ازین لیسه فارغ نشده اند.

فال حافظ

شنبه

۱ـ خم هاهمه درجوش وخروشند زمستی
وان می که درآنجاست حقیقت نه مجازاست
۲ـ ازوی همه مستی وغرور ست و تکبر
وزما همه بیچارگی و عجز ونیاز است
۳ـ راز یکه بر غیر نگفتیم و نگوئیم

با دوست بگوئیم که او محرم رازاست
٤ـ شرح شکن زلف خم اندر خم جانان
کوته نتوان کرد که این قصه دراز است
٥ـ بار دل مجنون و خم طرهٔ لیلا

رخسارهٔ محمود و کف پای ایاز است
٦ـ بردوخته ام دیده چو باز از همه عالم
تا دیده من بر رخ زیبای تو باز است
۷ـ ای مجلسیان سوز دل حافظ مسکین
از شمع بپرسید که در سوز و گداز است

یکشنبه

۱ـ در هجر تو گرچشم مرا آب روان است
گو خون جگر ریز که معذور نماند ست
۲ـ صبر است مرا چارهٔ هجران تو لیکن
چون صبر توان کرد که مقدور نماندست
۳ـ نزدیك شد آندم که رقیب تو بگوید

دور از رخت این خستهٔ رنجور نماندست
٤ـ باغ مرا چه حاجت سرو و صنوبرست
شمشاد خانه پرور ما ازکه کمتر است
٥ـ صوفی از پرتو می راز نهانی داشت

گوهر هرکس ازین لعل توانی دانست
٦ـ می بیاور که ننازد بگل باغ جهان
هر که غارت گری باد خزانی دانست
۷ـ بدام زلف تودل مبتلای خویشتن است
بکش به‌غمزه‌که اینش سزای خویشتن‌است

دوشنبه

۱ـ صبا اگر گذری افتدت بکشور دوست
بیار نفحهٔ از گیسوی معنبر دوست
۲ـ اگر چه دوست به چیزی نمی خرد مارا
به عالمی نفروشیم موئی از سر دوست
۳ـ روی توکس ندید و هزارت رقیب‌هست

در غنچهٔ هنوز و صدت عندلیب هست
٤ـ در عشق خانقا وخرابات فرق نیست
هرجا که هست پرتو روی حبیب است
٥ـ بلبلی برگ‌گلی‌خوش‌رنگ درمنقارداشت

وندران برگ ونوا خوش‌ناله‌های زارداشت
٦ـ خیزتابرکلك آن نقاش جان‌افشان کنم
کاین همه نقش عجب درگردش پرکارداشت
۷ـ به می عمارت دم‌کن‌که این جهان خراب
برآن سر شت که از خاك مابسازد خشت

سه‌شنبه

۱ـ دیدی‌که یارجزسر جورو ستم نداشت
بشکست عهدو از غم ما هیچ غم نداشت
۲ـ مباش درپی آزار وهرچه خواهی کن
که در شریعت ما غیر از ین گناهی نیست
۳ـ عیب رندان مکن‌ای زاهدپاکیزه سرشت

که‌گناهٔ دیگران بر تو نخواهند نو شت
٤ـ من اگر نیکم واگر بد توبروخودراباش
هر کسی آن درودعاقبت کار که کشت
٥ـ آن ترك پری چهره‌که دوش ازبرمارفت

آیا چه خطا دید که از راهٔ خطا رفت
٦ـ تا رفت مرا از نظرآن چشم جهان بین
کس واقف ما نیست که ازدیده چها رفت
۷ـ ناامیدم مکن از سابقهٔ لطف ازل
تو پس‌پرده چه‌دانی‌که‌کی‌خوشست‌وکی‌زشت

چهارشنبه

۱ـ ساقیا بیا که یار زرخ پرده برگرفت
کار چراغ خلوتیان باز د ر گر فت
۲ـ آن شمع سرگرفته دگرچهره برافروخت
وین پیرسالخورده جوانی زسر گرفت
۳ـ آن عشوه داد عشق‌که مفتی راه برفت

وان لطف کرد دوست‌که دشمن حذرگرفت
٤ـ زنهار از آن عبارت شیرین دلفریب
گوئی که پستهٔ توسخن در شکر گرفت
٥ـ میگریم ومرادم از ین سیل اشکبار

تخم محبتست که دردل بکار مت
٦ـ تا دامن کفن نکشم زیر پای خا ك
باور مکن که دست ز دامن بدارمت
۷ـ ز حال ما دلت آگه شود مگر وقتی
که لاله بردمد از خاك کشتگان غمت

پنجشنبه

۱ـ مدامم مست میدارد نسیم جعد گیسویت
خرابم می کند هردم فریب چشم جادویت
۲ـ پس‌ازچندین شکیبائی شبی‌یارب‌توان‌دیدن
که شمع دیده افروزیم در محراب ابرویت
۳ـ سواد لوح بینش راعزیز از بهرآن‌دارم

که‌جانرا نسخهٔ باشد زلوح خال هندویت
٤ـ دی پیرمی فروش که ذکرش بخیر باد
گفتا شراب نوش و غم دل ببر زیاد
٥ـ گفتم بباد میدهد باده نام و ننگ

گفتا قبول کن سخن وهرچه باد باد
٦ـ بیا بیاکه زمانی زمی خراب شویم
مگر ریسم به گنجی در ین خراب آباد
۷ـ ساروان بار من افتاد خدا را مددی
که امید کرمم همرهٔ این محمل بود

جمعه

۱ـ فردا که پیشگاه حقیقت شود پدید
شرمنده رهروی که عمل بر مجاز کرد
۲ـ دست در حلقهٔ آن زلف دوتا نتوان کرد
تکیه بر عهد توو باد صبا نتوان کر د
۳ـ دل از من برد وروی از من نهان‌کرد

خدا را باکه این بازی توان کر د
٤ـ کی شعر ترانگیزد خاطرکه حزین باشد
یك نکته درین معنی‌گفتیم وهمین باشد
٥ـ غمناك نباید بود از طعن حسودای دل

شاید که چو وابینی خیرتو همین باشد
٦ـ چشمت از ناز حافظ نکند میل آری
سر گرانی صفت نرگس رعنا باشد
۷ـ خوشست خلوت اگر یار یار من باشد
نه من بسوزم و او شمع انجمن باشد

زبان آریایی

(۱)

نویسنده: غ. فاروق (نیل آب رحیمی)

زبان پدیده ایست اجتماعی که ناشی از ضرورت مبرم انسانی بوده وبه منظور افهام وتفهیم‌مطالب حیاتی درمسیریك زمان پرماجرا وطولانی کسب وجود کرده است . ونظر به اهمیت ونقشیکه این پدیده ازبدو اختراع وایجاد خوددر حیات مدنی انسان بجاگذاشته است . آنرایکی ازپایه های متین وتزلزل ناپذیر سه گانه تمدن وفرهنگ بشری شمرده‌اند . (۱) والحق‌که سطح حیات رو به ارتقاء انسان برمبنای همین پایه های سه‌گانه استوار است . که آنهاعبارتند از : زبان ـ آتش وکشاورزی که‌روح کنجکاو و پیکار جوی بشری بنابر احتیاجیکه داشت درروند تاریخ متدرجا باختراع آنها جهت حل معضلهٔ زندگی فایق آمدوتمدن روبتوسعهٔ انسان ازبدوتلاشها وجهش های مدنی تاتسخیر کرهٔ ماه وشگافتن قلب‌اتم مبنی برهمین اختراعات سودمنداست. وپیروزی های بشر معاصر پیوند بلافصل و تردید ناپذیری به آنها دارد. وهر پیشرفتیکه درمسیر تاریخ ودر پهنای جهان هستی نصیب نسل بشری شود بدون انکار ممثل نیرو ی خلاقه ومظهر تلاشهای پیگیروخستگی ناپذیر نیاکان اولیهٔ ماخواهد بود .

ازآنجائیکه این مبحث خیلی دلنشین و شیرین است ومذاق هرانسان باذوق را که علاقه بفرهنگ جهان باستان وعرق ریزی های انسانان اولیه داشته باشد محظو ظ میسازد . لذاجریانات آن نیز نمیتواند درچنین مختصری گنجایش یابد ازآنرو بادنبال کردن هدف اصلی ونیل به ارمان غایی به همان تذکر فوق درقبال سه پدیدهٔ تذکار یا فته اکتفا کرده واز آنجمله زبان آریایی رامطمح نظر قرار میدهیم زیرا این مختصر تفصیلات مزیدرادر مواردفوق نسبت جلوگیری ازتطویل کلام پذیراشده نمیتواند .

درك کردن زبان اولیه آرین ها کاریست سخت دشوار واین مشکل ناشی از فقدان اسناد موثقی است که بدسترس ماقرارندارد. وآنچه دراین باره ازخامهٔ پژوهشگران تاریخ اعصار باستانی این نژادتراوش کرده برمبنای حدس وخیال استوار بوده و ریشهٔ عمیقی ندارد . وازاینکه این گمانها ازحقیقت فاصله دارند به آنها اعتماد کردن ازمحالات است . امااین قدر مسلم است وباید ایضاح گردد که منظور ازطرح چنین وسیله ای آن نیست که نگارنده باهمه نارسایی که‌درخود سراغ دارد خودرا به تصریح این عقاید که آیاآریا به چه شیوه ودر کجا ودرچه زمانی به سخن گفتن آغاز کردند مکلف نمیداند ، زیراتحقیق پیرامون حل این پرابلم هااز وجانب این نبشته نیست وهم روحیهٔ این نبشته این

(۱) تاریخ اجتماعی ایران تالیف مرتضی راوندی چاپ دوم سال ۱۳۴۷ص ۱۹ـج ۱ .

ژرف نگری هاوریشه یابی هاراایجاب‌نمیکند. تجویز یکه دراین مورد اتخاذ شده ایضاح زبان اولیه آریایی درسرزمین زیبا وباستانی بلخ است . زیرااین سرزمین مرکز کلیه فعالیت ونژاد آرین وکانون همه تلاشهای ایشان ومنبع بسط وگسترش ومهاجرت های شان بجانب شرق وغرب میباشد .

زبان ازبدوتکوین بابشر همراه بوده است وتدریجا در اثر انکشاف ساحهٔ فعالیت های حیاتی ووسعت وارتقاء سطح ذهنی این‌پدیده نیز جامع ترو متکامل ترازآب برآمده وبسرحد کمال نزدیك ترشد. وزبان اولیه آرین ها نیز درپرتوی‌این اصالت تاریخی موقف خود را با گذشت زمان تثبیت کردو بدیهیست که در بدو مرحله کلیه عشایریکه از نژادآرین مجزا شدند به همین زبان واحد مطالب خودرا ادا میکردند. در نخستین مهاجرت هائیکه نسبت تنگی جای وقلت مراتع رونما گردید نژادارین نام هندواروپایی رابخود گرفت که زبان‌شان نیزدرتحت الشعاع همین نام در تاریخ فرهنگی شان مندرج گردید. واین زمانی بود که محل بودوباش اقوام آرین راحوزه سرسبز وشاداب سبردریا تشکیل میداد . بنابران زبانها ی شان باهم شباهت داشت (۱) .

تکثر نفوس وفشرده شدن جای آرین هارا واداشت تاوحدت اجتماعی خودرا نادیده‌گرفته وازمشکلات روز افزون خود بکاهند لذا قدم دیگری درعرصهٔ مهاجرت وبدست آوردن سر زمین های نوین بجلو گذاشتند همان بود که شیرازهٔ شان ازهم متلاشی شده وعشیره های متفرق راایجاد کردند . که این رویداد بنابر براهین تاریخی درحدود سه هزار سال قبل ازمیلاد مسیح صورت گرفت . این مهاجرت هابعضی راجانب هند وبرخی را هم بصوب ایران رهسپار ساخت‌وعدهٔ درباختر متمرکز ماندند وزبان واحدی راکه این عشایر مدتهابه

(۱) تاریخ قدیم افغانستان تالیف احمدعلی کهزاد ص ۳۶ـج ۱ .

آن تکلم میکردند بنام (هندوآریایی یاایرانی) مسما کردند وحقیقت این امرنیز روشن نیست که تاچه زمانی این وحدت وهمبستگی لسانی دراقوام هندوایرانی مسلط بود. وآنچه جهت ایضاح این حقیقت گفته شده ازحدس و گمان پیرایه دارد وبایست اظهار گرددکه برخی تاسال (۲۴۰۰) ق.م زبان مشترك را مسلط میداند .

ازآنجائیکه محیط بنابر خصایص تنفیذی خودبه اقوال وافعال وشئون وشعایر انسان موثر است . لذا اقوام مهاجر آرین نیز بعد ازآنکه مهد اصلی خودرا بمنظو ر تحصیل مراتع ومزارع جدیدترك گفتند. علی الرغم آنکه مدتها اصالت نژادی خویش را حراست کردند . بازهم ازامتزاج واختلاط اقوام بومی آن بلاد خودرا ناگزیر دانستند، موانع رادرین مورد کنار زده وآمیزش شان صورت پذیر گردید بنابرین زبان شان نیز به تبعیت از تجدد به مرور ایام وجه تشابه زیادخودرا از دست داد ورویهمرفتهٔ فاصله فرهنگی دربین شان طوالت حاصل کرده وسرانجام هرکدام عشیره ازخود زبان بکلی مستقل وجداگانه‌ای رابرای خود ایجاد نمودند . اما نظربه تشابه اکثر لغات وکلمات وبویژه درزبان های که ازنژادآرین وازیك مرکزواحدمنشعب وپراگنده شده اند، باجسارت میتوان اظهار کرد که این زبان هاریشه واحد داشته وازیك آبشخور سیراب شده اند. که آن عبارت از زبان اولی واصلی آرین است واین واقعیت روشن ومبرهن ازتحلیل بعضی سرود های ویدا که شاخه اززبان اصلی است خوبتر برملامیگردد، ازمقایسه زبان سرود هابازبان های قدیم وجدید بطور قطع معلوم میشود اشخاصیکه آنهارا سروده اند ازیك نژاد بزرگ وقوی بوده‌اند ، که اروپا ومغرب آسیا را ابتدا به قهر وغلبه گرفته اند وبعد به آنها امتزاج کرده‌اند . (۱) واکنون برای اثبات این ادعا که دوشاخه های زبان‌اصلی آرین پیوندکلامی وافربوده وتقریبا باهم رابطهٔ بلا فصلی‌دارند. کلمه‌ای رامورد بررسی قرار میدهیم، مثلاکلمه پدررا انتخاب می کنیم . این کلمه راکه درددری پدر میگویند، درفرانسوی (پیر) ، درانگلیسی (فادر) ، در سانسکریت (پتیرل) دربنگالی (پیتر)، درلاتین (پتر) ودر پشتو (پلار) گفته میشود (۲) . واین مشابهت بلا تردید بیانگر یك وحدت ریشه ای بوده ویك پیوند تاریخی ای رانشان میدهد. بدین‌ملحوظ وبانکای این برهان شك وتردیدراکنارگذاشته ابراز عقیده نماییم که زبان آرین باستثنای زبان های چینی ، سریانی، عبری‌وعربی، مادر اکثر زبان های زندن جهان معلوم بوده که آنها رادر کانون قلب خود پرورش داده‌است. شعباتیکه اززبان اولین آرین ناشی شده ودر جهان شایع اند خیلی زیاد بوده‌که ازآنجمله مابه فرس باستان ، سانسکریت یازبان ویدا اوستا، سغدی، تخاری پهلوی، لاتین، یونانی سکی، اسلاوی، سلتی ، توتونیك وغیره را میتوان نامبرد که هرکدام این زبان ها بنوبه خود منشاء زبان های دیگر بوده ولهجه های مختلفی ازآنها مشتق شده است که هم‌اکنون دربعضی قسمت های افغانستان مثل نورستان شغنان، پامیر ، درواز، بلوچی، پشه ای و غیره مروج بوده وبه آن سخن میگویندونفوس زیادی درقلب هندوکش ودره های پرخم وپیچ سرزمین باستانی افغانستان ومیادین هموارآن بااستعمال زبان های فوق الذکر مشکلات حیاتی خودرا مرفوع می سازند .

درواپسین تحلیل این مبحث بایست تذکر دادکه زبان‌های آریایی بنابر پژوهش وتدقیق علمای زبان شناسی ودر تصنیفیکه زبانهای جهان راکرده‌اند آنهارابه سه بخش (یک هجایی، منضم وپیوندی) تقسیم‌نموده‌اندکه اززمره زبان های پیوندی‌است . درین زبانها بریشه لغات های هیجاها افزوده می شود . واین افزودن منحصربه آخر نیست . بلکه نظربه ایجاب لغت وموضوع دراول آن نیزبه مثل آخرپیوند هجا صورت می‌گیرد. امادراثر این افزایش ریشه لغت تغییر می کند و فاصله‌ای بین ریشه کلمه وقسمت مضاعف شده احساس نمی گردد وتصور می شود که باهمچون خورده است وپیوند یافته است(۱) واین خصوصیت محدود یك شاخه نبود بلکه

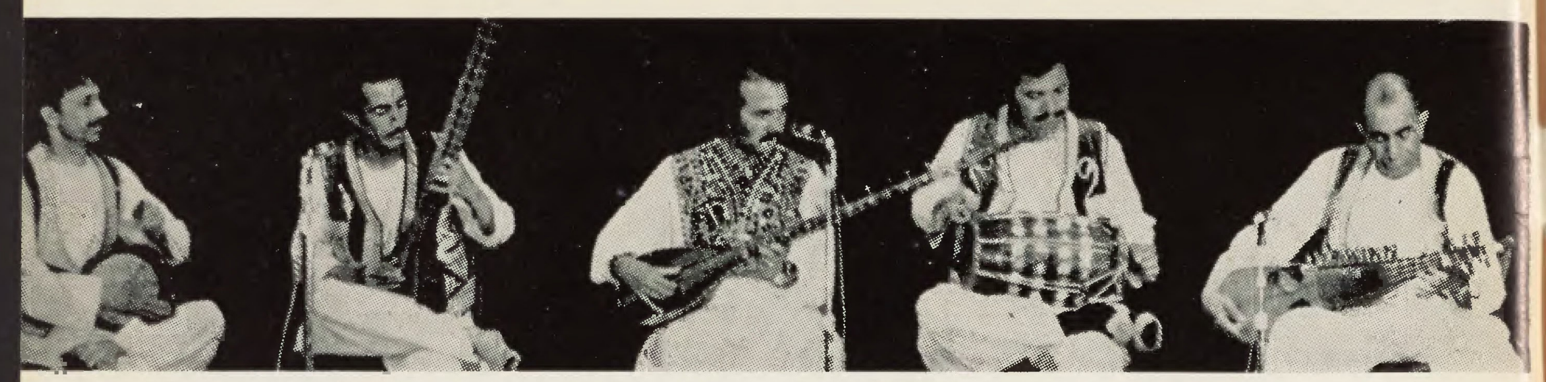
(۱) ص ۵ تاریخ هند ـ تالیف ث.ف. در لاعور . ترجمه فخر داعی گیلانی چاپ اول سال ۱۳۱۶ .

(۲) تاریخ ادبیات ایران تالیف جلال همائی ص ۹۴و۹۵ .

(۱) ص ۵۹ تاریخ ادبیات ایران ـ جلال همایی .

(۱) ص ۲ـ ج ۱ـ سبك شناسی تالیف ملك الشعرا محمد تقی بهار .

باقیدارد



از راست به چپ: استاد محمد عمر، گل علم، شمس الدیـن مسـرور، مجید وملنگ

بجواب نامه های شما

قبل از اینکه بجوا ب نامه های این هفته بپر دازیم باید بگو ییـــم که‌به‌نشر نامه های حق تقد یم داده می‌شود که درمورد مجله ژوندو ن باشد چه همانطور یکه در شما ره گذشته اشا ره کردیم ، تصمیـــم اینست‌تابه کمك خوانندگان‌ژوندون مجله بهتر داشته باشیم.

خو ب حالاهـــم بجوب نامه‌های رسیده می پردازیم تا دیـده شـود خوانندگان عزیز درین هفته برای مجله‌شا ن چه چیز های دارند .

* * *

پیغله فوزیه مو ج متعلمه‌صنف یازدهم لیسه ملا لی:

برای بهتر شد ن مجله ژوندون پیشنهادات ونظریا ت درخورتامل عرضه کرده اند که البته قا بـــل تطبیق هم‌است ، مثلا محتر مه‌موج ازماخواسته اند تابرای بلند بردن سطح ژوندو ن ازنظر محتو ی از نویسندگا ن ورزید ه وخو ب‌طلب همکاری کنیم.

دوست ارجمند :

کارکنا ن‌ژوندو ن نیز ا همیـــت بیشتری به محتو ی ژوندو ن‌قایل اندتابه شکل وسایر مو ضو عات. چه‌به‌نظر ما هم‌این یگانه را هیست که‌مارا به هدف مان نز دیکترساخته ومجله ازین طریق کسب محبوبیت بیشتر می نماید . باتو جه بهمین نکته اخیرا یکتعداد ازنویسند گان خوب باماوعده همکار ی داده اند. که‌مطمینا به‌وعده خود وفا دا ر ـ خواهند ماند .

• • •

آقای غلام مصطفی .

مامور وزارت زراعت تصمیم‌دارند با مجله‌ژوندون همکاری نمایند. ازینرو طالب معلو ما ت درمورد شرا یط همکاری با مجله ژوندو ن شـــده اند.

عرض شود همکار ی(بدو ن‌قیدو شرط) چون شما در مکتو ب تان نحوه همکاری رابایك نشر یه‌خوب تشریح کرده وز مینه های همکاری راهم تذکر داده اید .

* * *

بناغلی عبدا لطیف از لیســـه حبیبیه :

طی‌نامه کو تاه می پرسند: چرا مجله ژوندون‌باکا غذ بهتر چـا پ نمی‌شود البته منظور از همین کاغذ سفید است که فقط یکی دو صفحه ژوندو ن روی آن چاپ می‌شود.

دوست عزیز:

استفاده از کاغذ در جه او ل‌از آن‌جهت برای ما در تمام صفحا ت ژوندون مقدور نیست که مصر ف بسیار را ایجاب میکند . ازآن ـ گذشته چون مجله ژوندون‌درماشین های طبع حرو فی به نشر میرسد ، کلیشه یعنی‌عکسها رو ی کا غـــذ درجه اول «افسیت» خوب رنگـ نمی گیرد.

بناغلی محمدکریم « آرزو»

ازمدیریت عمو می‌تعلیم وتر بیه م ه خواجه رواش طی نا مه مـــی نویسد: (باباز شد ن این صفحـــه مشکل عده خوا نند گا ن مجلـــه حل می‌شود چه‌هم‌بسوالات آنهـــا پاسخ‌گفته‌میشود ودر ضمن‌انتقادات‌و نظریات آنها منعکس می گردد.

اگر چه درین آوا خر مجله‌بانشر مضامین آموزشی ، داستا نهای جالب وده ها مطلب خواندنی‌به‌عده خوانندگا ن خود افزوده است ولی اگر انتقادات و پیشنهادا ت معقول خوانندگا ن پذیر فته شده و عملی گردد در آنصور ت به مزیت ا ین مجله محبو ب خانواده ها افز ودمی گردد.

حالا پیشنهاد ی دار م که امید است در صور ت امکا ن عملـــی گردد.

ـاگر صفحه برای معر فـــی هنر مندان، نویسندگا ن وشعرای نامدار گذشته وحالیه کشور باز گردد بهتر خواهدبود .

بهمین ترتیب اگر صفحه بنام (شماو صحت‌وشما) در مجله‌کشوده شود مشکلات صحی خوانند گان مجله راحل می نماید .

درموردپیشنهادات بناغلی‌محمدکریم آرزو باید بگو ییم که نظر یـــا ت شان در مجله ژوندو ن‌عملی‌است. تصمیم داریم برای‌معر فی‌هنرمندان نامدار متقدم کشور صفحه داشته باشیم.

ولی در مورد صفحه(شماوصحت شما) باید گفت که همچوپروگرام دررادیو افغانستا ن‌بنا م (طبیب ـ رادیو) صبا نه‌به نشر سپر ده مـی شود که فکر میکنم یك تعداد کثیر شنونده ها ازآن استفاده میکنند. نشر همچو پرو گرام از طر یـــق یك‌وسیله سمعی مثمر تر هم است ازآن گذشته در روز نامه جمهوریت هم درمورد مسایل صحی هر هفته مضا مین به‌نشر میرسد که مـی شود ازآن استفاده کرد .

• • •

بناغلی حبیب الله از کند ز:

باید بگویم که‌نز دشما (سفید روی) شدیم چون هما نطور یکه ملاحظه میفر مایید به خوا سته‌شما ترتیب اثر دادیم و حسب فر مایش صفحه به جوا ب‌نامه های شمارا سر ازشماره گذشته باز کردیم.

مبارزه برای رشه کن

خواهد بود تا جلو گیری کننـــد. میرمـن ویل که تا همین او اخـر خودش سگرت بسیار دود میکرد بخبر نگاران گفت که‌فرانسوی ها نسبت به مصارف نان ومیوه پولی بیشتر بالای سگرت مصر ف‌مینمایند

سال گذشته مجموع فروشـــس تنباکو که‌در انحصار دو لت میباشد به ۹۲۰۰۰ تن رسیده بود .

وی گفت فرانسه درسال گذشته ده هزار ملیون فرانك را بالای‌سگرت بمصرف رسا نیده است .

میرمن ویل در اولین روز مبارزه خود درین راه شاهد یك پیروزی‌جز یی بود وآن اینست که در کنفـ ـس مطبوعا تی وی هیچیك از خبرنگاران سگرت دود نکرده اند .

دولتی مطبعه

